آداب سخن و سخنوری

جعفر اسلامی فر



بسم الله الرحمن الرحيم

آداب سخن و سخنوری

نویسنده:

جعفر اسلامی فر

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

آداب سخن و سخنوری

مشخصات کتاب

سرشناسه : اسلامی‌فر، جعفر، ۱۳۴۸ -

عنوان و نام پدیدآور : آداب سخن و سخنوری/جعفر اسلامی‌فر.

مشخصات نشر : تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۲۰۴ص.

شابک : ۱۵۰۰۰ ریال:۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۱۷۵-۵ ؛ ۱۸۰۰۰ ریال (چاپ دوم)

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه: ص. [۲۰۳] - ۲۰۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : خطبه‌ها

موضوع : سخنرانی

موضوع : سخنوری

موضوع : اسلام -- تبلیغات

رده بندی کنگره : BP۲۶۱/۴/الف۵آ۴ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۵۴

شماره کتابشناسی ملی : ۱۶۱۸۰۷۵

ص: ۱

اشاره

ص: ۲

ص: ۳

ص: ۴

ص: ۵

ص: ۶

ص: ۷

ص: ۸

ص: ۹

ص: ۱۰

ص: ۱۱

تقدیم به:

مبلّغ راستی و صداقت حضرت خاتم الأنبیاء محمد (ص)

و منادی حق و عدالت امیر المؤمنین علی (ع)

و مدافع حریم ولایت امّ الأئمهٔ النجباء حضرت فاطمهٔ زهرا (س)

و فرزندان پاک و طاهرین آن حضرت، تبیین کنندگان حقیقی هدایت.

و تقدیم به محضر مولا و مقتدای صالحان،

حضرت حجهٔ بن الحسن المهدی (عج) نجات بخش بشریت از گمراهی و ضلالت.

وثواب آن بر روح پدر بزرگوارم مرحوم حاج ذبیح الله اسلامی فر و همه شهدای اسلام، خصوصاً برادر شهیدم، محمد جواد اسلامی فر.

ص: ۱۲

ص: ۱۳

پیش‌گفتار

اهمیت تبلیغ دین

(الَّذِینَ یُبَلِّغُونَ رِسالاتِ اللَّهِ وَ یَخْشَوْنَهُ وَ لا یَخْشَوْنَ أَحَداً إِلَّا اللَّهَ وَ کَفی بِاللَّهِ حَسِیباً) (۱)

؛ همان کسانی که پیام‌های خدا را ابلاغ می‌کنند و از او می‌ترسند و از هیچ کس جز خدا بیم ندارند. و خدا برای حسابرسی کفایت می‌کند.

تبلیغ و بیان احکام و معارف دینی برای مردم و آشنا کردن آنان با پیام آسمانی از وظایف مهم انبیای الهی بوده است. آنان زندگی خود را در راه تبلیغ پیام الهی و آشنا کردن مردم با خداوند و احکام پاک او گذرانده‌اند، چرا که نجات و سعادت انسان‌ها در گرو انجام تکالیف و دوری از همه آفات و انحرافات می‌باشد. این مهم یعنی تبلیغ معارف دینی در قرآن کریم نیز به‌عنوان یکی از بهترین اعمال، شناخته شده است و مبلّغان از مقام و جایگاه رفیعی برخوردار گشته‌اند.

۱- احزاب، ۳ (ص)

ص: ۱۴

از میان همه روش‌هایی که برای تبلیغ دین، امروزه در دسترس می‌باشد، روش مشافهه‌ای و مستقیم اولی یا (دارای اولویت است.) به نظر می‌رسد، اگرچه رسانه‌ها و وسایل نرم افزاری جدید به شکل‌های مختلف می‌تواند مورد بهره‌برداری قرار گیرد ولی تذکر مستقیم و تبلیغ معارف دینی به‌صورت دوستانه و در یک محفل انس دینی تأثیرات ویژه‌ای داشته که همیشه مورد توجّه بزرگان دین بوده است. استفاده صحیح از منابر و محافل دینی از تأثیر گذارترین ابزار تبلیغ دین است.

از آنجا که روحانیون و طلاب محترم در مواطن مختلف و زمان‌های گوناگون به این مهم می‌پردازند، آگاهی از اسباب تأثیر گذاری و یا علل عدم موفقیت به‌عنوان پیش نیاز هر طلبه و مبلّغ لازم و ضروری است.

بسیاری از روحانیون به‌جهت وجود مشاغل خاص و گرفتاری در امور اجرایی و یا تحصیل و تدریس گوشه انزوا را برگزیده و از اهمیت تبلیغ دین و وظیفه اوّلیه خود غافل گشته‌اند.

در زمانی که افرادی هدفشان بی اعتقاد کردن جوانان، سست کردن پایه‌های اعتقادی مردم و وارونه جلوه دادن حقایق دین است، باید فرصت استثنایی جوانی و تبلیغ را غنیمت شمرد. حوزه‌های علمیه اگرچه تلاش‌های بی وقفه‌ای را در راستای تربیت جوانان مستعد و طلاب خوش فکر انجام داده‌اند لیکن در ایجاد فضای مطلوب برای تعلیم علم بیان و زمینه‌سازی برای پیاده شدن دانستنی‌های فراوان در این باب باید قدم‌های

ص: ۱۵

بیشتری را برداشته و طلاب جوان را با شیوه‌های بهتر استفاده کردن از ابزار مهمی مثل منبر و تبلیغ رو در رو و همچنین در مرحله بعدی استفاده از قلم و نوشتن مقالات علمی- پژوهشی بیش از پیش آشنا سازند تا همگان در بیان احکام و معارف دین، ممتاز و در نوشتن مقالات علمی و ثبت معلومات و تراوشات پاک ذهنی موفق باشند.

لذا بر آن شدیم تا با در نظر گرفتن همه جوانب، سبک‌ها و روش‌های پیاده کردن یک منبر موفق را در قالب این نوشتار به طلاب عزیز منتقل نموده و از اجر و ثواب مبلّغین بهره‌ای برده باشیم.

در زمینه سخن و شیوه بیان و وظایف مبلّغان کتاب‌های متعددی نگاشته شده است و هر کدام نیز در نوع خود قابل استفاده می‌باشد و از آن جمله می توان کتاب «سخن و سخنوری»، نوشته خطیب توانا و دانشمند شهیر مرحوم حجهٔالاسلام و المسلمین آقای فلسفی و کتاب «تبلیغ بر پایه قرآن و حدیث» نوشته حجهٔالاسلام و المسلمین محمدی ری شهری را نام برد.

قبل از مطالعه کتاب، توجه به چند نکته ضروری است:

۱- در بخش اول، از آنجا که محور مباحث، همیشه قرآن و عترت است، در ابتدای هر قسمت و بحث، آیه‌ای از قرآن و در انتهای آن، احادیث معصومین (علیهم السلام) آورده شده است.

۲- شرح و توضیح آیات به طلاب عزیز واگذار گردیده است تا با مطالعه تفاسیر به معلومات و معارف بیشتری دست یابند.

ص: ۱۶

۳- در بخش دوم، هدف، بیان روش و شیوه بوده است و می طلبد تا عزیزان طلبه در جلسات تمرین، ضمن پیاده کردن شیوه ها، به غنای آن بیفزایند.

۴- در بخش سوم کتاب، تذکراتی در رابطه با مرثیه و مصیبت‌خوانی ارائه گردیده که امید است مورد توجه طلاب و مداحان محترم قرار گیرد.

ادب اقتضا دارد از دوستان عزیز حجهٔالاسلام سالم و حجهٔالاسلام محمد قادری و برادر عزیز سید ناصر ماهانی که در جهت غنای بیشتر مباحث و تنظیم آن اینجانب را یاری رساندند، تشکر و قدردانی نمایم.

جعفر اسلامی‌فر

ص: ۱۷

بخش اوّل: بایسته‌های مبلّغ دین

تذکّر

ص: ۱۸

ص: ۱۹

کسی که هدفی دارد و در راه آن کوشش می‌کند، برای رسیدن به هدف، باید ابزار مورد نیاز و راه‌های منتهی به هدف را بشناسد و تمامی آنچه در این راه ضروری است تهیه نماید، ظرفیت‌های موجود را به‌خوبی شناخته و بر مبنای آن برنامه‌ریزی کند و به قول بزرگان مقتضی را ایجاد و موانع را برطرف نماید.

بعضی، در راه تبلیغ، این عدم موفقیت خود را، به موانع خارج از خود نسبت می‌دهند ولی باید پرسید آیا حقیقتاً طلاب عزیز و مبلّغین معارف دینی تمامی مقتضیات را درخود ایجاد نموده‌اند و آیا تمامی عیب‌های نهفته در نوع نگرش و نوع بیان و سخن و غیره را برطرف کرده‌اند؟ تا زمانی که ما و مبلّغین معارف دینی نتوانسته‌ایم تمامی ظرفیت‌های خود را به‌کار ببندیم و جمیع موانع موجود در رفتار و روش‌های خود را اصلاح کنیم هرگونه نسبت عدم موفقیت به خارج از خود، نوعی فرار از مسئولیت است.

پس بر طلاب و مبلّغین عزیز است تا، بایدها و نبایدهای تبلیغی را

ص: ۲۰

دانسته و در راه اصلاح خود و یا رشد بیش از پیش برآیند و در روش‌ها و شیوه‌های خود تجدید نظر کنند. ما در این کتاب، بخش اول را به این موضوع اختصاص داده و بایدهای فردی و اجتماعی و موارد لازم و ضروری در حین سخنرانی را یادآور شده‌ایم.

ص: ۲۱

فصل اول: فردی

۱. اخلاص

اشاره

ص: ۲۲

ص: ۲۳

فصل اول: فردی

(قُلْ إِنِّی أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّینَ

* وَأُمِرْتُ لأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِینَ

(۱))

بگو: «من مأمورم که خدا را- در حالی که آیینم را برای او خالص گردانیده‌ام- بپرستم.* و مأمورم که نخستینِ مسلمانان باشم.»

همه افراد جامعه نیاز به زاد و توشه برای آخرت دارنـد و روحانیون نیز از این امر مسـتثنی نیسـتند، اگر چه شـکل ظاهری فعالیت‌های آنان در مسیر دین و الهی است، ولی روشن است که بدون نیت پاک و خالص، حتی نماز که بالاترین عبادت است ارزش خود را از دست می‌دهد. پس مبلّغ دین باید بیش از دیگران در این راه کوشا بوده و نیت خود را برای ذات باری تعالی خالص گرداند.

جـاودانگی و حیـات طیبه انسان و مانـدگاری سـخنان او در قلب‌ها و بهره‌منـدی از آثار وضـعی و دنیایی اعمال، همه و همه در گرو اخلاـص و پاکی نیت است. بایـد دانست که مخلَص شـدن و از تیررس شـیطان در امان گشـتن و در مأمن و حصن الهی قرار گرفتن زمانی میسر است که آدمی

۱- زمر، ۱۱- ۱۲

ص: ۲۴

خود و روح خود را مخلِص کرده باشد. او باید در حد توان اخلاص را رعایت کند تا امداد الهی و عنایات خاص پروردگار نیز شامل او شده و جزو مخلَصین و عبادالرحمان قرار گیرد. ریا و خودنمایی و شهرت طلبی از راه‌های نفوذ شیطان در مبلّغین دین می‌باشد.

روایات

۱- پیامبر اکرم (ص) فرمود:

«الْعُلَماءُ کُلُّهُمْ هَلْکی إلَّا الْعامِلوُنَ وَ الْعامِلُونَ کُلُّهُمْ هَلْکی إلَّا الْمُخْلِصُونَ وَ الْمُخْلِصُونَ عَلی خَطَر» (۱)

علما نابود شونده‌اند، مگر این‌که به علم خود عمل کنند و عاملین به علم نابود شونده‌اند مگر آن‌که اخلاص در عمل داشته باشند و مخلصین در معرض خطر قرار دارند.

۲- پیامبر اکرم (ص) فرمود:

«اعمَلْ لِوَجْهٍ واحِدٍ یَکفِیکَ الْوُجوهَ کُلَّها» (۲)

برای خداوند کارها را انجام بده، خداوند تو را از دیگران کفایت خواهد نمود.

۳- پیامبر اکرم (ص) فرمود:

«مَا أَخْلَصَ عَبْدٌ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَرْبَعِینَ صَبَاحاً إِلَّا جَرَتْ یَنَابِیعُ الْحِکْمَهِٔ مِنْ قَلْبِهِ عَلَی لِسَانِه» (۳)

۱- تنبیه الخواطر، ۳۵۸

۲- کنز العمال، ۵۲۶۰- به نقل از تفسیر المعین، ۴۵۷

۳- بحار الانوار، ۷۰/ ۲۴۲

ص: ۲۵

هیچ بنده‌ای چهل روز اخلاص را رعایت نکرد، مگر این‌که چشمه‌های حکمت از قلب او بر زبانش جاری شد.

۴- امام علی (ع) فرمود:

«فِی الاخْلاصِ یَکُونُ الْخَلاصُ» (۱)

رهایی در قیامت، در گرو اخلاص در عمل است.

۵- امام صادق (ع) فرمود:

«الإِبْقَاءُ عَلَى الْعَمَلِ حَتَّى یَخْلُصَ أَشَدُّ مِنَ الْعَمَلِ» (۲)

حفظ عمل از ریا و بقای بر اخلاص، سخت‌تر از خود عمل است.

۱- تنبیه الخواطر، ۳ (ص) ۰

۲- بحار الانوار، ۷۰/ ۲۳۰

ص: ۲۶

۲. توکل

اشاره

(وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّما عَلى رَسُولِنَا الْبَلاغُ الْمُبِينُ
* اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ
(۱))

و خدا را فرمان برید و پیامبر] او [را اطاعت نمایید، و اگر روی بگردانید، بر پیامبر ما فقط پیام‌رسانیِ آشکار است. خدا] ست که [جز او معبودی نیست، و مؤمنان باید تنها بر خدا اعتماد کنند.

(وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بالِغُ أَمْرِهِ
(۲))

و از جایی که حسابش را نمی‌کند، به او روزی می‌رساند، و هر کس بر خدا اعتماد کند او برای وی بس است. خدا فرمانش را به انجام‌رساننده است. به راستی خدا برای هر چیزی اندازه‌ای مقرّر کرده است.

همگان برای انجام امور سخت به دنبال تکیه‌گاهی می‌گردند تا در زمان مواجهه با مشکل از او استمداد طلبیده و با کمک او مشکل را حل نمایند. هر چه کار سخت تر باشد، نیاز به تکیه گاهی قوی‌تر و مطمئن‌تر بیشتر احساس می‌شود.

۱- تغابن، ۱۲- ۱۳

۲- طلاق، ۳

ص: ۲۷

تبلیغ دین، یاری دین خداست و خداوند به کسی که دین او را یاری کند وعده یاری داده است. پس اگر هدف مبلّغ، یاری دین خدا و رساندن پیام الهی به مردم است باید مطمئن باشد پروردگار او را یاری می کند، زیرا او خلف وعده نمی کند، این ما هستیم که باید در نیت خود اصلاحاتی را ایجاد کنیم و تکیه‌گاهی جز او را برای خود انتخاب نکنیم. تکیه‌گاه مبلّغ باید خدا باشد و بس. فکر، هوش و ذکاوت، جوانی، قدرت بیان و داشتن مطالب ناب و جالب توجه، هیچکدام نمی‌تواند قابل اعتماد باشد، چرا که توجه به این‌ها آفات فراوانی به بار می‌آورد که هر کدام در سقوط آدمی کافی است. کبر یا حسادت نسبت به دیگران و غفلت از ذات احدیت، هر کدام گناهی شکننده است و در مقابل، توجه به خداوند و توکل بر او، اعتماد به نفس و آرامش روحی را برای مبلّغ به ارمغان می‌آورد.

روایات

۱- «سَأَلَ النَّبِیُ

(ص)

عَنْ جَبْرَئِیلَ مَا التَّوَکُّلُ عَلَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؟ فَقَالَ الْعِلْمُ بِأَنَّ الْمَخْلُوقَ لا یَضُرُّ وَ لا یَنْفَعُ وَ لا یُعْطِی وَ لا یَمْنَعُ وَ اسْتِعْمَالُ الْیَأْسِ مِنَ الْخَلْق» (۱)

پیامبر اکرم (ص) از جبرئیل پرسید: توکل چیست؟ گفت: علم به این‌که مخلوق ضرر و نفعی نمی‌رسانند و بخشش و منع از جانب آنها نیست و حقیقتاً از خلق مأیوس و دل بریده باشد.

۱- بحار الانوار، ۷۱/ ۱۳۸

ص: ۲۸

۲- امام علی (ع) فرمود:

«اصْلُ قُوَّةِ الْقَلْبِ، التَّوَكُّلُ عَلَى اللهِ» (۱)

ریشه قوت قلب، توکل بر خداست.

۳- امام علی (ع) فرمود:

«کَیْفَ یَتَخَلَّصُ مِنْ عَناءِ الْحِرْصِ مَنْ لَمْ یَصْدُق تَوَکّلُه (۲)»

چگونه از رنج و اسارت حرص خلاص می‌شود کسی که صادقانه توکل بر خدا نکرده است؟

۴- و باز امام علی (ع) فرمود:

«مَنْ تَوَکَّلَ عَلَى اللهِ اضاءَتْ لَهُ الشُّبَهاتِ.»

کسی که توکل بر خدا کند، شبهات برای او روشن خواهد شد.

۵- امام صادق (ع) فرمود:

«إِنَّ الْغِنَى وَ الْعِزَّ یَجُولانِ فَإِذَا ظَفِرَا بِمَوْضِعِ التَّوَکُّلِ أَوْطَنَا». (۳)

بی‌نیازی و عزت در تکاپو هستند، وقتی موضع توکل را یافتند همان‌جا آرام می‌گیرند و می‌مانند.

۱- غررالحکم، ۱/ ۱۸۸

۲- همان، ۲/ ۵۵۵

۳- اصول کافی، ۲/ ۶۵

ص: ۲۹

۳. ایمان راسخ به رازقیت پروردگار (مناعت طبع)

اشاره

(قُلْ ما أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَ ما أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ) (۱)

و تو امیدوار نبودی که بر تو کتاب القا شود، بلکه این رحمتی از پروردگار تو بود. پس تو هرگز پشتیبان کافران مباش.

(وَ ما أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلى رَبِّ الْعالَمِينَ) (۲)

و بر این] رسالت [اجری از شما طلب نمی‌کنم. اجر من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست.

خداوند بندگانش را آفرید و رزق آنان را ضمانت نمود. هر مخلوقی نزد پروردگار رزقی دارد که قطعاً به آن خواهد رسید (چه کم و چه زیاد). اگر چه خداوند مسیر طبیعی و اسباب و علل مادی را وسیله ارتزاق قرار داده، ولی بر مبلّغ دینی که هدفش عالی و ابزارش قرآن و دین است وظیفه است که این امور را ابزاری برای رسیدن به دنیا و یا

۱- ص، ۸۶

۲- شعراء، ۱۰ (ص)

ص: ۳۰

دنیای بیشتر قرار ندهد.

البته امکان دارد که خداوند رزق او را در همین مسیر یعنی بیان معارف دینی قرار داده باشد ولی باز اعتماد به رازقیت او و توکل بر خالق هستی بیش از پیش برای او لازم است تا از هر گونه چشم داشتی به مال مردم و یانظر به دست دیگران و گاهی کوچک شدن و اظهار ذلت در برابر دیگران برای رسیدن به مقداری از مال دنیا پرهیز داشته باشد. مبلّغ دین با خدا معامله می‌کند و اجیر اوست و نباید اجر عظیم خود را با ثمن بخس دنیایی عوض کند.

مبلّغ باید وظیفه‌اش را انجام دهد، رزق او و فرزندانش برعهده خداوند است و خداوند با حفظ عزّت وی، رزق او را از جایی که گمان نمی‌برد تأمین خواهد کرد، اما مع‌الأسف مشاهده می‌شود عزیزانی از روحانیون، خود را تحقیر کرده و برای مقدار کمی از مال دنیا، عزت به‌دست آمده از سلف صالح را فدا می‌کنند. باید این جمله را باور داشت که:

(وَ مَنْ یَتَّقِ اللَّهَ یَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً* وَ یَرْزُقْهُ مِنْ حَیْثُ لا یَحْتَسِبُ) (۱)

و هر کس از خدا پروا کند،] خدا [برای او راه بیرون‌شدنی قرار می‌دهد. و از جایی که حسابش را نمی‌کند، به او روزی می‌رساند،

۱- طلاق، ۲- ۳

ص: ۳۱

روایات

۱- امام علی (ع) فرمود:

«مَنْ عَمِلَ لِدِینِهِ کَفَاهُ اللَّهُ دُنْیَاهُ» (۱)

کسی که برای دین عمل کند خدا دنیای او را کفایت می‌کند.

۲- امام باقر (ع) فرمود:

«لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ

(ص)

... وَ رَجُلًا احْتَاجَ النَّاسُ إِلَیْهِ لِفِقْهِهِ فَسَأَلَهُمُ الرِّشْوَةَ» (۲)

پیامبر خدا چند گروه را لعنت کردند که از آن جمله مردی است که مردم به علم و فقاهت او نیاز دارند و او از مردم طلب رشوه (پول) کند.

۱- نهج البلاغه، حکمت ۴۲۳

۲- بحار الانوار، ۱۰۳/ ۵۵، مکاسب شیخ انصاری، ۸ (ص)

ص: ۳۲

۴. توسل به اهل بیت (علیهم السلام) به ویژه به امام زمان (عج)

اشاره

(فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَیْهِ قالُوا یا أَیُّهَا الْعَزِیزُ مَسَّنا وَ أَهْلَنَا الضُّرُّ وَ جِئْنا بِبِضاعَهٍٔ مُزْجاهٍٔ فَأَوْفِ لَنَا الْکَیْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَیْنا إِنَّ اللَّهَ یَجْزِی الْمُتَصَدِّقِینَ) (۱)

پس چون] برادران [بر او وارد شدند، گفتند: «ای عزیز، به ما و خانواده ما آسیب رسیده است و سرمایه‌ای ناچیز آورده‌ایم. بنابراین پیمانه ما را تمام بده و بر ما تصدّق کن که خدا صدقه‌دهندگان را پاداش می‌دهد.»

(یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ابْتَغُوا إِلَیْهِ الْوَسِیلَهَ وَ جاهِدُوا فِی سَبِیلِهِ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ) (۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید؛ و به او] توسل و [تقرب جویید؛ و در راهش جهاد کنید، باشد که رستگار شوید.

۱- یوسف، ۷۶

۲- مائده، ۳۵

ص: ۳۳

مبلّغ دین قبل از این‌که مبلّغ و رساننده پیام باشد، باید مدافع خوبی از حریم اهل بیت (علیهم السلام) باشد زیرا او می‌خواهد مظلومیت امامان معصوم را به مردم برساند وحقانیت ایشان را ثابت کند.

او در واقع یکی از شاگردان این مکتب است؛ پس باید از اهل‌بیت (علیهم السلام) طلب یاری کند و از ایشان بخواهد تا در دعاهای خود او را یاد کنند و برای موفقیت او در مسیر ارشاد و هدایت دیگران دعا نمایند، مخصوصاً از حضرت حجهٔ بن الحسن العسکری (ع) که او واسطه فیض از جانب خداست.

آنها امانت داران امینی هستند که اگر کسی قبل از تبلیغ و یا قبل از شروع بحث، خود را و فکر و نفس خود را به آنها بسپارد و از آنها بخواهد تا در هر زمان از منبر و سخن گفتن آنچه را خیر او و مردم است به ذهن و فکر او حواله کنند تا بر زبانش جاری شود قطعاً امامان معصوم (علیهم السلام) این حاجت اخروی و دینی او را برآورده خواهند کرد.

آنان برای هدایت انسان‌ها آمده‌اند و وظیفه خود را هدایت به صراط مستقیم می‌دانند و اگر کسی از آنها طلب هدایت کند قطعاً زودتر از هر حاجت دیگر به او لبیک خواهند گفت؛ لذا توسل به اهل‌بیت (علیهم السلام) همیشه باید مد نظر مبلّغ دین باشد.

توسل به اهل بیت (علیهم السلام) عامل مؤثری در موفقیت مبلّغ است.

ص: ۳۴

روایات

در صلوات مرویه از امام سجاد (ع) در ماه شعبان آمده است:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْكَهْفِ الْحَصِينِ وَ غِيَاثِ الْمُضْطَرِّينَ وَ مَلْجَإِ الْهَارِبِينَ وَ مُنْجِي الْخَائِفِينَ وَ عِصْمَةِ الْمُعْتَصِمِين ...»

و در زیارت جامعه کبیره، امام هادی (ع) فرموده:

«يَا مَوالِيَّ إِنَّ بَيْنِي وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ذُنُوباً لا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَكُمْ عَلَى سِرِّهِ وَ اسْتَرْعَاكُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ وَ قَرَنَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِه ...»

و در جای دیگر می‌فرماید:

«بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِم»

ص: ۳۵

۵. علم برای عمل و تزکیه نفس

اشاره

(یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ ما لا تَفْعَلُونَ* کَبُرَ مَقْتاً عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا ما لا تَفْعَلُونَ) (۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی می گویید که انجام نمی‌دهید؟ نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگویید و انجام ندهید.

(وَ لَوْ شِئْنا لَرَفَعْناهُ بِها وَ لکِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَی الأَرْضِ وَ اتَّبَعَ هَواهُ فَمَثَلُهُ کَمَثَلِ الْکَلْبِ إِنْ تَحْمِلْ عَلَیْهِ یَلْهَثْ أَوْ تَتْرُکْهُ یَلْهَثْ ذلِکَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِینَ کَذَّبُوا بِآیاتِنا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ یَتَفَکَّرُونَ) (۲)

و اگر می‌خواستیم، قدر او را به وسیله آن] آیات [بالا می‌بردیم، امّا او به زمین] دنیا [گرایید و از هوای نَفْس خود پیروی کرد. از این رو داستانش چون داستان سگ است] که [اگر بر آن حمله‌ور شوی زبان از کام برآورد، و اگر آن را رها کنی] باز هم [زبان از کام برآوَرَد. این، مَثَل آن گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند. پس این داستان را] برای آنان [حکایت کن، شاید که آنان بیندیشند.

۱- صف، ۲- ۳

۲- اعراف، ۱۷۶

ص: ۳۶

علم هیچگاه پایان نمی‌پذیرد و تعطیل نمی‌شود- دانسته‌های ما محدود و دایره علم بسیار وسیع است لذا یک مبلّغ کامل و موفق کسی است که پیوسته در افزودن علم خود کوشش کند و فریفته معلومات خود نشود و به آن اکتفا نکند. هم در کسب علوم جدید کوشا باشد و هم در ایجاد روش‌ها و سبک‌های جدید فکر کند. مبلّغ خوب در واقع یک معلم است که در جایگاهی مقدس قرار گرفته است؛ پس در طلب علم بیشتر بکوشد و سعی نماید مطابق معلومات و گفته‌ها عمل کند. درک صحیح مطالب و نورانیت علم در گرو عمل کردن به آن است تا امداد الهی نصیب انسان شود و خداوند درهای جدیدی از معرفت و علم را برروی وی بگشاید.

نکته: تلاش برای یادگیری و مطالعه بیشتر احادیث اهل‌بیت (علیهم السلام) باید در جهت خودسازی و تزکیه نفس باشد، نه این‌که فقط برای تذکرات دینی، تا دیگران به سعادت برسند ولی شخص خطیب و منبری به‌خاطر دور بودن از عمل و نادیده گرفتن آن همچنان اسیر دنیا و هوس‌ها باشد. منبری و واعظ موفق آن کسی است که مردم را با خود به‌سوی خدا ببرد نه این‌که فقط مردم را به‌سوی خدا بفرستد.

مطالبی را انتخاب کند که یا عمل کرده و یا درصدد عمل کردن باشد تا تأثیر گذاری آن بیشتر باشد. خداوند در قرآن کریم درباره علمای یهود و نصارا تصریح می‌فرماید که به‌خاطر گناهان و هواپرستی، بهره عظیمی از آیات الهی را فراموش کرده و از دست دادند. (فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ) (۱)

۱- مائده، ۱۳ و ۱۴

ص: ۳۷

روایات

۱- امام علی (ع) می‌فرماید:
اعْقِلُوا الْخَبَرَ إِذَا سَمِعْتُمُوهُ عَقْلَ رِعَايَةٍ لا عَقْلَ رِوَايَةٍ فَإِنَّ رُوَاةَ الْعِلْمِ كَثِيرٌ وَ رُعَاتَهُ قَلِيلٌ. (۱)
وقتی خبری را می‌شنوید آن را برای عمل حفظ کرده و بر روی آن تعقل کنید نه برای نقل به دیگران، به‌درستی که راویان علم بسیارند و عمل کنندگان به آن کم.
۲- امام علی (ع) می‌فرماید:
انَّما زُهدُ الناسِ فِی طَلَبِ الْعِلْمِ كَثْرةُ ما يَرَوْنَ مِنْ قِلَّةِ مَنْ عَمِلَ بِما عَلِمَ (۲)
این‌که مردم علاقه‌ای به طلب علم (معارف دینی) ندارند به خاطر این است که بسیار می‌بینند، عالمان کمتر به علمشان عمل می‌کنند.
۳- امام صادق (ع) می‌فرماید:
إِنَّ الْحَسْرَةَ وَ النَّدَامَةَ وَ الْوَيْلَ كُلَّهُ لِمَنْ لَمْ يَنْتَفِعْ بِمَا أَبْصَرَهُ وَ لَمْ يَدْرِ مَا الأَمْرُ الَّذِی هُوَ عَلَيْهِ مُقِيمٌ أَ نَفْعٌ لَهُ أَمْ ضَرٌّ. (۳)
حسرت و ندامت و ویل بر کسی است که از آنچه می‌داند نفع نبرد (و عمل نکند) و کسی که نداند، آنچه را دارد، به نفع اوست یا به ضرر او؟
۴- امام صادق (ع) فرمود:
إِنَّ الْعَالِمَ إِذَا لَمْ يَعْمَلْ بِعِلْمِهِ زَلَّتْ مَوْعِظَتُهُ عَنِ الْقُلُوبِ كَمَا

۱- نهج البلاغه، حکمت (ص) ۴

۲- غررالحکم، ۱/ ۳۰۰

۳- بحار الانوار، ۶ (ص)/ ۲۱۸

ص: ۳۸

يَزِلُّ الْمَطَرُ عَنِ الصَّفَا. (۱)

چون عالم به علمش عمل نکند اندرز و موعظه‌اش از دل‌های شنوندگان بلغزد چنان‌که باران از سنگ صاف بلغزد.

۵- امام علی (ع) فرمود:

إِنَّ أَوْضَعَ الْعِلْمِ مَا وَقَفَ عَلَى اللِّسَانِ وَ أَرْفَعَهُ مَا ظَهَرَ فِي الْجَوَارِحِ وَ الأَرْكَان. (۲)

بی‌ارزش ترین علم و دانش دانشی است که بر سر زبان است و برترین علم علمی است که در اعضا و جوارح آشکار است.

۶- امام صادق (ع) فرمود:

الْعِلْمُ مَقْرُونٌ إِلَى الْعَمَلِ فَمَنْ عَلِمَ عَمِلَ وَ مَنْ عَمِلَ عَلِمَ وَ الْعِلْمُ يَهْتِفُ بِالْعَمَلِ فَإِنْ أَجَابَهُ وَ إِلَّا ارْتَحَلَ عَنْه. (۳)

علم همدوش عمل است، هر که بداند باید عمل کند و هر که عمل کند باید بداند، علم عمل را صدا زند اگر پاسخش گوید بماند والّا کوچ کند.

۷- امام باقر (ع): در تفسیر آیه (فَكُبْكِبُوا فِيهَا هُمْ وَ الْغاوُونَ) (۴)؛ «گمراه شدگان و گمراه کنندگان در دوزخ سرنگون گردند» فرمود:

قَالَ هُمْ قَوْمٌ وَصَفُوا عَدْلًا بِأَلْسِنَتِهِمْ ثُمَّ خَالَفُوهُ إِلَى غَيْرِه. (۵)

اینان کسانی هستند که عدالت را بستایند ولی در عمل به ستم گرایند.

۱- اصول کافی، ۱/ ۵۶

۲- نهج البلاغه، حکمت (ص) ۲

۳- اصول کافی، ۱/ ۵۵، مجموعه الاخبار، ۲/ ۱۳

۴- شعرا، (ص) ۴

۵- اصول کافی، ۱/ ۶۰

ص: ۳۹

۶. تواضع و فروتنی در برابر مردم

(وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الأَقْرَبِينَ* وَ اخْفِضْ جَناحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ* فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّی بَرِیءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ* وَ تَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ) (۱)

و خویشانِ نزدیکت را هشدار ده. و برای آن مؤمنانی که تو را پیروی کرده‌اند، بال خود را فرو گستر. و اگر تو را نافرمانی کردند، بگو: «من از آنچه می‌کنید بیزارم. و بر] خدایِ [عزیزِ مهربان توکّل کن.

گسترش دین در طول زمان علاوه بر علما و دانشمندان دینی، مدیون مؤمنینی است که خالصانه دین را پذیرفتند و در برابر آن تسلیم بودند. انسان‌های پاک و بی پیرایه که به عشق الهی و اسلام و مخصوصاً اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام)، برای کسب ثواب‌ها در مجالس و محافل وعظ شرکت کردند، این مجالس را برپا نمودند و خدمتگزاری کردند، تا یک عالم دینی بتواند در آن به وعظ و خطابه بپردازد که اگر این پاکان از مؤمنین و عشق آنان به آل پیامبر نبود قطعاً برای واعظ دین و یک مبلّغ مکانی برای تبلیغ فراهم نمی‌شد.

۱- شعراء، ۲۱۴- ۲۱۷

ص: ۴۰

در مناطق دور افتاده، کشاورز زحمت‌کش، روستایی با اخلاص و عاشق، منزلش را در خدمت روحانی گذاشته، فرزندانش را خدمتگزار او قرار می‌دهد تا از پرتو این عمل، برای خود زاد و توشه‌ای بردارد، روحانی و مبلّغ دین مدیون آنان است و در برابر ایشان باید تواضع و فروتنی را پیشه کند.

کبر در برابر مردم و خود را برتر دیدن نه تنها تبلیغ نیست بلکه آنان را از دین دور می‌کند. اگر تکبر و غرور آفت است، برای مبلّغ بیشتر مضر است و اگر تواضع ارزش است برای مبلغ دینی سزاوارتر است. مبلّغین عزیز، حال را نبینند و به علم و دانش خود غره نشوند که اصل، عمل و عاقبت به‌خیری است و کسی از آن خبر ندارد. چه بسا کسانی که پای منبر ما می‌نشینند، در نزد پروردگار معتبرترند و روز قیامت، بر آنها و مقام آنها غبطه خواهیم خورد.

پیش قدم شدن در سلام کردن و عدم توقع احترام از جانب آنان و بلکه احترام گذاشتن به آنها از دستورات دین و وظایف یک مبلّغ دین است.

ص: ۴۱

۷. دوری از شهرت طلبی

اشاره

(اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَیاةُ الـدُّنْیا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زِینَـهٌ وَ تَفاخُرٌ بَیْنَکُمْ وَ تَکاثُرٌ فِی الأَمْوالِ وَ الأَوْلادِ کَمَثَلِ غَیْثٍ أَعْجَبَ الْکُفَّارَ نَباتُهُ ثُمَّ یَهِیجُ فَتَراهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ یَکُونُ حُطاماً وَ فِی الآخِرَهِ عَذابٌ شَدِیدٌ وَ مَغْفِرَهٌ مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوانٌ وَ مَا الْحَیاهُ الدُّنْیا إِلَّا مَتاعُ الْغُرُور) (۱)

بدانیـد که زنـدگی دنیـا، در حقیقت، بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشـیِ شـما به یکـدیگر و فزون‌جویی در اموال و فرزنـدان است.] مَثَل آنها [چون مثل بارانی است که کشاورزان را رُسـتنی آن] باران [به شـگفتی اندازد، سپس] آن کشت [خشک شود و آن را زرد بینی، آنگاه خاشاک شود. و در آخرت] دنیا پرسـتان را [عذابی سـخت است و] مؤمنان را [از جانب خدا آمرزش و خشنودی است، و زندگانی دنیا جز کالای فریبنده نیست.

همگان می‌داننـد که دنیا و آنچه در اوست فی نفسه مذموم نیست. اگر دنیا به عنوان وسـیله و ابزاری برای آخرت باشد بهترین است. اساساً رسیدن به نعمت‌های آخرت و مقام قرب پروردگار بدون گذر از دنیا امکان پذیر نیست. آنچه که مذموم است طلب دنیا

۱- حدید، ۲۰

ص: ۴۲

و ترجیح آن بر آخرت است.

کسی که وظیفه تبلیغی را به عهده گرفته است در معرض دید مردم قرار دارد و برای رساندن پیام حق به مردم باید در بین مردم باشد و چه بسا پس از مدتی نام او و چهره او برای مردم آشنا باشد، این نوع از شهرت در بین مردم تا حدی طبیعی است و نمی‌توان از آن فرار کرد مگر اینکه عزلت پیشه کند و جدای از مردم زندگی کند و اهل عبادت باشد که آنگاه جز یک عابد کوچک چیز دیگری نیست. عالم از عابد بهتر است؛ چرا که عابد خودش را نجات می‌دهد و عالم خود و مردم را، و چنین چیزی بین مردم بودن را می‌طلبد، شهرت می‌آورد تا مردم او را به پاکی بشناسند و سخنانش را به‌جان بپذیرند.

پس آنچه مذموم است طلب شهرت است. یک مبلّغ باید در خودسازی و تقوی چنان باشد که حقیقتاً شهرت و عدم شهرت برایش فرقی نکند، نامش را به بزرگی ببرند و یا این‌که از کنار او بی‌توجه بگذرند، هیچکدام در نزد او مهم تلقی نشود. او باید به‌دنبال انجام وظیفه یعنی تبلیغ دین خدا باشد و بس و محبت دنیا را که رأس همه خطاهاست از دل بیرون کرده باشد.

روایات

۱- امام صادق (ع) می‌فرماید:

إِذَا رَأَيْتُمُ الْعَالِمَ مُحِبّاً لِدُنْيَاهُ فَاتَّهِمُوهُ عَلَى دِينِكُمْ فَإِنَّ كُلَّ مُحِبٍّ لِشَيْءٍ يَحُوطُ مَا أَحَبَّ وَ قَالَ

(ص)

أَوْحَى اللَّهُ إِلَى دَاوُدَ

(ع)

لا تَجْعَلْ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ عَالِماً مَفْتُوناً بِالدُّنْيَا فَيَصُدَّكَ

ص: ۴۳

عَنْ طَرِیقِ مَحَبَّتِی فَإِنَّ أُولَئِکَ قُطَّاعُ طَرِیقِ عِبَادِیَ الْمُرِیدِینَ إِنَّ أَدْنَی مَا أَنَا صَانِعٌ بِهِمْ أَنْ أَنْزِعَ حَلَاوَةَ مُنَاجَاتِی عَنْ قُلُوبِهِم. (۱)

چون عالم را دنیا دوست دیدید او را نسبت به دینتان متهم دانید زیرا دوست هر چیزی گرد محبوبش می‌گردد و خدا به داوود (ع) وحی فرمود که: میان من و خودت عالِم فریفته دنیا را واسطه قرار مده که تو را از راه دوستیم خارج کند، زیرا که ایشان راهزنان بندگان جویای منند همانا کمتر کاری که با ایشان کنم این است که شیرینی مناجاتم را از دلشان برکنم.

۲- امام باقر (ع) فرمود:

مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ لِیُبَاهِیَ بِهِ الْعُلَمَاءَ أَوْ یُمَارِیَ بِهِ السُّفَهَاءَ أَوْ یَصْرِفَ بِهِ وُجُوهَ النَّاسِ إِلَیْهِ فَلْیَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ الرِّئَاسَةَ لا تَصْلُحُ إِلَّا لأَهْلِهَا. (۲)

هر که علم جوید برای این‌که بر علما ببالد یا بر سفها ستیزد یا مردم را متوجه خود کند باید آتش دوزخ را جایگاه خود گیرد همانا ریاست جز برای اهلش شایسته نیست.

۳- پیامبر اکرم (ص) فرمود:

انَّ الصَّفا الزّلالَ الَّذی لا تَثْبُتُ عَلَیهِ اقْدامُ العُلَماءِ الطَّمَعُ. (۳)

آن مسیر صاف و لغزنده که قدم‌های علما هم بر آن ثابت نمی‌ماند طمع ورزی است.

۱- اصول کافی، ۱/ ۴۶

۲- همان، ۱/ ۵ (ص)

۳- میزان الحکمه، ۶/ ۵۱۷

ص: ۴۴

۸. پرهیز از گفتار به غیر علم و شجاعت در گفتن «نمی‌دانم»

اشاره

(... أَ لَمْ یُؤْخَذْ عَلَیْهِمْ مِیثاقُ الْکِتابِ أَنْ لا یَقُولُوا عَلَی اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَ دَرَسُوا ما فِیهِ وَ الدَّارُ الْآخِرَةُ خَیْرٌ لِلَّذِینَ یَتَّقُونَ أَ فَلا تَعْقِلُونَ) (۱)

آیا از آنان پیمان کتاب] آسمانی [گرفته نشده که جز به حقّ نسبت به خدا سخن نگویند، با اینکه آنچه را که در آن] کتاب [است آموخته‌اند؟ و سرای آخرت برای کسانی که پروا پیشه می‌کنند بهتر است. آیا باز تعقّل نمی‌کنید؟

علم دین بسیار گسترده و عمیق است. شاخه‌ها و رشته‌های گوناگونی در علوم دینی نهفته است و هر کدام اقیانوس بیکران است که قطعاً انسان با عمر کوتاه خود در همه این زمینه‌ها نمی‌تواند تخصص یافته و صاحب نظر شود.

یک انسان نمی‌تواند در تمام رشته‌ها از اصول و فقه و کلام و فلسفه و رجال و حدیث و علوم قرآنی و معانی و بیان و غیره تخصص

۱- اعراف، ۱۶ (ص)

ص: ۴۵

ی

ابـد؛ پس گفتن کلمه "نمی‌دانم "در جواب سؤالاـتی که برای مبلغ مجهول است نبایـد سـخت باشـد و نبایـد آنرا دالّ بر عـدم علم و آگـاهی و موجب شـکست شخصـیتی خود تلقی نمایـد، مضافاً بر اینکه سـخن گفتن درباره چیزی که اطلاعی از آن نـداریم گناهی بزرگ است و این مسـأله نه تنهـا در مسائـل دینی مضـر است که در علوم دیگر نیز سپردن مسـئولیت به کسانی که تخصصـی در آن ندارند، ظلم به مردم می‌شود. ای کاش به حدی از تقوی برسیم که به آسانی بتوانیم از کلمه "نمی‌دانم "استفاده کنیم.

روایات

۱- عَنْ زُرَارَهَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) مَا حُجَّهُ اللَّهِ عَلَی الْعِبَادِ قَالَ أَنْ یَقُولُوا مَا یَعْلَمُونَ وَ یَقِفُوا عِنْدَ مَا لا یَعْلَمُونَ. (۱)

زراره گویـد: از امـام صـادق (ع) پرسـیدم: حجـت خـدا بر بنـدگان چیسـت؟ فرمـود: اینکـه هر آنچـه را می‌داننـد بگوینـد و آنچه را نمی‌دانند سکوت کرده و وارد آن نشوند.

۲- امام علی (ع) فرمود:

مَنْ تَرَکَ قَوْلَ لا أَدْرِی أُصِیبَتْ مَقَاتِلُه (۲)

کسی که از گفتن نمی‌دانم روی گردان است به هلاکت و نابودی می‌رسد.

۱- مجموعه الاخبار، ۲/ ۱۵

۲- نهج البلاغه، حکمت ۸۵

ص: ۴۶

۳- سَأَلْتُهُ عَنْ مَجْدُورٍ أَصَابَتْهُ جَنَابَةٌ فَغَسَّلُوهُ فَمَاتَ قَالَ قَتَلُوهُ أَلَّا سَأَلُوا فَإِنَّ دَوَاءَ الْعِيِّ السُّؤَال. (۱)

از امام صادق (ع) پرسیدم که مردی آبله‌دار جنب شد، او را غسل دادند و مُرد. فرمود: او را کشتند، چرا نپرسیدند همانا دوای نادانی پرسش است.

۴- امام صادق (ع) فرمود:

إِنَّ هَذَا الْعِلْمَ عَلَيْهِ قُفْلٌ وَ مِفْتَاحُهُ الْمَسْأَلَة. (۲)

بر در این علم قفلی است که کلید آن پرسش است.

۵- در حدیثی امام صادق (ع) فرمود: «الله اعلم» برای علما شایسته است ولی غیر علما باید با صراحت بگویند «نمی‌دانم» زیرا با گفتن «الله اعلم» سؤال کننده را در شک و تردید می‌اندازند. (ولی وقتی بگوید نمی‌دانم مورد این تهمت‌ها قرار نمی‌گیرد.) (۳)

۱- مجموعه الاخبار، ۲/ ۱۲

۲- اصول کافی، ۱/ ۴ (ص)

۳- همان، ۱/ ۵۳

ص: ۴۷

فصل دوم: اجتماعی

۱. بهره‌گیری از اساتید بزرگ

اشاره

ص: ۴۸

ص: ۴۹

(.... یَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجاتٍ وَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ خَبِیرٌ) (۱)

و کسانی را که دانشمندند] بر حسب [درجات بلند گرداند، و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است.

(قالَ لَهُ مُوسی هَلْ أَتَّبِعُکَ عَلی أَنْ تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْداً) (۲)

موسی به او گفت: «آیا تو را- به شرط اینکه از بینشی که آموخته شده‌ای به من یاد دهی- پیروی کنم؟»

(... نَرْفَعُ دَرَجاتٍ مَنْ نَشاءُ إِنَّ رَبَّکَ حَکِیمٌ عَلِیمٌ) (۳)

درجات کسانی را که بخواهیم بالا می‌بریم و فوق هر صاحب دانشی دانشوری است.

(قالَتْ یا أَیُّهَا الْمَلأُ أَفْتُونِی فِی أَمْرِی ما کُنْتُ قاطِعَةً أَمْراً حَتَّی تَشْهَدُونِ) (۴)

۱- مجادله، ۱۱

۲- کهف، ۶۶

۳- یوسف، ۷۶

۴- نمل، ۳۲

ص: ۵۰

گفت: «ای سران] کشور [در کارم به من نظر دهید که بی‌حضور شما] تا به حال [کاری را فیصله نداده‌ام.»

اعتماد به نفس یکی از امتیازات بشری است ولی باید مراقب بود که اعتماد به نفس به خود اتکایی و دوری از عالمان و فرهیختگان منجر نشود. انسان‌های بزرگ همیشه در کنار علمای بزرگ پرورش یافته‌اند، لذا بر یک مبلغ دین لازم است علاوه بر مطالعات فراوان و تحقیقات گسترده، از خرمن پر فیض علمای دین نیز بهره مند شود؛ چرا که هیچ محفل انس و یا مجلس وعظی نیست مگر اینکه مطلبی بر معلومات انسان افزوده می‌شود و یا تجربه‌ای کسب می گردد. مبلغ هیچگاه از حضور در نزد علما و کسب فیض از محضر آنها بی‌نیاز نیست و هر چه از علوم داشته باشد باز (فَوْقَ کُلِّ ذِی عِلْمٍ عَلِیمٌ) (۱)؛ «و برتر از هر صاحب علمی، عالمی است».

فواید انس با علما

انس با علمای دین دارای فواید بسیاری است، از جمله:

الف: انتقال معلومات گوناگون به انسان، از طریق مراودات علمی با استادان.

ب: انتقال تجربیات ارزنده.

ج: گشوده شدن درهای حکمت و معرفت بر روی طالب علم دین. چه بسا مواردی که با یک سخن عالمی بزرگ و استادی گرانقدر

۱- یوسف، ۷۶

ص: ۵۱

دریچه‌ای از اقیانوس حکمت و علم و معرفت بر روی آدمی باز می‌شود که قبل از آن هرگز در فکر او خطور نکرده است.

د: شناخت حق از باطل و معرفت نسبت به عالمان دروغین و عالم نماها که به جای هدایت کننده، گمراه کننده‌اند.

مرحوم علامهٔ طبرسی در تفسیر خود در شرح آیه شریفه (وَ الشُّعَراءُ یَتَّبِعُهُمُ الْغاوُونَ) (۱)؛ و شاعران را گمراهان پیروی می کنند. می‌فرماید: اینان کسانی هستند که علم وآگاهی خود را از منبع علم حقیقی و محکم نگرفته‌اند پس هم گمراهند و هم گمراه کننده «هُمْ قومٌ تعلَّموا وَ تفَهَّموا بغیر علمٍ فضَلّوا فَاضَلّوا.» (۲)

مشورت با دیگران (عرضه مطالب بر اساتید)

کارهای بزرگ معمولًا با همفکری و یاری افراد مستعد و گروهی انجام می‌شود. تحقیقات ماندگار و کامل از بهره‌مندی افکار مختلف منشأ دارد. یک انسان هر قدر هم متفکر باشد چه بسا اموری از ذهن او دور و از مطالب مهمی غافل شود، لذا برای تشخیص جوانب مختلف هر مسأله، مناسب است با عالمان و صاحب‌نظران آن فن مشورت شود. پیشنهاد می‌شود مطالبی را که مبلغین مورد مطالعه و تحقیق قرار دادند به دیگران عرضه کنند تا از نظرات آنان نیز استفاده گردد. مثلًا اگر قرار است مسأله‌ای شرعی مطرح شود و یا مبحث اخلاقی و اعتقادی مورد بررسی

۱- شعراء، ۲۲۴

۲- مجمع البیان، ۷/ ۲۰۸

ص: ۵۲

قرار گیرد، استفاده از عقل‌های مختلف با سلیقه‌های گوناگون در بیان مسأله و کیفیت ورود به بحث و همچنین استفاده از منابع و یا موضوعات دیگر جهت توضیح بهتر بحث، می‌تواند در غنای بیشتر آن کمک کرده و به عمق آن بیافزاید.

روایات

۱- پیامبر اکرم (ص) فرمود:

الْحَزْمُ أَنْ تَسْتَشِیرَ ذَا الرَّأْیِ وَ تُطِیعَ أَمْرَهُ (۱)

دوراندیشی و استحکام در کار این است که با صاحب رأی مشورت کرده و سخن او را بپذیری.

۲- امام علی (ع) فرمود:

شاوِرْ قَبْلَ انْ تَعزِمَ وَ فَکِّرْ قَبلَ انْ تَتَقَدَّمَ. (۲)

قبل از هر تصمیم مشورت کن و قبل از هر اقدام فکر کن.

۳- امام علی (ع) فرمود:

مَنِ اسْتَقْبَلَ وُجُوهَ الآرَاءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَا. (۳)

آن کس که از افکار و آرای گوناگون استقبال کند، صحیح را از خطا به خوبی می‌شناسد.

۴- پیامبر اکرم (ص) فرمود:

الْعُلَماءُ وَرَثَهُ الانبیاءِ یُحِبُّهُمْ اهْلُ السَّماءِ وَ یَستَغْفِرُ لَهُمْ

۱- بحار الانوار ۷۵/ آیه ۱۰۵

۲- غرر الحکم ۱/ ۴۴۸

۳- نهج البلاغه، حکمت ۱۷۳

ص: ۵۳

الحِیتانُ فِی الْبَحْرِ اذا ماتُوا الی یَومِ الْقِیامَهِٔ. (۱)

علما ورثه انبیا هستند، اهل آسمان ایشان را دوست دارند، بعد از مرگ ایشان ماهیان دریا تا قیامت برایشان استغفار می کنند.

۵- امام صادق (ع) در ضمن حدیثی فرمودند: علما ورثه انبیا هستند و علوم و احادیث آنها را به ارث می‌برند. بعد حضرت فرمودند:

فَمَنْ أَخَذَ شَیْئاً مِنْهَا فَقَدْ أَخَذَ حَظّاً وَافِراً فَانْظُرُوا عِلْمَکُمْ هَذَا عَمَّنْ تَأْخُذُونَه (۲)

هر کس چیزی از احادیث انبیا را دارد حظّ وافری برده است پس بنگرید که علم خود را از چه کسی می گیرید.

۶- امام باقر (ع) فرمود:

عَالِمٌ یُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِینَ أَلْفَ عَابِد (۳)

عالمی که خود و دیگران از علم او بهره ببرند بهتر است از هفتاد هزار عابد.

۷- امام علی (ع) فرمود:

رَأْیُ الشَّیْخِ أَحَبُّ إِلَیَّ مِنْ جَلَدِ الْغُلَام (۴)

اندیشه پیر در نزد من از تلاش جوان خوشایند تر است.

۸- در حدیث قدسی خداوند بعد از بیان صفات اهل دنیا فرمود:

۱- کنز العمال، ۲۸۶۷ (ص)

۲- بحار الانوار، ۲/ (ص) ۲

۳- همان، ۲/ ۱۰۷

۴- نهج البلاغه، حکمت ۸۶

ص: ۵۴

يَا أَحْمَدُ إِنَّ عَيْبَ أَهْلِ الدُّنْيَا كَثِيرٌ فِيهِمُ الْجَهْلُ وَ الْحُمْقُ لَا يَتَوَاضَعُونَ لِمَنْ يَتَعَلَّمُونَ مِنْهُ وَ هُمْ عِنْدَ أَنْفُسِهِمْ عُقَلَاءُ وَ عِنْدَ الْعَارِفِينَ حَمْقَاء. (۱)

ای احمـد عیب اهل دنیا زیاد است. نادانی و احمقی دارند. در نزد معلم خود فروتنی نکنند و در پیش خود دانشـمند و عاقل اند ولی نزد عارفین احمقند.

۱- مجموعه الاخبار ۲/ ۱ (ص) ۲

ص: ۵۵

۲. برنامه‌ریزی و تدوین بحث قبل از جلسه

اشاره

(اذْهَبْ أَنْتَ وَ أَخُوكَ بِآياتِي وَ لا تَنِيا فِي ذِكْرِي* اذْهَبا إِلى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغى* فَقُولا لَهُ قَوْلًا لَيِّناً لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشى* قالا رَبَّنا إِنَّنا نَخافُ أَنْ يَفْرُطَ عَلَيْنا أَوْ أَنْ يَطْغى* قالَ لا تَخافا إِنَّنِي مَعَكُما أَسْمَعُ وَ أَرى) (۱)

تو و برادرت معجزه‌های مرا] برای مردم [ببرید و در یادکردنِ من سستی مکنید. به سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته، و با او سخنی نرم گویید، شاید که پند پذیرد یا بترسد.» آن دو گفتند: «پروردگارا، ما می‌ترسیم که] او [آسیبی به ما برساند یا آنکه سرکشی کند.» فرمود: «مترسید، من همراه شمایم، می‌شنوم و می‌بینم»

در هر کاری، داشتن طرح و برنامه امری معقول است و انسان‌های موفق همیشه دارای طرح و برنامه و تدبیر برای زندگی هستند. روشن است که داشتن برنامه و تدبیر با توکل و اعتقاد به تأثیر گذار بودن قدرت لایزال الهی منافات ندارد.

یکی از مسائل مهم برای هر سخنران و یا معلم این است که، در هر

۱- طه، ۴۲- ۴۶

ص: ۵۶

جلسه‌ای که به عنوان سخنران در معرض دید و نظر مردم قرار می‌گیرد طرح و برنامه دقیقی داشته باشد و این طرح باید در برگیرنده همه جوانب و پاسخگوی این سؤالات باشد:

۱- فضای حاکم بر این جلسه چگونه است؟

۲- سطح تحصیلات مستمعین در چه حد و اندازه است؟

۳- مخاطبین از چه گروهی هستند؟ (جوانان- زنان- ...)

۴- آیا موضوع انتخابی از مباحث مورد نیاز برای جمع حاضر است یا ...؟

۵- از شاخه‌های گوناگون مرتبط با این مبحث، کدامیک از ضرورت بیشتری برخوردار است؟

آرامش روحی

کسانی که با فکر و اندیشه و یک برنامه منسجم و صحیح بر روی منبر قرار می‌گیرند، آرامش روحی و اطمینان خاطر داشته و با تسلط ویژه‌ای سخنان خود را ادامه می‌دهند؛ ولی آنان که بدون برنامه وارد میدان سخنوری شوند، اضطراب و تشویش خاطر آنان را فرا گرفته و معمولًا این اضطراب در گفتار ایشان و پراکندگی سخنانشان محسوس است. پس تا آمادگی کامل برای سخن نداریم، این مسئولیت سنگین را قبول نکنیم، زیرا هم روح خودمان را آزار می‌دهیم و هم استفاده زیادی به دیگران نمی‌رسانیم.

ص: ۵۷

ایجاد شبهه

کسانی که بدون تدبیر و تفکر سخن می گویند، معمولًا مطالب سؤال برانگیز را، بدون پرداختن بجا و صحیح به جواب آن، در منابر مطرح می کنند که در موارد خاصی این شبهات سال‌ها در ذهن مخاطب باقی مانده و به پاسخ قانع کننده‌ای هم نمی‌رسد و یا از اهل فن و عالمان دین نمی‌پرسد. پس با توجه به آثار سوء سخنرانی‌های بدون تدبیر و برنامه، باید از آن جداً پرهیز نمود.

تمرین قبل از اجرا

مبلغ باید قبل از اجرا و پیاده کردن مبحث مورد نظر، تمرین کرده و مطالب را در ذهن خود مرور و در نزد خود بازگو نماید. خداوند نیز هنگامی که موسی (ع) را به پیامبری برگزید و معجزه‌ای را در اختیار او قرار داد، به موسی (ع) امر کرد تا در بیابان یکبار اجرا کند تا بعد از ورود بر فرعون با آمادگی کامل معجزه را در بین کفار پیاده نماید.

(وَ أَلْقِ عَصاکَ فَلَمَّا رَآها تَهْتَزُّ کَأَنَّها جَانٌّ وَلَّی مُدْبِراً وَ لَمْ یُعَقِّبْ یا مُوسی لا تَخَفْ إِنِّی لا یَخافُ لَدَیَّ الْمُرْسَلُونَ) (۱)

و عصایت را بیفکن. پس چون آن را همچون ماری دید که می‌جنبد، پشت گردانید و به عقب بازنگشت. «ای موسی، مترس که فرستادگان پیش من نمی‌ترسند.

۱- نمل، ۱۰

ص: ۵۸

روایات

۱- امام علی (ع) می‌فرماید:

اذا قَدَّمتَ الفِکرَ فِی جَمیعِ افعالِکَ حَسُنَتْ عَواقِبُک (۱)

اگر قبل از شروع در هر کاری تفکر و تعقّل نمایی، عاقبت آن خوب خواهد بود.

۲- امام علی (ع) فرمود:

الظَّفَرُ بِالْحَزْمِ وَ الْحَزْمُ بِإجَالَةِ الرَّأْیِ وَ الرَّأْیُ بِتَحْصِینِ الأَسْرَار. (۲)

پیروزی در دور اندیشی و دور اندیشی در به کارگیری صحیح اندیشه و اندیشه صحیح به راز داری است.

۳- امام حسن عسکری (ع) فرمود:

وَ انَّ .... وَ لِلْحَزْمِ مِقْدَاراً فَإِنْ زَادَ عَلَیْهِ فَهُوَ جُبْن. (۳)

برای دور اندیشی و حزم هم اندازه‌ای است، اگر از حد خود گذشت دور اندیشی نیست بلکه ترس و جُبن است.

۴- امام علی (ع) فرمود:

اذا کَتَبْتَ کِتاباً فَعُدِ النَّظَر قَبلَ خَتْمِهِ فَانَّما تَخْتِمُهُ علی عَقْلِکَ. (۴)

هر چه نوشتی قبل از مهر زدن و تمام کردنش بر گرد بازنگری کن که نوشتار را بر پایه عقل و خرد خود مهر می‌زنی. (یا اینکه نوشتارت حاکی از عقل و خرد توست.)

۱- غرر الحکم، ۱/ ۳۱ (ص)

۲- نهج البلاغه، حکمت ۴۸

۳- بحار الانوار، ۷۷/ ۲ (ص) ۱

۴- غرر الحکم، ۱/ ۳۲۷

ص: ۵۹

۳. نوگرایی و نوآوری در شیوه تبلیغ

اشاره

(فَجَعَلَهُمْ جُذاذاً إِلَّا كَبِيراً لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ* قالُوا مَنْ فَعَلَ هذا بِآلِهَتِنا إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ* قالُوا سَمِعْنا فَتًى يَذْكُرُهُمْ يُقالُ لَهُ إِبْراهِيمُ* قالُوا فَأْتُوا بِهِ عَلى أَعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ* قالُوا أَ أَنْتَ فَعَلْتَ هذا بِآلِهَتِنا يا إِبْراهِيمُ* قالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هذا فَسْئَلُوهُمْ إِنْ كانُوا يَنْطِقُونَ* فَرَجَعُوا إِلى أَنْفُسِهِمْ فَقالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ* ثُمَّ نُكِسُوا عَلى رُؤُسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ ما هؤُلاءِ يَنْطِقُونَ* قالَ أَ فَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ ما لا يَنْفَعُكُمْ شَيْئاً وَ لا يَضُرُّكُمْ* أُفٍّ لَكُمْ وَ لِما تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَ فَلا تَعْقِلُونَ) (۱)

پس آنها را- جز بزرگترشان را- ریز ریز کرد، باشد که ایشان به سراغ آن بروند. گفتند: «چه کسی با خدایان ما چنین] معامله‌ای [کرده، که او واقعاً از ستمکاران است؟» گفتند: «شنیدیم جوانی، از آنها] به بدی [یاد می‌کرد که به او ابراهیم گفته می‌شود.» گفتند: «پس او را در برابر دیدگان مردم بیاورید، باشد که آنان شهادت دهند.» گفتند: «ای ابراهیم، آیا

۱- انبیاء، ۵۸- ۶۷

ص: ۶۰

تو بـا خـدایان مـا چنین کردی؟» گفت: «] نه [بلکه آن را این بزرگترشـان کرده است، اگر سـخن می‌گوینـد از آنها بپرسـید.» پس به خود آمـده و] به یکدیگر [گفتند: «در حقیقت، شـما سـتمکارید.» سـپس سـرافکنده شدند] و گفتند: [قطعاً دانسـته‌ای که اینها سـخن نمی‌گوینـد.» گفت: «آیا جز خـدا چیزی را می‌پرستیـد که هیـچ سود و زیانی به شـما نمی‌رسانـد؟ اف بر شـما و بر آنچه غیر از خـدا می‌پرستید. مگر نمی‌اندیشید؟»

یکی از بهـترین شـیوه‌های تبلیـغ دیـن، تبلیغ مشـافهه‌ای و چهره بـه چهره اسـت. قطعـاً منبر رفتـن و ارتبـاط مسـتقیم بـا مخـاطب، از تأثیرگـذارترین شـیوه‌هاست و هیـچ روش و شـیوه تبلیغی دیگر، جـای آن را نمی‌گیرد. ولی آنچـه مسـلم اسـت این‌که، سـخن گفتن روبروی مخـاطبین می‌توانـد در ابعـاد مختلفش مـورد تجدیـد نظر قرار گیرد و سـخنور گرامی بـا نـوآوری در سـبک بیـان، انتخـاب موضوعات و نوع بیان و چینش کلمات جذابیت بهتر و بیشتری را در آن ایجاد کند. اسـتفاده از احادیث صـحیح، بهره مندی از علوم و تحقیقـات روز در شـناساندن بهـتر خداونـد به انسـان، تمثیلات زیبـا و جـالب در بحث‌هـای مختلف، اسـتفاده از اشـعار و پنـدهای گوناگون در بین سـخنرانی، بیان تاریـخ، مخصوصاً تاریـخ اسـلام و بیان زندگی علما و اندیشـمندان دینی، هر کدام به نوعی ضـمن ایجاد جذابیت، بر غنای بحث افزوده و منبر را از یک بحث علمی صرف خارج می‌نماید.

اندکی مرور ذهنی قبل از منبر، می‌توان مطالبی که به ظاهر تکراری و ملال‌آور است را به شکلی نو و بیانی جدید و با نگاهی تازه و

ص: ۶۱

از زاویه‌ای دیگر مورد توجه قرار داد تا ضمن تذکر و تکرار آن حقیقت، از ملال آوری آن نیز جلوگیری شود. شروع با یک پرسش و پرداختن همراه با استدلال قوی و محکم به جواب و ارجاع مخاطب به نفس خود و تفکر، راهی است که حضرت ابراهیم (ع) در برابر بت‌پرستان انجام داد.

ذکر لطایف شادی‌بخش در منبر

بعضی بر این تصورند که برای علاقه مندی مردم به محافل دینی و جذب آنان و یا بیشتر شدن جمعیت، باید مجالس و منبرها همراه با مزاح و شوخی و نکات طنزآمیز باشد. این گونه افراد یا در بین مباحث خود از این موارد بهره می‌برند و یا در خارج مجلس، از سخنان طنز گونه استفاده می‌کنند که باعث خوش آیند دوستان و یا جوانان شود.
باید توجه داشت که استفاده از لطایف تاریخی و سخنان شاد و با طراوت در مجلس که لبخند بر لبان بنشاند از نقاط قوت یک منبر است به شرطی که از حد و اندازه خارج نشده و کلمات خارج از نزاکت نداشته باشد و روحانی محترم را در نظر مردم به عنوان یک طنز پرداز و یا کسی که آنان می‌توانند در کنار او فقط ایام خوشی را سپری کنند جلوه ندهد و معنویت و قداست لباس و جذابیت علم و تقوی تحت الشعاع لطیفه گویی و یا مزاح‌های خارج از حد قرار نگیرد.

ص: ۶۲

روایات

۱- پیامبر اکرم (ص) در نصایحی به شمعون فرمود:

فَطُوبَی لِمَنْ تَوَقَّرَ وَ لِمَنْ لَمْ تَکُنْ لَهُ خِفَّهٌ وَ لا جَاهِلِیَّهٌ ... (۱)

خوشا به حال کسی که وقار و متانت داشته باشد و در (رفتار و گفتار) او سبکی و جهالت و سفاهت نباشد.

۲- امام علی (ع) فرمود:

ایّاکَ وَ الْمُسْتَهجَنَ مِنَ الْکَلامِ فَانَّهُ یَحبِسُ عَلَیْکَ اللّئامَ وَ یَنْفُرُ عَنْکَ الکِرامَ. (۲)

از سخنان زشت بپرهیز که انسان‌های پست را دور تو جمع کرده و انسان‌های با کرامت را از تو دور می‌کند.

۳- امام علی (ع) فرمود:

مَنْ جَعَل دَیْدَنَهُ الهَزلَ لَمْ یُعْرَفْ جِدُّهُ. (۳)

هر کس روش خود را بر هزل و شوخی گذارد، سخنان جدی او شناخته نمی‌شود.

۴- امام باقر (ع) فرمود:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ یُحِبُّ الْمُدَاعِبَ فِی الْجَمَاعَهِ بِلا رَفَث. (۴)

خداوند آن کس که میان جمعی شوخی کند دوستش دارد در صورتی که سخن زشت و فحش نباشد.

۱- تحف العقول، ۲۰

۲- میزان الحکمه، ۸/ ۴۳۶

۳- غرر الحکم به نقل از تفسیر المعین، ۱۵۶

۴- اصول کافی، ۴/ ۴۸۶

ص: ۶۳

۵- امام صادق (ع) فرمود:

إِيَّاكُمْ وَ الْمِزَاحَ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِمَاءِ الْوَجْهِ (۱)

مبادا مزاح کنید که آبرو را می‌برد.

۶- امام کاظم (ع) فرمود:

كَانَ يَحْيَى بْنُ زَكَرِيَّا يَبْكِي وَ لَا يَضْحَكُ وَ كَانَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ (ع) يَضْحَكُ وَ يَبْكِي وَ كَانَ الَّذِي يَصْنَعُ عِيسَى (ع) أَفْضَلَ مِنَ الَّذِي كَانَ يَصْنَعُ يَحْيَى (ع). (۲)

حضرت یحیی گریه می‌کرد و نمی‌خندید و حضرت عیسی هم می‌خندید و هم گریه می‌کرد و کار عیسی (ع) بهتر از کار یحیی (ع) می‌باشد.

روایات در مذمت سخنان رکیک و شوخی‌های زشت بسیار است که از آن صرف نظر می‌شود.

۱- اصول کافی، ۴/ ۴۸۷

۲- همان، ۴/ ۴۸ (ص)

ص: ۶۴

۴. ارتباط دوستانه با مخاطبین

اشاره

(فَبِما رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ) (۱)

پس به] برکتِ [رحمت الهی، با آنان نرمخو] و پُر مِهر [شدی، و اگر تندخو و سخت‌دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. پس، از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه، و در کار] ها [با آنان مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن، زیرا خداوند توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد.

(لَقَدْ جاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ ما عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ) (۲)

قطعاً، برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید، به] هدایت [شما حریص، و نسبت به مؤمنان، دلسوز و مهربان است.

۱- آل عمران: ۱۵ (ص)

۲- توبه: ۱۲۸

ص: ۶۵

طبع انسان در پذیرش سخن دوست است و آنگاه که با فردی طرح دوستی بریزد و او را دوست داشته باشد در برابرش خاضع و نرم می‌شود و چه بسا به خاطر او تغییر روش داده و دست از خواسته‌های شخصی خود برمی‌دارد. مبلغ موفق آن است که منبر خود را از سخنرانی خشک به یک محفل انس تبدیل کند.

گاهی سخنرانان چنان روی منبر بر سر مردم فریاد می‌زنند که گویا کاملترین فرد عالم می‌خواهد بدترین انسان‌ها را توبیخ و برکارهای بد، آنان را مؤاخذه کند و حال آنکه می‌توان خود را هم یکی از آنان دانست و محفل را به بیان درد دلی تبدیل کرد که او و دیگران برای پیدا کردن راه حلی ساده جهت رفع مشکلات معنوی خود تشکیل داده‌اند.

البته سخنرانی‌هایی که صرفاً جنبه علمی و پژوهشی دارد و به صورت نتیجه تحقیقات علمی انجام می‌شود و یا جنبه سیاسی داشته و تحلیلگر سیاسی بیان می‌کند و یا آنان که صورت حماسی داشته و نیاز به شدّت و خشم و غضب در سخن است باید از منبرهای موعظه و تذکرات دینی استثنا شود و این بر مبلغین عزیز پوشیده نیست.

راه درست ایجاد انس با مخاطب

ارتباط برقرار کردن با مردم توسط روحانیون عزیز از چند راه ممکن است:

۱- لحن سخنرانی‌ها را دوستانه قرار دهد.

ص: ۶۶

۲- از کلمات مهربانانه و لطیف استفاده کند و از توبیخ و سرزنش پرهیز نماید.

۳- هنگام داشتن لحن توبیخی، خود را هم یکی از آنها بداند که گاهی اسیر نفس می‌شود.

۴- از ناحیه قدرت و یا خدای ناکرده خود برتر بینی با مردم سخن نگوید.

۵- در جلسات عمومی آنها حتی الامکان شرکت کند، در برگزاری دعای توسل، کمیل و یا ندبه آنها حضور پیدا کند و خود نیز همراه آنان به دعا و راز و نیاز بپردازد و مقداری از زمان را مستمع باشد.

۶- اگر سخنرانی بعد از نماز است، در نماز جماعت، با مردم شرکت کند.

۷- بعد از سخنرانی، حتی الامکان برای فیض بردن از ذکر توسل و مرثیه خوانی بر اهل بیت (علیهم السلام) در جمع مردم حضور داشته باشد.

۸- در صورت امکان، بعد از منبر، سریعاً محل را ترک نکند، بلکه مقداری نشسته و ضمن اینکه استراحت می کند، پاسخگوی سؤالات احتمالی مؤمنین باشد که این امور در ایجاد ارتباط دوستانه و اعتماد سازی متقابل بسیار مؤثر است.

ص: ۶۷

روایات

۱- امام باقر (ع) فرمود: مردی از بنی تمیم خدمت پیامبر اکرم (ص) رسید و عرض کرد: مرا نصیحت کنید. حضرت فرمودند:

تَحَبَّبْ إِلَى النَّاسِ يُحِبُّوكَ (۱)

با مردم دوستی کن تا تو را دوست بدارند.

۲- امام صادق (ع) فرمود:

مُجَامَلَةُ النَّاسِ ثُلُثُ الْعَقْل (۲)

مدارا و خوش رفتاری با مردم یک سوم خردمندی است.

۳- امام علی (ع) فرمودند:

رَأْسُ الْعِلْمِ الرِّفْقُ وَ آفَتُهُ الْخُرْقُ (۳)

رأس و اساس علم، مدارا با مردم و آفت آن، ایجاد درگیری با آن‌هاست.

۱- اصول کافی، ۴/ ۴۵۷

۲- میزان الحکمه، ۶/ ۵۲۸

۳- بحار الانوار، ۷ (ص)/ ۳۰۷

ص: ۶۸

۵. احترام به آداب و رسوم فرهنگی مردم

اشاره

(وَ قُلْ لِعِبادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطانَ يَنْزَغُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطانَ كانَ لِلإِنْسانِ عَدُوًّا مُبِيناً) (۱)

و به بندگانم بگو: «آنچه را که بهتر است بگویند»، که شیطان میانشان را به هم می‌زند، زیرا شیطان همواره برای انسان دشمنی آشکار است.

دین اسلام دینی جامع و برای همه زمان‌ها و مکان‌هاست. بعضی از اموری را که با فطرت آدمی سازگاری ندارد حرام کرده، ولی نسبت به خیلی از امور، دیدی وسیع داشته و انسان را در وسعت و گشایش قرار داده است. لذا علما و فقها نیز حکم به اباحه و عدم حرمت می‌کنند. بسیاری از فرهنگ‌های مردم در شهرهای مختلف و یا روستاها از این قبیل است؛ لذا مبلغینی که در بین این مردم قرار می‌گیرند باید کلام خدا و پیام دین را به مردم برسانند و خود الگوی کامل اسلام باشند و قطعاً احترام به آداب و رسوم فرهنگی مردم در هر منطقه‌ای تا آنجا که مرتکب حرام و یا ترک واجب نشده‌اند مورد

۱- اسراء ۱۷/ آیه ۵۳

ص: ۶۹

پذیرش اسلام می‌باشد. مبلغین در این موارد چند چیز را باید مورد توجه قرار دهند:

۱- احترام به آداب و رسوم محلی مردم- اگر مخالف شرع مقدس نباشد- لازم است.

۲- تحمیل سلیقه شخصی بر یک گروه و مخالفت با آن‌ها در چیزی که به آن عادت دارند و حرام هم نیست، صحیح نیست.

۳- تغییر فرهنگ‌ها نیازمند فرهنگ سازی در گذر زمان است و این مستلزم صبر و حوصله و بردباری و مدارا با مردم می‌باشد.

عدم ورود به منازعات فردی و محلی

بایـد توجه داشت که مبلغ در هر کجا که وارد می‌شود وظیفه‌اش تبلیغ دین و هـدایت جامعه است و یکی از مضـرترین مسائل به این وظیفه، ورود به مسائـل شخصـی و یـا نزاع‌هـای افراد است چرا که مردم، روحانی را محرم راز خود و یا مشاور امین خود می‌داننـد و مسائل و مشـکلات خود را با او در میان می‌گذارنـد، پس باید مراقب بود که در این جا به یک گوش دهنده غیبت و یا مؤید تهمت تبـدیل نشود و خود را قاضـی قرار نـداده و حکم صـادر نکنـد. اگر مبلغ، خود را وارد مباحث خصوصـی افراد کرد، در واقع یکی از آن‌ها گشته و مسئولیت خویش را فراموش کرده است.

ص: ۷۰

روایات

۱- امام علی (ع) فرمود:

مُقَارَبَةُ النَّاسِ فِی أَخْلَاقِهِمْ أَمْنٌ مِنْ غَوَائِلِهِم. (۱)

هماهنگی با اخلاق و رسوم مردم، ایمن ماندن از دشمنی و کینه آنان است. (در نسخه دیگر

«مفارقة الناس»

است که در این صورت دور شدن و عدم ورود به رسوم خاص مردم مد نظر خواهد بود.)

۲- امام علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر فرمود:

... وَ لا تَنْقُضْ سُنَّةً صَالِحَةً عَمِلَ بِهَا صُدُورُ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ اجْتَمَعَتْ بِهَا الْأُلْفَةُ وَ صَلَحَتْ عَلَیْهَا الرَّعِیَّةُ (۲)

... و آداب پسندیده‌ای را که بزرگان این امت به آن عمل کردند وملت اسلام با آن پیوند خورده و رعیت با آن اصلاح شدند، بر هم مزن.

۳- امام علی (ع) فرمود:

خَالِطُوا النَّاسَ بِأَلْسِنَتِکُمْ وَ أَبْدَانِکُمْ وَ زَایِلُوهُمْ بِقُلُوبِکُمْ وَ أَعْمَالِکُم. (۳)

با مردم به زبان و جسد همراهی کنید و به قلب‌ها و عمل دور باشید. و این از دستورات دینی است که برای حفظ دین و تقوی «در بین مردم باش ولی از مردم مباش» با مردم مدارا کنید ولی اسیر فرهنگ‌های غلط و آداب و رسومی که دارند نشوید.

۱- نهج البلاغه، حکمت ۴۰۱

۲- همان، نامه ۳۵

۳- بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۱۵

ص: ۷۱

۶. آراستگی ظاهری

اشاره

(یا أَیُّهَا الْمُدَّثِّرُ* قُمْ فَأَنْذِرْ وَ رَبَّکَ فَکَبِّرْ وَ ثِیابَکَ فَطَهِّرْ وَ الرُّجْزَ فَاهْجُرْ) (۱)

ای کشیده ردایِ شب بر سر، برخیز و بترسان. و پروردگار خود را بزرگ دار. و لباس خویشتن را پاک کن. و از پلیدی دور شو.

رعـایت پاکی و طهارت ظاهری یکی از دسـتورات دین مبین اسـلام است. اولیای الهی در برخورد با دیگران رعایت نظافت و تمیزی ظاهر را می‌کردند. یکی از اولین دستورات به پیامبر اکرم (ص) پاکی لباس و نظافت ظاهری است. پیامبر اکرم (ص) در وقت خروج از خانه موهای خود را شانه می‌زد و در آینه خود را نگاه می‌کرد. مبلّغ که می‌خواهـد در معرض دیـد عموم قرار گیرد، بایـد به نگاه مردم و فکر و روح آنان احترام گذاشـته و نظافت ظاهری خود را حفظ کند. انسان‌ها دوسـتدار زیبایی و نظافت هسـتند و از زشتی و پلیدی و کثیفی متنفرند. کسـی که ظاهرش آلوده و یا لباسـش کثیف و جورابش پاره و بدبو است در اولین برخورد با دیگران، آنان را از خود دور کرده است و دیگر به سخنان او گوش

۱- مدثر، ۱ تا ۵

ص: ۷۲

نمی‌دهند و ظاهر ناپسند او سخنان زیبا و کلمات ارزشمند دینی را هم زشت جلوه داده است.

مبلّغ و تجمل گرایی!

نظافت و پاکیزگی ظاهر غیر از تجمل گرایی است. روحانیون باید مراقب باشند به بهانه آراستگی ظاهر، اسیر لباس خاص و رنگ خاص نشده و این باعث کبر و خودنمایی و مشی با تکبر نشود. بعضی به جای نظافت و تمیزی، اسیر زیباگرایی شده‌اند و خطوط عمامه و رنگ عبا و قبا و مدل و رنگ نعلین و کیفیت راه رفتن برای آنها مهم‌تر جلوه کرده است.

رعایت زی طلبگی

زی طلبگی و روحانیت نیز از اموری است که مبلغ باید رعایت کند. بعضی با پوشیدن لباس نازک در تابستان به صورت دشداشه و نمایان شدن شکل زیرپوش آنها مخصوصاً وقتی باد و طوفان در شهر باشد چهره بسیار ناپسندی را به خود می گیرند که به نظر می‌رسد با زی و وقار طلبگی و مبلّغ دینی سازگار نیست و یا کمربند شلوار او که بزرگ و رنگی است از زیر دشداشه‌اش معلوم است و موی سرش از محاسنش بلندتر و دارای محاسنی ماشین کرده و خط گرفته می‌باشد که نشان از استفاده ابزاری از لباس روحانیت است، یعنی هرگاه لازم است لباس می‌پوشد و نوع آرایش خود را به‌گونه‌ای قرار داده که بدون لباس هم

ص: ۷۳

راحت و ناشناس درجامعه زندگی کند، گویا لباس برای آنان گاهی مفید و گاهی مضر است که در هر مکانی متناسب با آن، لباس می‌پوشند.

سخنرانی و بیان معارف دین توسط غیر ملبّسین

لازم است سخنی با عزیزانی داشته باشیم که سرمایه علمی خود را از حوزه علمیه واز علما و روحانیون بزرگ دارند ولی از پوشیدن لباس طفره می‌روند. البته اینان برای خود توجیهاتی دارند و بعضاً مع الاسف همچون گروه قبل (در نکته ۲) لباس را مفید نمی‌دانند، ولی باید گفت، اولًا: اگر آن سرمایه علمی در معارف دینی از حوزه‌های علمیه و علما نبود شما و دیگر عزیزان چنین جایی نداشتید؛ پس لازم است همیشه و به همه کسانی که از سخنان شما بهره می‌برند توجه دهید که آنچه شما دارید و هستید مدیون چه ذخایر عظیم علمی هستید.

ثانیاً: سخنرانی‌ها و بیان معارف دینی با لباس شخصی، این ذهنیت را به جوانان القا می‌کند که می‌توان دین و معارف دینی را از غیر حوزه و روحانیت گرفت و ایجاد این فکر در جوانان، خطرناک و آثار شومی به بار خواهد آورد.

ثالثاً: سخنرانی بدون لباس روحانیت از طرف عزیزانی که سرمایه علمی خود را از حوزه و روحانیت دارند، باعث ایجاد حرکت خطرناکی در جامعه شده که سخنرانان دیگری با لباس‌های شخصی در هیئات و مساجد و غیره پیدا شده‌اند که سرمایه علمی- دینی نداشته و در نزد

ص: ۷۴

علما تلمذ نکرده‌اند و در نتیجه افکار مختلف به نام دین به مردم القا می‌شود.

رابعاً: اگر توجیه این گروه (روحانیونی که لباس روحانیت را نمی‌پوشند و در منابر قرار می گیرند) که بدون لباس بهتر می‌توان با جوانان ارتباط برقرار کرد و با افکار التقاطی مبارزه کرد صحیح باشد، باید به شهید مطهری (رحمه الله) آن استاد بزرگ اشکال گرفت که چرا در زمان طاغوت و در جمع دانشمندان و فلاسفه در دانشگاه‌ها با لباس روحانیت ظاهر می‌شد و هیچگاه دست از اصالت و هویت خود برنداشت و چون یک سرباز همیشه لباس بر تن، آماده خدمت بود، که موفقیت او در این راه بر کسی پوشیده نیست.

روایات

۱- پیامبر اکرم (ص) فرمود:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مِنْ عَبْدِهِ إِذَا خَرَجَ إِلَى إِخْوَانِهِ أَنْ يَتَهَيَّأَ لَهُمْ وَ يَتَجَمَّل (۱)

خداوند دوست دارد که بنده‌اش وقتی به سوی برادرانش می‌رود، برای دیدن ایشان خود را مهیا و زیبا سازد.

۲- فردی از امام صادق (ع) پرسید: آیا همه این خلق را از مردم می‌بینی؟ حضرت فرمود: ۸ گروه را جدا کن:

الف: کسی که مسواک را ترک کند.

ب: کسی که در مکان تنگ چهار زانو بنشیند.

۱- بحار الانوار، ۷ (ص)/ ۳۰۷

ص: ۷۵

ج: کسی که در آن چه مفید نیست داخل شود.

د: کسی که در آنچه علم ندارد مراء و جدال کند.

ه: کسی که بی جهت خود را به مریضی بزنند.

و: کسی که مصیبت زده نیست ولی به ظاهر خود نمی‌رسد.

ز: کسی که در حق، با اصحابش مخالفت کند.

ح: کسی که به رفتار پدرانش افتخار کند ولی از کردار نیک آنها دور است. (۱)

۳- امام علی (ع) فرمود:

التَّجَمُّلُ مِنْ اخْلاقِ الْمُؤْمِنینَ (۲)

تجمل و آراستگی از اخلاق مؤمنین است.

۴- امام علی (ع) فرمود:

النَّظِیفُ مِنَ الثِّیابِ یُذْهِبُ الْهَمَّ وَ الْحَزَنَ وَ هُوَ طَهُورٌ لِلصَّلاهٔ (۳)

پاکیزگی در لباس، غم و غصه را از بین می‌برد و همان، طهارت و پاکی برای نماز است.

۱- خصال، شیخ صدوق، ۴۰ (ص)

۲- غرر الحکم، ۱/ ۴۰

۳- فروع کافی، ۶/ ۴۴۴

ص: ۷۶

ص: ۷۷

فصل سوم: سخنرانی

۱. محوریت قرآن و عترت

اشاره

ص: ۷۸

ص: ۷۹

فصل سوم: سخنرانی

(إِنَّ هـذَا الْقُرْآنَ یَهْـدِی لِلَّتِی هِیَ أَقْوَمُ وَ یُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِینَ الَّذِینَ یَعْمَلُونَ الصَّالِحـاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْراً کَبِیراً* وَ أَنَّ الَّذِینَ لا یُؤْمِنُونَ بِالآخِرَةِ أَعْتَدْنا لَهُمْ عَذاباً أَلِیماً) (۱)

قطعاً ایـن قرآن به] آیینی [که خـود پایـدارتر است راه می‌نمایـد، و به آن مؤمنـانی که کارهـای شایسته می‌کننـد، مژده می‌دهـد که پاداشی بزرگ برایشان خواهد بود. و اینکه برای کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند عذابی پر درد آماده کرده‌ایم.

(وَ جَعَلْناهُمْ أَئِمَّةً یَهْدُونَ بِأَمْرِنا وَ أَوْحَیْنا إِلَیْهِمْ فِعْلَ الْخَیْراتِ وَ إِقامَ الصَّلاةِ وَ إِیتاءَ الزَّکاةِ وَ کانُوا لَنا عابِدِینَ) (۲)

و آنـان را پیشوایـانی قرار دادیم که به فرمـان مـا هـدایت می‌کردنـد، و به ایشـان انجام دادن کارهای نیک و برپاداشـتن نماز و دادن زکات را وحی کردیم و آنان پرستنده ما بودند.

مبلّغ باید:

اولًا، محور سخنان خودش را حق قرار دهد، حق‌جو و حق‌شناس و

۱- اسراء، (ص)- ۱۰

۲- انبیاء، ۷۳

ص: ۸۰

حق‌مدار باشد.

ثانیاً، سخنانش را محکم و متقن و به دور از حدس و گمان بیان کند.

ثالثاً، کلمات و مباحث او منطبق با عقل و فطرت آدمی باشد.

برای رسیدن به این سه عنصر مهم و اساسی، ناچار باید از منابع علمی و سرچشمه‌های زلالی استفاده کرد که خداوند در اختیار بشر قرار داده است و آن هم جز قرآن و عترت نیست.

چرا که ایشان هم حق‌انـد و هم محکم و منطبق با عقل و فطرت. سـخنرانی مـذهبی بایـد نورانی و پاک باشـد، حق مدار و باطل ستیز باشد و محکم و اسـتوار. سخن ماندگار آن است که از کلام ماندگار یعنی قرآن و عترت گرفته شده باشد؛ چرا که حق باقی و باطل نـابود شـدنی است. آنـان که جایگـاه عظیم وعظ و خطابه را تصاحب می‌کننـد و به‌جای ابلاغ کلام خـدا و رسول و عترت پاکش به مردم، سـخنان گزاف و بیهوده و یا کم ثمر می‌گوینـد، نسبت به این مقام عظیم و جایگاه عالی ناسپاسـی می‌کنند و متأسـفانه گاهی مشاهده می‌شود، به‌جای تبلیغ معارف مکتب اهل بیت پیامبر و بیان معارف زلال قرآنی، به سـخنان سـخیف و سبک و یا به تجلیل از دانشـمندان دیگر ادیان و بیان سخنان آنان می‌پردازند و تراوشات ذهنی خود را به مردم القا می‌کنند، دریغ از یک آیه قرآن یا کلام پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام)! که اینگونه مجالس اگر هیچ اشکالی هم در آن نباشد، از نورانیت و معنویت تهی است.

ص: ۸۱

طلیعه سخن با نور قرآن

با توجه به جامعیت قرآن و کامل بودن دستورات دینی در همه ابعاد زندگی، در هر موضوعی، آیه‌ای به صورت کلی و جامع وجود دارد؛ پس هیچگاه نباید سخنرانی از آیات قرآن خالی باشد. مبلّغ باید طلیعه سخن خود را با نور قرآن آغاز کند.

دین شناسی نه دین سرایی

شناخت حقیقت دین که همان تفقه حقیقی در دین است لازم و ضروری است دین شناسی و آگاهی به مبانی دینی، ضرورتی اجتناب ناپذیر است. بعضی دین را نقل می‌کنند ولی مراد خداوند و اولیای الهی را نمی‌فهمند، بعضی دیگر نشناخته آن را آنچنان که امروزی‌ها می‌پسندند به سیلقه خود توضیح داده و به دیگران تفهیم می‌کنند، اینجاست که دین شناسی با دین سرایی فرق می‌کند. باید هم پاک بود و هم دین را از پاکان گرفت.

روایات

۱- امام علی (ع) می‌فرماید:
کِتَابُ اللَّهِ تُبْصِرُونَ بِهِ وَ تَنْطِقُونَ بِهِ وَ تَسْمَعُونَ بِهِ وَ یَنْطِقُ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ وَ یَشْهَدُ بَعْضُهُ عَلَی بَعْضٍ وَ لا یَخْتَلِفُ فِی اللَّهِ وَ لا یُخَالِفُ بِصَاحِبِهِ عَنِ اللَّه. (۱)

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳

ص: ۸۲

کتاب خدا که با آن می‌توانید راه حق را بنگرید و با آن سخن بگویید و به وسیله آن بشنوید، بعضی از قرآن از بعضی دیگر سخن می گوید و برخی بر برخی دیگر گواهی می‌دهد آیاتش در شناساندن خدا اختلافی نداشته و کسی را که همراهش شد از خدا جدا نمی‌سازد.

۲- امام هادی (ع) می‌فرماید:

کَلامُکُمْ نُورٌ وَ أَمْرُکُمْ رُشْدٌ وَ وَصِیَّتُکُمُ التَّقْوَی وَ فِعْلُکُمُ الْخَیْر ... (۱)

کلام شما (اهل بیت (علیهم السلام)) نور و دستوراتتان مایه رشد و سفارش شما تقوی و کردارتان همه نیک است.

۳- در فضایل قرآن و عترت پیامبر اکرم (ص) سخن بسیار است که مبلغین محترم می‌توانند به نهج البلاغه و روایات بسیار در کتاب‌های مختلف مراجعه نمایند. ولی باید کلام ایشان را خوب شناخت و صحیح برای دیگران نقل کرد؛ لذا امام صادق (ع) چنین فرمود:

وَ اللَّهِ لَوَدِدْتُ أَنْ یَکُونَ بِالْکُوفَهِ خَمْسَهٌ وَ عِشْرُونَ رَجُلًا یَعْرِفُونَ أَمْرَنَا الَّذِی نَحْنُ عَلَیْهِ وَ لا یَقُولُونَ عَلَیْنَا إِلَّا الْحَقَّ. (۲)

دوست داشتم در کوفه ۲۵ نفر شیعه داشتم که ایشان امر ما اهل بیت را خوب می‌شناختند و می‌فهمیدند و آنچه از قول ما می گویند حق باشد و جز حق را به ما نسبت ندهند. (افکار و خواسته‌های خود را به ما نسبت ندهند.)

۴- امام علی (ع) می‌فرماید:

انْظُرُوا أَهْلَ بَیْتِ نَبِیِّکُمْ فَالْزَمُوا سَمْتَهُمْ وَ اتَّبِعُوا أَثَرَهُمْ فَلَنْ

۱- زیارت جامعه کبیره

۲- فضائل الشیعه، ۵۶ حدیث ۲۶.

ص: ۸۳

یُخْرِجُوکُمْ مِنْ هُدًی وَ لَنْ یُعِیدُوکُمْ فِی رَدًی فَإِنْ لَبَدُوا فَالْبُدُوا وَ إِنْ نَهَضُوا فَانْهَضُوا وَ لَا تَسْبِقُوهُمْ فَتَضِلُّوا وَ لَا تَتَأَخَّرُوا عَنْهُمْ فَتَهْلِکُوا. (۱)

به اهل بیت پیامبرتان بنگرید- روش ایشان را ملزم باشید و از سنت و آثار ایشان تبعیت کنید که ایشان شما را از هدایت خارج نمی‌کنند و به گناه و پستی برنمی‌گردانند ... و هیچگاه از ایشان سبقت نگیرید که گمراه می‌شوید و هیچگاه از ایشان عقب نیافتید که هلاک خواهید شد.

۵- سخن شیطان در روز عاشورا:

... وَ أَوْرَثْنَاهُمُ النَّارَ إِلَّا مَنِ اعْتَصَمَ بِهَذِهِ الْعِصَابَةِ فَاجْعَلُوا شُغُلَکُمْ بِتَشْکِیکِ النَّاسِ فِیهِمْ وَ حَمْلِهِمْ عَلَی عَدَاوَتِهِمْ وَ إِغْرَائِهِمْ بِهِمْ وَ أَوْلِیَائِهِم. (۲)

ای گروه شیاطین ما از فرزندان آدم به خواست خود رسیدیم و در هلاکت ایشان تمام سعی خود را کردیم و آنان را به سوی آتش کشاندیم مگر کسانی که به این ریسمان (ریسمان اهل بیت) محکم چنگ زده‌اند، پس تمام همت خود را بر آن دارید تا درون مردم نسبت به ایشان (اهل بیت) شک ایجاد کرده و آنان را به عداوت و دشمنی آنان و دوستانشان وادار کنید.

۱- نهج البلاغه، خطبه (ص) ۷

۲- بحارالانوار، ۴۵/ ۱۸۳ و مصائب آل محمد:/ ۵۵

ص: ۸۴

۲. خوف و رجاء

اشاره

(یا أَیُّهَا النَّبِیُّ إِنَّا أَرْسَلْناکَ شاهِداً وَ مُبَشِّراً وَ نَذِیراً* وَ داعِیاً إِلَی اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَ سِراجاً مُنِیراً) (۱)

ای پیامبر، ما تو را] به سِمَتِ [گواه و بشارتگر و هشداردهنده فرستادیم، و دعوت‌کننده به سوی خدا به فرمان او، و چراغی تابناک.

(إِنَّا أَرْسَلْناکَ شاهِداً وَ مُبَشِّراً وَ نَذِیراً) (۲)

] ای پیامبر، [ما تو را] به سِمَتِ [گواه و بشارتگر و هشداردهنده‌ای فرستادیم.

وظیفه انبیای الهی هـدایت جامعه به سوی خداست. تعلیم دین و حکمت و تزکیه خلق از ناپاکی‌ها، از اهداف انبیا و مخصوصاً پیامبر اکرم (ص) است و برای رسیدن به این هـدف بزرگ که در دعوت به‌سوی خـدا و احیای قلوب مردم به نور ایمان تجلی یافته است، دو عنصر مهم و اساسی تأثیر مهمی دارند و آن بشارت به بهشت و نعمت‌های آن و انذار و ترساندن از عذاب الهی است.

از جمله صفات پیامبر اکرم (ص) «بشیر و نذیر» است، پس بر مبلّغ

۱- احزاب، ۴۵- ۴۶

۲- فتح، ۸

ص: ۸۵

دین است که همیشه محافل و سخنرانی‌های خود را در هر موضوعی که انتخاب کرده، بین خوف و رجا قرار دهد و در واقع اعتدال در سخنان را بیش از پیش رعایت کند. امید زیاد بخشیدن به مردم، گنهکاران را جری کرده و قبح گناهان را از بین می‌برد.

ناامید کردن و یا ترساندن زیاد از عذاب الهی، امید به بازگشت را در دل گنهکاران نابود ساخته و از عبادت و توبه و انابه باز می‌دارد. هر دو اگر از حدّ اعتدال بگذرد، برای فرد و جامعه مضر است. لذا وظیفه مبلغ که همان وظیفه انبیا است قرار دادن مردم بین خوف و رجا است، قرآن در بسیاری از آیات (۱)، نیکان و بدان را در کنار هم معرفی کرده و پاداش و یا عذاب آنها را گوشزد می کند.

خداوند در قرآن می‌فرماید: (نَبِّئْ عِبادِی أَنِّی أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِیمُ* وَ أَنَّ عَذابِی هُوَ الْعَذابُ الأَلِیمُ)؛ به بندگان من خبر ده که منم آمرزنده مهربان. و اینکه عذاب من، عذابی است دردناک.

و یا در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: (

وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّکُم لَئِنْ شَکَرْتُمْ لأَزِیدَنَّکُمْ وَ لَئِنْ کَفَرْتُمْ إِنَّ عَذابِی لَشَدِیدٌ

)؛ و آنگاه که پروردگارتان اعلام کرد که اگر واقعاً سپاسگزاری کنید،] نعمت [شما را افزون خواهم کرد، و اگر ناسپاسی نمایید، قطعاً عذاب من سخت خواهد بود.»

باید دانست که این روش صحیح برای تربیت نفس آدمی است که می‌تواند مورد استفاده مربیان و معلمان و همچنین والدین گرامی قرار گیرد.

۱- قرآن، آیات جزء ۲ (ص) و ۳۰

ص: ۸۶

روایات:

۱- امام صادق (ع) فرمود:

لا یَکُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِناً حَتَّی یَکُونَ خَائِفاً رَاجِیاً وَ لا یَکُونُ خَائِفاً رَاجِیاً حَتَّی یَکُونَ عَامِلًا لِمَا یَخَافُ وَ یَرْجُو. (۱)

مؤمن، مؤمن نباشد تا آنکه ترسان و امیدوار باشد و ترسان و امیدوار نباشد تا برای آنچه می‌ترسد و امیدوار است عمل کند.

۲- امام صادق (ع) فرمود:

کانَ ابی عَلَیه السَّلام یَقُولُ: إِنَّهُ لَیْسَ مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ إِلَّا [وَ] فِی قَلْبِهِ نُورَانِ نُورُ خِیفَةٍ وَ نُورُ رَجَاءٍ لَوْ وُزِنَ هَذَا لَمْ یَزِدْ عَلَی هَذَا وَ لَوْ وُزِنَ هَذَا لَمْ یَزِدْ عَلَی هَذَا. (۲)

پدرم فرمود: هیچ بنده مؤمنی نیست جز آن‌که در دلش دو نور است: نور ترس و نور امید، اگر این، وزن شود، از آن افزون نباشد و اگر آن، وزن شود، از این افزون نباشد.

۳- امام صادق (ع) فرمود:

یَنْبَغِی لِلْمُؤْمِنِ أَنْ یَخَافَ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی خَوْفاً کَأَنَّهُ مُشْرِفٌ عَلَی النَّارِ وَ یَرْجُوَهُ رَجَاءً کَأَنَّهُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّهْ. (۳)

سزاوار است برای مؤمن که بترسد از خدا، گویا که او مشرف بر آتش است و آن چنان به او امید داشته باشد گویا از اهل بهشت است.

۴- امام علی (ع) فرمود:

۱- اصول کافی، ۳/ ۱۱۴

۲- همان، ۳/ ۱۱۴

۳- وسائل الشیعه، ۱۱/ ۱۸۱

ص: ۸۷

یَا بُنَیَّ خَفِ اللَّهَ خَوْفاً أَنَّکَ لَوْ أَتَیْتَهُ بِحَسَنَاتِ أَهْلِ الْأَرْضِ لَمْ یَقْبَلْهَا مِنْکَ وَ ارْجُ اللَّهَ رَجَاءً أَنَّکَ لَوْ أَتَیْتَهُ بِسَیِّئَاتِ أَهْلِ الْأَرْضِ غَفَرَهَا لَکَ. (۱)

ای پسرم: از خدا بترس آن چنان که اگر حسنات اهل زمین را آوردی شاید از تو قبول نکند. و به او امید داشته باشد، آن‌چنان‌که اگر گناهان همه اهل زمین را بر دوش داشتی او تو را می‌بخشد.

۵- امام علی (ع) فرمود:

أَ لَا أُخْبِرُکُمْ بِالْفَقِیهِ حَقِّ الْفَقِیهِ مَنْ لَمْ یُقَنِّطِ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ لَمْ یُؤْمِنْهُمْ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ وَ لَمْ یُرَخِّصْ لَهُمْ فِی مَعَاصِی اللَّهِ وَ لَمْ یَتْرُکِ الْقُرْآنَ رَغْبَةً عَنْه. (۲)

آیا از آن‌که به‌حقیقت فقیه است به شما خبر ندهم؟ او کسی است که مردم را از رحمت خدا ناامید نکند و از عذاب خدا ایمن نسازد و به آنها رخصت گناه ندهد و قرآن را ترک نکند از روی اعراض و به چیز دیگر متوجه شود.

۱- الحکم الزاهره، ۲۴۶

۲- اصول کافی، ۱/ ۴۴

ص: ۸۸

۳. بهره گیری از ضرب المثل و ...

اشاره

(أَ لَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُها ثابِتٌ وَ فَرْعُها فِي السَّماءِ* تُؤْتِي أُكُلَها كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّها وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ) (۱)

آیا ندیدی خدا چگونه مَثَل زده: سخنی پاک که مانند درختی پاک است که ریشه‌اش استوار و شاخه‌اش در آسمان است؟ میوه‌اش را هر دم به اذن پروردگارش می‌دهد. و خدا مَثَلها را برای مردم می‌زند، شاید که آنان پند گیرند.

تنوع‌طلبی از ویژگی‌های انسان است که انسان‌ها به آن علاقه‌مند هستند. در یک جلسه که حدود یک ساعت یا کمتر برگزار می‌شود، مبلغ باید علاوه بر آیات قرآن و روایات از به کارگیری ابزار تبلیغی دیگر نیز غافل نباشد. استفاده از ضرب‌المثل‌های معروف و یا بهتر از آن ضرب‌المثل‌های قرآنی که در کتاب‌هایی مثل امثال القرآن جمع آوری شده است و همچنین بهره‌مندی از اشعار و پندیات ارزشمند شعرای بزرگ مثل صائب تبریزی و غیره ... که متناسب با بحث باشد، بر

۱- ابراهیم: ۲۴ و ۲۵.

ص: ۸۹

جذابیت سخنان مبلغ افزوده و خستگی را از روح و جان مستمعین خارج خواهد کرد.

سخنرانی بایـد معجونی گوارا از کلام خداونـد و معصومین (علیهم السـلام) باشـد که عجین با تاریخ و داسـتان‌ها و ضـرب‌المثل‌ها و اشعار زیبای پرمحتوا شده است.

یک خاطره، یک عبرت

در شب‌های شنبه در منزل پدری خود، هر هفته سخنرانی می‌کردم و مستمع من مرحوم پدر و مادر و برادرانم بودند و این یک جلسه وعظ، همراه با تمرین و مشـخص کردن عیوب سـخنرانی‌ام بود، در طی یک سال که ادامه داشت، تجربیات مفیـدی از ایشان کسـب کردم. (۱)

در یک جلسه به من فرمودند: آیه قرآن و روایت معصومین (علیهم السـلام) همچون مقداری عسل است که اگر چندین مرتبه از آن به کسـی خورانده شود قدرت هضم کردن آن را ندارد، لذا برای این‌که هم گوارا شود و هم قابل هضم و مشمئز کننده نباشد باید با شیر یـا چیز دیگر مخلوط شود، شـما نیز بایـد آیـات قرآن را پیوسـته و زیـاد، آن‌هم در یک جلسه بکار نبریـد، روایات زیاد در یک جلسه برای مردم قابل هضم نیست و اکثر آن روایات ضایع می‌شود. یک روایت یا آیه قرآن را با داسـتان‌ها و ضرب‌المثل‌ها و اشعار ضمیمه کنید تا گواراتر و مفیدتر باشد.

۱- این جلسه متأسفانه با فوت پدرم ادامه نیافت.

ص: ۹۰

روایات

۱- امام صادق (ع) می‌فرماید:

امْثالُ الْقُرآنِ لَهَا فَوائِدٌ فامْعَنُوا النَّظَر فَتَفَكَّرِوا فِي مَعانيها وَ لا تَمُرُّوا بِها. (۱)

مثل‌های قرآن فواید زیادی دارد، در آن نظر افکنده و در معانی آن تفکر کنید و از آنها بی‌توجه نگذرید.

۲- امام صادق (ع) می‌فرماید:

نَزَلَ الْقُرْآنُ عَلَى أَرْبَعَةِ أَرْبَاعٍ رُبُعٌ فِينَا وَ رُبُعٌ فِي عَدُوِّنَا وَ رُبُعٌ فِي فَرَائِضَ وَ أَحْكَامٍ وَ رُبُعٌ سُنَنٌ وَ أَمْثَالٌ. (۲)

قرآن بر ۴ جزء نازل شده یک قسمت درباره ماست و قسمتی درباره دشمنان ما و قسمت سوم در واجبات و احکام دینی و قسمت چهارم در مستحبات و مثل‌های زیبا.

۳- امام سجاد (ع) فرمود: خدایا قرآن را برای ما در تاریکی‌های شب‌ها مونس قرار بده ... تا فهم عجایب و نکته‌های دقیق مثل‌هایش در قلوب ما قرار گیرد. (۳)

۱- ریاض السالکین، ج ۵، ص ۴۶۱

۲- بحارالانوار، ج ۸ (ص)، ص ۷۴ و ۱۱۴

۳- صحیفه سجادیه، دعای ۴۲

ص: ۹۱

۴. ذکر تاریخ و عبرت‌های آن

اشاره

(... أَ فَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَدارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَ فَلا تَعْقِلُونَ) (۱)

آیا در زمین نگردیده‌اند تا فرجام کسانی را که پیش از آنان بوده‌اند بنگرند؟ و قطعاً سرای آخرت برای کسانی که پرهیزگاری کرده‌اند بهتر است. آیا نمی‌اندیشید؟

یکی از ابزار مبلّغ برای ایجاد جذابیت در مباحث خود استفاده از تاریخ صحیح اسلام می‌باشد. الگو پذیری از ویژگی‌های انسان و معرفی الگوهای کامل، وظیفه مبلغ دینی است. برای توضیح موضوع مورد بحث و تعیین مصادیق خارجی آن باید از زندگی پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (علیهم السلام) بهره برد و همچنین بیان تاریخ گذشتگان و خطاهای آنان، از مؤثرترین ابزار تبلیغی برای ایجاد تقوی و دوری از گناه در جامعه است.

قرآن کریم هم از این وسیله برای یادآوری آثار سوء گناهان و یا پاداش نیکوی اعمال حسنه استفاده کرده و آیات زیادی از آن به ذکر

۱- یوسف، ۱۰ (ص)

ص: ۹۲

وقایع و تاریخ گذشتگان از انبیا و غیر ایشان اختصاص یافته است. در این زمینه به کتاب‌های زیادی که در تاریخ اسلام و بیان وقایع آن پرداخته است مثل کتاب پند تاریخ و یا منتهی‌الآمال و تتمه المنتهی- تاریخ خلفا و غیره، می‌توان مراجعه کرد.

بیان احوال علما، به دور از شخصیت سازی

استفاده از تاریخ علمای بزرگ و اهل معرفت و ذکر کرامات ایشان نیز بسیار پسندیده است و حاکی از جامعیت اسلام و مکتب اهل‌بیت (علیهم السلام) است که توانسته این انسان‌های کامل و ارزشمند را تربیت نماید، بیان آن به صورت مختصر و کوتاه مناسب است.

باید توجه داشت، گاهی رفتار و اعمال خارق العاده‌ای از علمای دین نقل می‌شود که در عین صحت باید باظرافت خاصی بیان گردد. مبادا تجلیل از علما و ذکر عجایب از ایشان، باعث تضعیف جایگاه امامان و حجت‌های الهی شود. و در ذهن مخاطب چنین القا شود که اگر امامان چنین کردند فلان عالم هم چنین کرد، پس چه فرقی بین آنهاست؟

باید به مردم تذکر داد که این علمای بزرگ هر چه دارند به برکت خدمتگزاری به مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و ارادتشان به آن بزرگواران است و از خود هیچ نداشته و ندارند.

ص: ۹۳

روایات

۱- امام علی (ع) فرمود:

مَا أَکْثَرَ الْعِبَرَ وَ أَقَلَّ الِاعْتِبَار (۱)

عبرت‌ها چه قدر بسیار است ولی عبرت گیرنده کم است.

۲- امام علی (ع) می‌فرماید:

أَیْ بُنَیَّ إِنِّی وَ إِنْ لَمْ أَکُنْ عُمِّرْتُ عُمُرَ مَنْ کَانَ قَبْلِی فَقَدْ نَظَرْتُ فِی أَعْمَالِهِمْ وَ فَکَّرْتُ فِی أَخْبَارِهِمْ وَ سِرْتُ فِی آثَارِهِمْ حَتَّی عُدْتُ کَأَحَدِهِمْ ... (۲)

پسرم درست است که من به اندازه پیشینیان عمر نکرده‌ام، اما در کردار آنها نظر افکندم و در اخبارشان اندیشیدم و در آثارشان سیر کردم تا آنجا که گویا یکی از آنها شده‌ام، بلکه با مطالعه تاریخ آنان گویا از اول تا پایان عمرشان با آنان بوده‌ام. پس قسمت‌های شیرین زندگی آنان را از دوران تیرگی شناختم ... سپس از هر چیزی مهم و ارزشمند آن را و از هر حادثه‌ای، زیبا و شیرین آن را برای تو برگزیدم.

۱- بحار الانوار، ۷۱/ ۳۲۷

۲- همان.

ص: ۹۴

۵. سخن در حد نیاز (دوری از افراط و تفریط)

اشاره

(وَ کَذلِکَ أَنْزَلْناهُ قُرْآناً عَرَبِیًّا وَ صَرَّفْنا فِیهِ مِنَ الْوَعِیدِ لَعَلَّهُمْ یَتَّقُونَ أَوْ یُحْدِثُ لَهُمْ ذِکْراً* فَتَعالَی اللَّهُ الْمَلِکُ الْحَقُّ وَ لا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ یُقْضی إِلَیْکَ وَحْیُهُ وَ قُلْ رَبِّ زِدْنِی عِلْماً) (۱)

و این گونه آن را] به صورت [قرآنی عربی نازل کردیم، و در آن از انواع هشدارها سخن آوردیم، شاید آنان راه تقوا در پیش گیرند، یا] این کتاب [پندی تازه برای آنان بیاورد. پس بلندمرتبه است خدا، فرمانروای بر حق، و در] خواندن [قرآن، پیش از آنکه وحی آن بر تو پایان یابد، شتاب مکن، و بگو: «پروردگارا، بر دانشم بیفزای.»

مبلّغ باید هر موضوعی را که برای توضیح و تبیین آن تحقیق کرده و آمادگی کامل جهت بیان آن دارد، قبل از تنظیم و تهیه مطالب، بیان نکند و از سخن گفتن در اموری که تخصص ندارد بپرهیزد.

آنچه را که میداند و آمادگی دارد، ولی مصلحت بر ذکر آن نیست

۱- طه، ۱۱۳- ۱۱۴

ص: ۹۵

را کنار گذاشـته و مورد بحث قرار ندهد. همیشه توجه داشـته باشد که، همه آنچه را می‌داند، یا قابل گفتن نیست و یا صلاح بر ذکر آن نمی‌باشد.

پس به این ترتیب:

۱- چیزی را که میداند و مطالعه داشته است مورد بحث قرار دهد.

۲- بعـد از ورود به بحث، از افراط و تفریـط در بحث پرهیز کنـد. از گفتن مسـائلی که برای فهم مطلب لازم است دریـغ نکنـد و از حاشیه پردازی فراوان و طولانی کردن سخنرانی، بدون جهت نیز جداً دوری کند.

روایات

۱- امام علی (ع) فرمود:

لاتَرَی الْجاهِلَ إِلَّا مُفْرِطاً أَوْ مُفَرِّطا. (۱)

نادان را یا تندرو و یا کندرو می‌بینی.

۲- امام علی (ع) فرمود:

الْکَلامُ بَیْنَ خُلَّتَیْ سُوءٍ هُما: الاکْثارُ وَ الاقْلال فَالاکْثارُ هَذْرٌ وَ الاقلالُ عَیٌّ وَ حَصْرٌ. (۲)

کلاـم بین دو دوست بـد قرار دارد زیـاده گویی و کوتـاهی در بیـان و حجت. زیـاده گویی خطـا و خروج از اصل مطلب است و کم گویی ناتوانی و عجز (در رساندن و تفهیم مطلب) است.

۱- نهج البلاغه، حکمت ۷۰

۲- میزان الحکمه، ۸/ ۴۴۴

ص: ۹۶

۳- امام علی (ع) می‌فرماید:

الْعاقِلُ لا یَتَکَلَّمُ الَّا بِحاجَتِهِ او حُجَّتِهِ. (۱)

عاقل سخن نمی‌گوید مگر در جایی که نیاز است یا وظیفه‌اش سخن گفتن است.

۴- امام علی (ع) فرمود:

خَیرُ الکَلامِ ما لا یَمِلُّ وَ لا یَقِلُّ. (۲)

بهترین کلام آن است که نه زیاد و ملال آور باشد و نه کم و مضر به مطلب.

۱- میزان الحکمه، ۸/ ۴۴۴

۲- همان.

ص: ۹۷

۶. پرهیز از اطاله کلام

اشاره

الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولئِكَ الَّذِينَ هَداهُمُ اللَّهُ وَ أُولئِكَ هُمْ أُولُوا الأَلْبابِ

به سخن گوش فرا می‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند؛ اینانند که خدایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان.

بهترین سخنان زمانی در دل‌ها و قلب‌ها قرار می‌گیرد که همه مقتضیات برای یادگیری فراهم باشد و گوینده و شنونده هر دو در حال ایده‌آل به‌سر ببرند. خستگی گوینده و عدم قوّت او در زمان تبلیغ و همچنین خستگی شنوندگان به‌خاطر مشکلات کاری و یا عدم انتخاب زمان صحیح برای سخنرانی و تبلیغ، همه از اموری است که باعث افت تأثیر گذاری در تبلیغ مخاطب است و مضافاً به این امور، توضیح زیاد و اطاله کلام، بیشتر از حد ضرورت نیز باعث پراکندگی حواس مخاطبین شده و رغبت گوش دادن را از آن‌ها می‌گیرد.

به همین جهت مبلغ باید سخنش را جامع و بدون نقص در وقت تعیین شده و در زمانی که بالاترین حد تأثیرگذاری را دارد بیان کند و به موقع به سخنش پایان دهد تا لذت مطالب گفته شده در کام مخاطب به تلخی تبدیل نشود.

ص: ۹۸

اطاله کلام بدون علت

اطاله کلام از نظر زمانی، برای هدف مبلّغ مضر است، مخصوصاً اگر مبلّغ سخنی برای گفتن ندارد، یا مطالب تنظیم شده پایان یافته و او تصـمیم دارد به جهات دیگر سـخن خود را طولانی کند، که در آن صورت اشـمئزاز حاصل شده برای مخاطبین و عدم توجه مبلّغ به وقت آنان باعث دوری آنان از کلیه جلسات دینی و بی رغبتی نسبت به شرکت در آن می‌شود.
گاهی دیر رسیدن مداح و یا آماده نبودن غذا از مواردی است که صاحب محفل از سخنران محترم تقاضا می‌کند مقداری سخنرانی را ادامه دهد، که در این صورت، سخنران چیزی جز وسیله سرگرم کردن مردم نخواهد بود. البته روشن است که به مقدار کم، که مضر به هدف نباشد و جمع بین غرض‌ها شود، مانعی ندارد.

روایات

۱- پیامبر اکرم (ص) فرمود، از وصایای خضر به موسی (ع) است که:
فَانَّ کَثْرَةَ النُّطْقِ تَشِینُ الْعُلَماءَ وَ تُبْدِی مُساوِی السُّخَفاء (۱)
زیادی در نطق و سخن، مایه بی آبرویی علما و آشکار شدن بدی انسان‌های پست می‌شود.
۲- امام علی (ع) فرمود:
کَثْرَةُ الْکَلامِ تَبْسُطُ حَواشیهِ وَ تَنْقُصُ مَعانیهِ فَلایُری لَهُ امَدٌ وَ

۱- میزان الحکمه، ۸/ ۴۳ (ص)

ص: ۹۹

لایُنْتَفَعُ بِهِ احَدٌ. (۱)

زیـادی گفتـار بـاعث می‌شود که حواشـی بحث بیشتر و معنـا و حقیقت کمتر شود پس نهـایتی برایش نیست و کسـی هم نفع و بهره نمی‌برد.

۳- امام علی (ع) فرمود:

آفَةُ الْکَلامِ الاطالَة (۲)

آفت کلام طولانی شدن آن است.

۴- امام علی (ع) فرمود:

إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْکَلام. (۳)

وقتی عقل کامل شود، سخن کم می‌شود.

۵- امام علی (ع) فرمود:

اقْلِلِ الْکلام تَأمَنِ المَلامَ. (۴)

کلام و سخن را کم کن، از ملامت دیگران در امان خواهی بود.

۶- امام صادق (ع) در شرح و توضیح آیه شریفه ۱۸ از سوره زمر چنین فرمود:

هَوُ رَجُلٌ یَسْمَعُ الْحَدیثَ فَیُحَدِّث بِهِ کَما تسْمَعهُ لا یَزیدُ فیه و لا یَنْقُصُ مِنْهُ. (۵)

او مردی است که حدیث را آن‌چنان‌که شنیده است نقل می‌کند، نه بر آن می‌افزاید و نه کم می‌کند.

۱- میزان الحکمه، ۸/ ۴۳ (ص)

۲- همان

۳- نهج البلاغه، حکمت ۷۱

۴- میزان الحکمه، ۸/ ۴۴۱- غررالحکم، حدیث ۸۴۱۱

۵- اصول کافی ۱/ ۶۵

ص: ۱۰۰

۷. علمی و عمیق ولی قابل درک و فهم

اشاره

(وَ ما أَرْسَلْنا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسانِ قَوْمِهِ لِیُبَیِّنَ لَهُمْ فَیُضِلُّ اللَّهُ مَنْ یَشاءُ وَ یَهْدِی مَنْ یَشاءُ وَ هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ (۱))

و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم، تا [برای آنان بیان کند. پس خدا هر که را بخواهد بی‌راه می‌گذارد و هر که را بخواهد هدایت می‌کند، و اوست ارجمند حکیم.

هدف مبلغ رساندن مفاهیم عالیه دین به مخاطب است و بزرگترین هنر او سخن گفتن در حد درک و فهم مخاطبین است. هنر این نیست که انسان در کلام خودش کلمات خاص و یا اصطلاحات علمی یا بیگانه را تکرار کرده و از آن کلمات استفاده کند. استفاده از چنین کلماتی از جانب مبلّغ، نشان علم و دانش او هم نیست.

بالاترین هنر مبلغ این است که بتواند سخت‌ترین مفاهیم و مشکل‌ترین مباحث عقلی و کلامی و یا اصطلاحات خاص علمی را به ساده‌ترین زبان برای مخاطب قابل فهم و درک کند، پس در عین علمی بودن، مطالب باید با زبانی ساده و قابل فهم بیان شود.

۱- ابراهیم، ۴

ص: ۱۰۱

دین اسلام دین فطرت و آیین همگانی و قابل درک برای همه است؛ پس مبلغ موفق آن است که مخاطب شناس باشد، برای صاحبان علم و آشنا به اصطلاحات روز، متناسب با آنها سخن بگوید و با مردم دیگر، ساده و گویا، مطالب دینی را بیان کند.

روایات

۱- پیامبر اکرم (ص) فرمود:

إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِیَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُکَلِّمَ النَّاسَ عَلَی قَدْرِ عُقُولِهِمْ. (۱)

ما انبیا با مردم به اندازه درک و توانایی فکری آنها سخن می گوییم.

۲- امام سجاد (ع) فرمود:

... انَّهُ یَحْمِلُ وَ تَخْرُجُ المُخرَجَ الَّذی یَلینُ عَلی مَسامِعِهِ وَ تُکَلّمُهُ مِنَ الْکَلامِ بِما یُطیقُهُ عَقلُهُ فَانَّ لِکُلّ عَقْلٍ

طَبَقَه

مِنَ الْکَلامِ یَعْرِفُهُ وَ یَجْتَنِبُهُ وَلْیَکُنْ مَذْهَبُکَ

الرَّحْمَه

وَ لَا

قُوَّه

الَّا بِالله. (۲)

بایـد بـدانی که او حمل می‌کنـد آنچه را می گویی و در ذهن قرار می‌دهـد، پس باید آنچه به او می گویی برای او قابل فهم و درک باشـد و از کلام، سـخنانی را بگـویی که عقـل او تحمـل کنـد چرا که هر عقلی را نـوعی از کلام است که آنرا می‌شـناسد و درک می کند پس روش خود را بر رحمت و مدارا قرار بده.

۱- کافی، ۲/ ۲۳، به نقل از تبلیغ، ۲ (ص) ۶

۲- تحف العقول، ۲۶ (ص)- رساله حقوق

ص: ۱۰۲

۳- از امام صادق (ع) سؤال شد، بلاغت چیست؟ فرمود:

«إِنَّمَا سُمِّیَ الْبَلِیغَ لِأَنَّهُ یَبْلُغُ حَاجَتَهُ بِأَهْوَنِ سَعْیِهِ». (۱)

شخص بلیغ را بلیغ نامیده‌اند زیرا به حاجت خود با کمترین مؤونه و تلاش دست می‌یابد.

۴- امام علی (ع) فرمود:

احْسَنُ الْکَلامِ ما زانَهُ حُسْنُ النِّظامِ وَ فَهِمَهُ الْخاصُّ وَ العامّ. (۲)

بهترین کلام آن است که بر نظم و معیار سخن استوار بوده و خاص و عام آن را بفهمند.

۱- تحف العقول، ۳۵ (ص)

۲- میزان الحکمه، ۸، ۴۴۸

ص: ۱۰۳

۸. محکم و متقن سخن گفتن

اشاره

(یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِیداً) (۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا دارید و سخنی استوار گویید.

(وَ لْیَخْشَ الَّذِینَ لَوْ تَرَکُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّیَّةً ضِعافاً خافُوا عَلَیْهِمْ فَلْیَتَّقُوا اللَّهَ وَ لْیَقُولُوا قَوْلًا سَدِیداً) (۲)

و آنان که اگر فرزندان ناتوانی از خود بر جای بگذارند بر] آینده [آنان بیم دارند، باید] از ستم بر یتیمان مردم نیز [بترسند. پس باید از خدا پروا دارند و سخنی] بجا و [درست گویند.

از ویژگی‌های مهم برای سخنرانان و خطبا اعتماد به نفس است. کسی که قبل از ورود به بحث، تحقیقات لازم را داشته و در بیشتر از حد نیاز مجلس، معلومات فراوانی را در اختیار دارد و با اساتید مشورت نموده است دیگر دلیلی برای ترس و اضطراب ندارد، پس به تحقیق خود تکیه کرده و به علم و یافته‌های خود مطمئن باشد.

۱- احزاب، ۷۰

۲- نساء، (ص)

ص: ۱۰۴

در بعضی افراد، اعتماد به نفس کمتری مشاهده می‌شود، با این‌که مطلب را یادداشت کرده است، به حق پیرامون آن مطالعه کرده و نیاز زمان و محفل را هم درک نموده است، ولی از گفتن مطالب خود واهمه دارد و تردید او را بیش از گذشته سردرگم می‌کند. این گونه افراد برای به دست آوردن اعتماد به نفس باید به امور ذیل توجه داشته باشند:

۱- محکم و متقن و با دلیل و برهان سخن بگوید و برای سخنان خود دلیل و شاهد داشته باشد.

۲- از بیان هر گونه سخنان مشکوک و یا غیر قابل اعتماد پرهیز نماید.

۳- در صورت لزوم بیان چنین مواردی، مثل نقل سخنی از دانشمندی که نام آن را نمی‌داند و یا بیان تاریخی که صحیح و کامل در خاطر نمانده است، حتماً از کلماتی که حاکی از احتمال و یا گمان باشد استفاده شود، مثلًا بگوید: احتمالًا این سخن از فلان دانشمند و عالم می‌باشد و یا شاید چنین باشد که این واقعه در زمان امام صادق (ع) بوده است و یا این‌که، این سخن نیاز به تحقیق بیشتر دارد.

به این وسیله، هم مطلب را که مفید و لازم بوده بیان نموده است و هم دچار اشتباه و نقل غیر صحیح نشده است.

ص: ۱۰۵

روایات

۱- امام حسن عسکری (ع) فرمود:

النَّاسُ فِيَّ عَلَى طَبَقَاتٍ الْمُسْتَبْصِرُ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ مُتَمَسِّكٌ بِالْحَقِّ مُتَعَلِّقٌ بِفَرْعِ الْأَصْلِ غَيْرُ شَاكٍّ وَ لَا مُرْتَابٍ لَا يَجِدُ عَنِّی مَلْجَأً وَ طَبَقَةٌ لَمْ تَأْخُذِ الْحَقَّ مِنْ أَهْلِهِ فَهُمْ كَرَاكِبِ الْبَحْرِ يَمُوجُ عِنْدَ مَوْجِهِ وَ يَسْكُنُ عِنْدَ سُكُونِهِ وَ طَبَقَةٌ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ شَأْنُهُمُ الرَّدُّ عَلَى أَهْلِ الْحَقِّ وَ دَفْعُ الْحَقِّ بِالْبَاطِلِ حَسَداً مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ. (۱)

مردم در نزد من سه گروهند: گروهی که با بینش و آگاهی در راه نجات قرار دارند و (با استدلال و برهان) به ریسمان محکم حق (قرآن و عترت پیامبر (ص)) چنگ زده‌اند و اصل دین را شناخته و فروعات را به آن تطبیق می‌دهند و در این راه تردیدی ندارند و به غیر از من پناه نبرده‌اند (حق و طرفدار حق هستند). و گروهی که حق را از اهلش نگرفته‌اند، در نتیجه مثل راکب دریا هستند، هر گاه موجی باشد حرکت می‌کنند و در سکون و آرامش آن آرامند (مصلحت اندیشان رفاه طلب). و گروه سوم کسانی هستند که شیطان آنها را احاطه کرده و کاری جز کوبیدن حق نداشته و همیشه می‌خواهند از حق به وسیله باطل خود جلوگیری کنند و این به خاطر حسادتی است که در درون دارند. (مفسدین و مستکبرین).

۱- بحار الانوار، ۷۸/ ۳۷۰ و تحلیلی از زندگی امام حسن عسکری ۷، (ص) ۸

ص: ۱۰۶

۹. اولویت سنجی با توجه به نیازهای واقعی مخاطبان

اشاره

(إِذْ قالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَ لا تَتَّقُونَ* إِنِّی لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ* فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُونِ* وَ ما أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِیَ إِلَّا عَلی رَبِّ الْعالَمِينَ* أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ لا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ* وَ زِنُوا بِالْقِسْطاسِ الْمُسْتَقِيمِ* وَ لا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْياءَهُمْ وَ لا تَعْثَوْا فِی الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ* وَ اتَّقُوا الَّذِی خَلَقَكُمْ وَ الْجِبِلَّةَ الْأَوَّلِينَ) (۱)

آنگاه که شعیب به آنان گفت: «آیا پروا ندارید؟ من برای شما فرستاده‌ای درخور اعتمادم. از خدا پروا دارید و فرمانم ببرید. و بر این] رسالت [اجری از شما طلب نمی‌کنم. اجر من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست. پیمانه را تمام دهید و از کم‌فروشان مباشید. و با ترازوی درست بسنجید. و از ارزش اموال مردم مکاهید و در زمین سر به فساد برمدارید. و از آن کس که شما و خلق] انبوه [گذشته را آفریده است پروا کنید.»

عالمان را طبیب‌های معنوی می‌دانند. طبیب به تناسب حال مریض

۱- شعرا، ۱۷۷- ۱۸۴

ص: ۱۰۷

سخن می‌گوید و نسخه می‌پیچد. طبیبی که یک نوع سخن بگوید و یک نسخه را همیشه بنویسد حاذق نیست.

درک صحیح و تشخیص درست بیماری و همچنین رعایت حال وی در تجویز دارو، از مهم‌ترین وظایف طبیب حاذق است.

یک عالم دینی و یک مبلغ موفق باید همچون طبیب، از حال افراد و مخاطبان خود باخبر باشد، مشکلات واقعی زندگی آن‌ها را بشناسد، با دردهای مردم آشنا باشد تا بتواند در سخنان خود مهم‌ترین مسائل و راه درمان دردهای زندگی آنان را بیان کند. اگر مبلغ دینی، مطالبی را که خود دوست دارد، در هر مجلسی و بدون در نظر گرفتن روحیات مخاطبان بیان کند، در واقع خود را راضی و دیدگاه خود را بر دیگران تحمیل کرده است.

جایی که مردم نیاز به تذکرات اخلاقی و خانوادگی دارند، طرح مباحث اعتقادی و یا عرفانی، کم ثمر است. در محفلی که نیاز آنان ارتباط با خدا و مباحث عرفانی است، مباحث ساده اخلاقی را بازگو کردن باعث بی توجهی و یا کم توجهی مخاطبان به سخنان خواهد شد و طبعاً در چنین حالتی انرژی و توان و وقت و اموال، بجا و صحیح مصرف و هزینه نشده است. همانگونه که در سوره شعراء، خداوند داستان انبیا را بیان کرده است، که هر کدام به مشکل اصلی و درد مهم جامعه در آن روز اشاره کرده‌اند و به‌دنبال ریشه‌کن نمودن گناه آنان بوده‌اند، موسی (ع) و مشکل نجات بنی‌اسرائیل از

ص: ۱۰۸

چنگ فرعونیان و ادعای خـدایی او، ابراهیم (ع) و نجات امت از بت‌پرستی، هود (ع) و مبارزه با قصـر سازی و دنیا طلبی، صالح (ع) و مبـارزه بـا تفریحـات ناسـالم قوم ثمود، لوط (ع) و مبـارزه بـا گنـاه بزرگ امتش، شـعیب (ع) و مبـارزه با کم فروشـی و خیانت در معاملات. در تمـام سوره شـعراء، که گفتگوی پیـامبران و امت‌هـای آنـان است، برای هر پیامبری در برابر قومش علاوه بر دعوت به توحیـد، پیـامی خاص وجود دارد، یعنی آنان متناسب با جامعه و دردهای معنوی آنان نسـخه می‌پیچیدنـد نه غیر آن. همچنین تفاوت معجزات پیامبران نشانگر این است که برای هر گروهی، ابزار مبارزاتی متناسب با آن لازم است.

چگونگی عکس العمل مخاطب

مخاطبین وقتی مطالبی غیر متناسب با خود و زنـدگی خود می‌شـنوند، احساس می‌کننـد، آن سـخنان درد آنها را دوا نخواهـد کرد و مفید نیست، پس به مطالب سـخنران گوش نمی‌دهند. و اینجاست که مبلّغ و روحانی، شخصیت خود را کوچک کرده است، زیرا در چنین حالتی، مستمعین یا چرت می‌زنند، یا با هم سخن می‌گویند، یا رفت و آمدهای غیر معمول دارند.

ص: ۱۰۹

روایات

۱- پیامبر اکرم (ص) فرمود:

يَا عَلِيُّ ثَمَانِيَةٌ إِنْ أُهِينُوا فَلا يَلُومُوا إِلَّا أَنْفُسَهُمْ الذَّاهِبُ إِلَى مَائِدَةٍ لَمْ يُدْعَ إِلَيْهَا وَ الْمُتَأَمِّرُ عَلَى رَبِّ الْبَيْتِ وَ طَالِبُ الْخَيْرِ مِنْ أَعْدَائِهِ وَ طَالِبُ الْفَضْلِ مِنَ اللِّئَامِ وَ الدَّاخِلُ بَيْنَ اثْنَيْنِ فِي سِرٍّ لَمْ يُدْخِلاهُ فِيهِ وَ الْمُسْتَخِفُّ بِالسُّلْطَانِ وَ الْجَالِسُ فِي مَجْلِسٍ لَيْسَ لَهُ بِأَهْلٍ وَ الْمُقْبِلُ بِالْحَدِيثِ عَلَى مَنْ لا يَسْمَعُ مِنْهُ. (۱)

ای علی هشت گروه اگر مورد اهانت واقع شدند ملامت نکنند مگر خودشان را:

۱- کسی که به میهمانی‌ای رود که دعوت به آن نشده است.

۲- کسی که به صاحب خانه امر و نهی می کند.

۳- کسی که از دشمنش توقع خیر و خوبی دارد.

۴- کسی که از مردم پست انتظار کرم دارد.

۵- کسی که بین دو نفر و در سخن سری ایشان وارد شود.

۶- کسی که سلطان و حاکم را تحقیر و سبک شمارد

۷- کسی که به محفلی رود که در شأن او نیست و اهلیت آن را ندارد.

۸- کسی که با افرادی سخن بگوید که به سخنان او گوش نمی‌دهند.

۲- امام سجاد (ع) در رساله حقوق، حق دیگران بر گردن عالم دینی را چنین می‌فرمایند:

۱- خصال شیخ صدوق، ۴۱۰

ص: ۱۱۰

فَإِنْ أَحْسَنْتَ فِيمَا وَلَّاکَ اللَّهُ مِنْ ذَلِکَ وَ قُمْتَ بِهِ لَهُمْ مَقَامَ الْخَازِنِ الشَّفِيقِ النَّاصِحِ لِمَوْلَاهُ فِی عَبِيدِهِ الصَّابِرِ الْمُحْتَسِبِ الَّذِی إِذَا رَأَی ذَا حَاجَةٍ أَخْرَجَ لَهُ مِنَ الْأَمْوَالِ الَّتِی فِی يَدَيْهِ [كُنْتَ] رَاشِداً. (۱)

اگر نیکو سرپرستی کردی و به مثابه خزانه‌داری مهربان و خیرخواه بودی که هرگاه نیازمندی را دید از اموالی که در خزانه دارد به او می‌داد، هر آینه موجب رشد دیگران خواهی بود (علم در دست عالم، همچون گنج در دست اوست که با برخورد به نیازمند آنچه را نیاز دارد به او می‌دهد.)

۳- امام صادق (ع) فرمود:

لاتَكَلَّمْ بِمَا لَا يَعْنِيکَ وَ دَعْ كَثِيراً مِنَ الْكَلَامِ فِيمَا يَعْنِيکَ حَتَّى تَجِدَ لَهُ مَوْضِعاً فَرُبَّ مُتَكَلِّمٍ تَكَلَّمَ بِالْحَقِّ بِمَا يَعْنِيهِ فِی غَيْرِ مَوْضِعِهِ فَتَعِب. (۲)

به آنچه فایده‌ای ندارد سخن مگو و بسیاری از سخنان مفید را تا موضع و محلی بر آن نیافته‌ای بر زبان میاور، چه بسیار کسانی که سخن حق و مفید را در غیر موضع خود گفته‌اند و به خاطر آن به رنج و سختی افتاده‌اند.

۴- رسول خدا (ص) فرمود:

آفَةُ الْعِلْمِ النِّسيانُ وَ اضاعَتُهُ انْ تُحَدِّثَ بِهِ غَيرَ اهلِهِ. (۳)

آفت علم فراموشی است و ضایع کردنش به این که برای غیر اهلش گفته شود.

۱- تحف العقول، ۲۶۱

۲- همان، ۳۷ (ص)

۳- کنز العمال، به نقل از تبلیغ در قرآن و حدیث، ۲ (ص) ۰

ص: ۱۱۱

۱۰. رعایت مناسبت‌های ویژه

اشاره

(وَ لَقَدْ أَرْسَلْنا مُوسی بِآیاتِنا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَکَ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَی النُّورِ وَ ذَکِّرْهُمْ بِأَیَّامِ اللَّهِ إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِکُلِّ صَبَّارٍ شَکُورٍ) (۱)

و در حقیقت، موسی را با آیات خود فرستادیم] و به او فرمودیم [که قوم خود را از تاریکیها به سوی روشنایی بیرون آور، و روزهای خدا را به آنان یادآوری کن، که قطعاً در این] یادآوری [برای هر شکیبایِ سپاسگزاری عبرتهاست.

مجالسی که در مناسبت‌های خاص و یا در زمان موالید ائمه: و یا شهادت ایشان برگزار می‌گردد و یا به‌طور کلی در ماه‌های خاص مثل رجب، شعبان، رمضان و غیره تشکیل می‌شود به‌صورت ضمنی جهت‌دهی منبر را مشخص می‌کند. مبلّغ در هر زمینه‌ای- اعتقادی و اخلاقی و اجتماعی- بخواهد سخن گوید، باید اشاره‌ای به این مناسبت‌ها داشته باشد.

از میان معارف موجود برای این ماه‌ها، و وقایع تاریخی مرتبط با آن، بسیاری از کلمات دینی را می‌توان به مردم منتقل کرد. در دعاها،

۱- ابراهیم: ۵.

ص: ۱۱۲

تعقیبات نماز، مناجات‌ها و یا احادیث پر بار اهل بیت (علیهم السلام) همه چیز نهفته است و فقط مراجعه، مطالعه و انس با آن است که نیاز یک مبلّغ را برطرف می کند.

در مراجعه به بعضی مجالس مشاهده می‌شود که مبلّغ و یا سخنران به گونه‌ای دور از مناسبت خاص سخن می گوید که به‌خوبی عدم مطالعه او در این مناسبت و عدم رجوعش به کتاب‌ها در این زمینه ملموس است، او از محفوظات گذشته خود در موضوعات متفرقه، وقت منبر و مجلس را پر می‌نماید.

توجه به مناسبت‌های ویژه متناسب با مستمعین

مبلّغ باید مناسبت‌های زمانی و مکانی را با حال مستمعین متناسب کرده و سخنی را مطرح کند که ضمن در برداشتن مناسبت‌های ویژه متناسب با مخاطب اعم از جوانان، زنان، دولت مردان، کارمندان، کارگران، معلمان و اساتید باشد.

درباره هر اندیشه و فکری و در اطراف موضوعات مرتبط با هر گروه، مطالب بسیاری است که می تواند مورد بحث قرار گیرد، ولی باید مهم‌ترین و بهترینش را انتخاب کرد.

پس در یک محفل، گزینه‌های متفاوت باید مد نظر مبلغ باشد:

۱- مناسبت زمانی و مکانی

۲- علم و ویژگی های مخاطبین

۳- انتخاب موضوعی که متناسب با این دو باشد.

ص: ۱۱۳

روایات

۱- امام علی (ع) فرمود:

لِكلّ مقامٍ مَقالٌ (۱)

برای هر موقعیت و جایگاهی، سخنی مرتبط با آن لازم است.

۲- پیامبر اکرم (ص) فرمود:

الْعِلْمُ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصَى فَخُذْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ أَحْسَنَهُ. (۲)

علم زیادتر از آن است که شمرده شود، پس از هر چیزی بهترین آن را بگیر.

۳- امام علی (ع) فرمود:

كانَ رَسُولُ الله

(ص)

يَخْطِبُنا فَيُذَكّرنا بِأَيّام اللهِ. (۳)

رسول خدا (ص) هرگاه خطبه می‌خواند ما را به ایام الله یادآوری می‌کرد.

۱- میزان الحکمه، ۸/ ۴۵۲

۲- همان، ۶/ ۵۲۸

۳- کنز العمال، به نقل از تبلیغ در قرآن و حدیث، ۱۳۴

ص: ۱۱۴

۱۱. توجه به نظم و انضباط در زمان جلسات

اشاره

(بَلی مَنْ أَوْفی بِعَهْدِهِ وَ اتَّقی فَإِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ الْمُتَّقِینَ) (۱)

آری، هر که به پیمان خود وفا کند، و پرهیزگاری نماید، بی‌تردید خداوند، پرهیزگاران را دوست دارد.

تمام رفتار مبلغین عزیز در تحت نظر و مراقبت شدید مردم است. گاهی یک عمل مباح و یا مکروه که از جایگاه روحانی و معنوی یک مبلغ دینی بعید است، باعث دوری افراد از او شده و سخنان او را بی تأثیر می‌نماید. گاهی یک عمل خلاف شأن روحانی، او را از دید مستمعین می‌اندازد و تمام علم و فضل او را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد، تا چه رسد به این‌که یک روحانی و سخنران دچار معصیتی شود و یا حقوق دیگران را نادیده بگیرد.

وقتی صاحب مجلس و مستمعین منتظر آمدن شخص مبلغ هستند و وقت خود را جهت شنیدن آیات و روایات گذاشته‌اند، اما ببینند در ساعت مقرر مجلس شروع نشد و علت آن بی نظمی سخنران و یا بدقولی

۱- آل عمران، ۷۶

ص: ۱۱۵

او می‌باشد، نسبت به این قشر عظیم مبلغین دین چه دیدگاهی پیدا خواهند کرد؟

گاهی عزیزان روحانی تعداد جلساتی را که متعهد به شرکت و سخنرانی در آن می‌شوند، در یک شب آنقدر زیاد است که حتی فرصت استراحت در بین آن را ندارند و از مجلسی به مجلس دیگر دویدن و نگاه‌های تند و معنا دار مردم آنقدر او را از چشم مردم می‌اندازد که چندین عذرخواهی و عذرتراشی هم قانع کننده آنان نیست.

رعایت تقوا در گرو رعایت نظم

تقوا و پاکی در گرو نظم حاصل می‌شود و کسی که نظم ندارد بی‌شک بی‌تقوایی کرده است. مبلغ باید سعی نماید در مدت زمانی که به مجالس گوناگون قول می‌دهد، نسبت به رفت و آمد از مجلسی به مجلس دیگر و حتی برای پاسخ‌گویی به سؤالات مستمعین بعد از جلسه، نیز زمانی را اختصاص دهد تا دچار مشکل نشود.

در وصیت حضرت علی (ع)، تقوا در کنار نظم آمده است، یعنی یکی از راه‌های رسیدن به تقوا، نظم در کارهاست و بی نظمی باعث گناه و یا ظلم به دیگران خواهد بود.

ص: ۱۱۶

روایات

۱- امام علی (ع) فرمود:

أُوصِيكُمَا وَ جَمِيعَ وُلْدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُم (۱)

شما (حسن و حسین (علیهم السلام)) و همه فرزندانم و اهل و عیالم و هر کس نامه‌ام به او می‌رسد سفایش می‌کنم به تقوای الهی و نظم در کارها.

۲- امام علی (ع) می‌فرماید:

الْمَسْئُولُ حُرٌّ حَتَّى يَعِد. (۲)

کسی که چیزی از او خواسته‌اند، تا وعده نداده، آزاد است.

۳- امام علی (ع) فرمود:

الْمَنْعُ الجَمِيلُ احْسَنُ مِنَ الْوَعْدِ الطَّوِيل. (۳)

رد کردن دیگران به‌صورت زیبا، بهتر است از وعده دادن و آن‌ها را معطل خود کردن.

۴- امام علی (ع) فرمود:

لا تَعِدَنَّ عِدَةً لاتَثِقُ مِنْ نَفسِكَ بِانِجازِها. (۴)

به چیزی که اطمینان به برآورده کردن آن نداری وعده نده.

۵- امام صادق (ع) فرمود: پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

إِنَّ أَقْرَبَكُمْ مِنِّي غداً وَ أَوْجَبَكُمْ عَلَيَّ شَفَاعَةً أَصْدَقُكُمْ

۱- نهج البلاغه، نامه ۴۷

۲- همان، حکمت ۳۳۶

۳- غرر الحکم، به نقل از تفسیر المعین، ۵۰

۴- غرر الحکم، ۲/ ۸۰ (ص)

ص: ۱۱۷

لِلْحَدِيثِ وَ آدَاكُمْ لِلْأَمَانَةِ وَ أَحْسَنُكُمْ خُلُقاً وَ أَقْرَبُكُمْ مِنَ النَّاسِ. (۱)

نزدیک‌ترین شـما به من در روز قیامت راسـتگوترین در گفتار و امانت‌دارترین و با وفاترین (شـما در عهـد و پیمان) و خوش اخلاق ترین و نزدیک‌ترین شما به مردم است.

۶- امام رضا (ع) فرمود:

إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ نَرَى مَا وَعَدْنَا عَلَيْنَا دَيْناً كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّه

(ص)

. (۲)

ما اهل بیتی هستیم که آنچه وعده دهیم برخود دَین می‌دانیم، همانگونه که رسول خدا (ص) چنین بود.

۱- بحارالانوار، ۷۵/ (ص) ۴

۲- تحف العقول، ۳۲ (ص)

ص: ۱۱۸

۱۲. هدف، تربیت و اصلاح

اشاره

(هُوَ الَّذِی بَعَثَ فِی الْأُمِّیِّینَ رَسُولًا مِنْهُمْ یَتْلُوا عَلَیْهِمْ آیاتِهِ وَ یُزَکِّیهِمْ وَ یُعَلِّمُهُمُ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ وَ إِنْ کانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِی ضَلالٍ مُبِینٍ) (۱)

اوست آن کس که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد، و] آنان [قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

در یک محفل دینی و یا سخنرانی، تمامی امکانات مادی و معنوی در اختیار مبلّغ قرار می‌گیرد. وقت مخاطبین، فکر و ذهن آنها که از با ارزش‌ترین نعمت‌های الهی است در اختیار مبلغ است و یا به عبارت دیگر، مردم این نعمت‌های ارزشمند را در اختیار او می‌گذارند تا مطلبی بر معلوماتشان و نوری بر معرفتشان افزوده شود. مبلغ باید هدف خود را تبلیغ دین و رساندن پیام انبیا قرار دهد، تا در پرتو کلام قرآن و اولیای الهی (علیهم السلام)، مردم به نور هدایت دست یابند.

۱- جمعه، ۲

ص: ۱۱۹

وظیفه مبلّغ در مجالس ترحیم

بعضی از آفات سخنرانی‌های مبلّغین این است که، هدف‌ها به فراموشی سپرده شده و سخنان تحت تأثیر وقایع و انگیزه‌های دیگر قرار می‌گیرد. که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف: تعریف و تمجید از اشخاصی که دارای فعالیت‌های نیکو و پسندیده‌ای هستند. تعریف از شخصی که معصوم نیست و احتمالًا در کنار کارهای به‌ظاهر پسندیده، رفتارهای ناپسند دیگری هم داشته باشد، که مبلغ و سخنران از آن بی خبر است، در حالی که مردمی که شنونده سخن او هستند آن عیب‌ها را می‌دانند و این تمجیدها موجب تمسخر و یا ریشخند حضار می‌شود. باید در این گونه مواقع، رفتار خوب و عمل پسندیده را تمجید کرد، نه شخص را، همانگونه که در تذکر دادن و نصیحت کردن، باید از عمل زشت فرد ابراز نارضایتی و انزجار کرد نه از شخص.

ب: در محافل سوگواری، مبلغ تمام هدف و همت خود را تزکیه حضار و استفاده صحیح از مجلس سوگواری و حضور عزاداران قرار دهد و در این مکان و زمان که همه دل‌ها متوجه عالم آخرت است تذکرات خود را متوجه حضار کند، تمجید از میت و ذکر کلماتی شبیه خلد آشیان، جنّت مکان و .... که مایه دلخوشی مصیبت دیدگان است، جز از دست دادن زمان نصیحت و فرصت انذار، چیز دیگری عاید مبلغ نمی‌کند.

ص: ۱۲۰

ج: در این گونه مجالس، وظیفه این است که معارف الهی و حکمت پروردگار و ارزش مؤمنین در اطاعت از خداوند را گوشزد کنیم، تسلیم مقدرات خدا بودن و همه مقدرات او را بر خواسته از حکمت دانستن، که از ویژگی‌های مهم مؤمن است، مورد توجه باشد و به پاداش صابرین در مصائب و اجر فراوان آنها اشاره شود و اینکه مؤمنان واقعی در مصائب شاکرند و صابر؛ به عالم آخرت توجه دارند و زندگی دنیا را محل گذر و منزل موقت می‌دانند.

روایات

۱- امام رضا (ع) فرمود:

التَّهْنِئَةُ بِآجِلِ الثَّوَابِ أَوْلَى مِنَ التَّعْزِيَةِ بِعَاجِلِ الْمُصِيبَةِ. (۱)

تهنیت گفتن به خاطر ثواب فراوان آخرتی اولی وسزاوارتر است از تعزیه و تسلیت بر مصیبت دنیایی.

۲- امام باقر (ع) فرمود:

تَعْزِيَةُ الْمُسْلِمِ لِلْمُسْلِمِ الَّذِی يُعَزِّيهِ اسْتِرْجَاعٌ عِنْدَهُ وَ تَذْكِرَةٌ لِلْمَوْتِ وَ مَا بَعْدَهُ وَ نَحْوُ هَذَا مِنَ الْكَلام. (۲)

تعزیه و تسلیت مسلمان به برادرش به این است که، کلمه استرجاع را نزد او بخواند (إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ راجِعُونَ) و او را یادآوری به مرگ و بعد از مرگ و مانند آن از احوال قیامت کند.

۱- میزان الحکمه، ۷/ ۳۱۰

۲- همان، ۳۰ (ص)

ص: ۱۲۱

۱۳. حفظ آرامش و وقار

اشاره

(الَّذِینَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِکْرِ اللَّهِ أَلا بِذِکْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ) (۱)

همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دلهایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد. آگاه باش که با یاد خدا دلها آرامش می‌یابد.

حفظ آرامش و اطمینان روحی برای سخنران از ضروری ترین مسائل است. او نیازمند تمرکز و توجه خاص به محفل و مطلب مورد بحث است و تمرکز فکر بر مطلب، در زمان آرامش و اعتماد به نفس ممکن است نه در زمان اضطراب و تزلزل روحی، اسباب و عللی که باعث تزلزل روحی می‌شود چند چیز است:

علل تزلزل روحی

۱- حضور بعضی از بزرگان یا شخصیت‌های علمی در مجلس

۲- خروج بعضی از مستمعین از جلسه، که در ذهن متکلم و گوینده، عدم رضایت او از سخنان خطور خواهد کرد.

۱- رعد، ۲۸

ص: ۱۲۲

۳- سؤالات بعضی از مستمعین در بین سخن، در حالی‌که مبلّغ محترم رشته کلام را از دست می‌دهد.

۴- گوشزد کردن خطای گوینده به او از جانب مستمعین

هر کدام از این‌ها به نوعی تشویش خاطر و اضطراب را در گوینده ایجاد می‌کند. لذا با توجه به قسمت‌های قبل که درباره آمادگی کامل و اعتماد به نفس و توکل بیان شد، مبلغ باید کنترل جلسه را همچنان در دست داشته باشد و با ذکر و یاد پروردگار و یا فرستادن صلوات جمعی، ادامه سخنان خود را بیان کند. صبر و تحمل و بی‌تاب نشدن لازمه تبلیغ معارف دین است.

روایات

۱- پیامبر اکرم (ص) در ضمن نصایحی به شمعون فرمودند:

فَطُوبَی لِمَنْ تَوَقَّرَ وَ لِمَنْ لَمْ تَكُنْ لَهُ خِفَّةٌ وَ لا جَاهِلِیَّةٌ وَ عَفَا وَ صَفَح (۱)

خوشا به حال کسانی که وقار و متانت داشته باشند و از کارهای جاهلانه و سبک و جلف دور باشند، خطای دیگران را بخشیده و از آنان درگذرند.

۲- امام علی (ع) در صفات متقین فرمود:

فِی الزَّلازِلِ وَقُورٌ وَ فِی الْمَكَارِهِ صَبُورٌ. (۲)

در سختی‌ها آرام و در ناگواری‌ها بردبار است.

۱- تحت العقول، ۲۰

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱ (ص) ۳

ص: ۱۲۳

۱۴. پرهیز از گفتار، رفتار و حرکات اضافه و غیر ضروری

اشاره

هـدف گوینـده و مبلغ دین این است که، مطلب خودش را به خوبی به شـنوندگان برسانـد و مفـاهیم مورد نظر خود را به آنها تفهیم کنـد، ولی اگر کلامی و یا حرکتی که جلب توجه مخاطب کرده و او را از اصل سـخن دور کرده و به عبارت دیگر، حواس او را از حقیقت بحث پراکنـده می‌کنـد از مبلغ صـادر شود، در واقع بـا هـدف او در تضـاد است و زحمات او را بی‌ثمر می‌کنـد. مواردی که می‌تواند توجه مخاطب را از اصل مطلب دور کند بسیارند:

ذکر چند مورد:

۱- بلند کردن صدا بیشتر از حد نیاز، و یا عدم رعایت تناسب بین صدا و موضوع، اگر بحث حماسی است یا تاریخی و یا سـخن در موعظه و تذکرات اخلاقی است، در هر کدام باید صدا و بلند و کوتاهی آن مورد دقت قرار گیرد.

ص: ۱۲۴

۲- یکنواختی از ابتدا تا انتها و عدم تغییر صدا و لحن بیان

۳- عدم رعایت عدالت در نگاه کردن به مستمعین و خیره شدن به فردی خاص و یا به سَـمتی معین و عدم توجه و نگاه به افراد دیگر.

۴- تکرار کلمات به صورت غلط و یا دور از ذهن مخاطب، مثل اینکه «یک» را «یک» بگوید.

۵- تکرار بعضی کلمات ویژه به صورت عادت مثل: «به عرض می‌رساند، عرض شود به اینکه، مثلًا، فی المثل» و یا این که بعضی بعد از جمله‌ای کلمه‌ای را تکرار می‌کنند مثل کلمه: «چی شد؟ توجه کردید؟» که تکرار بی رویه آن، برای مخاطب خسته کننده و ملال‌آور است.

۶- حرکات اضافی و خارج از متعارف دست و سر، مثل چرخاندن زبان به دور لب‌ها و تکرار آن، صاف کردن صدا و سرفه کردن زیاد، حرکت زیادی دست ها و بیش از اندازه بالا ـ و پایین بردن آن‌ها، که هم مبلغ را از وقار و متانت خارج نموده و هم برای مخاطب زجرآور می‌شود.

ص: ۱۲۵

روایات

۱- امام صادق (ع) فرمود:

الْعَالِمُ لا يَتَكَلَّمُ بِالْفُضُولِ (۱)

عالم به سخنان اضافی سخن نمی گوید.

۲- امام علی (ع) فرمود:

طُوبَى لِمَنْ ... أَنْفَقَ الْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ وَ أَمْسَکَ الْفَضْلَ مِنْ قَوْلِهِ (۲)

خوشا بحال کسی که اضافه از مالش را انفاق کند و اضافه از زبانش را نگه دارد.

۳- امام علی (ع) می‌فرماید:

كَثْرَةُ الْهَذْرِ يُمِلُّ الْجَليسَ وَ يُهينُ الرَّئيسَ. (۳)

زیادی خطا و باطل در سخنان، همنشین را ملول کرده و موجب پستی و خواری رئیس خواهد بود.

۱- میزان الحکمه، ۸/ ۴۳۷

۲- نهج البلاغه، حکمت ۱۲۳

۳- میزان الحکمه، ۸/ ۴ (ص) ۳

ص: ۱۲۶

۱۵. نوشتن سخنان بعد از سخنرانی

اشاره

یکی از چیزهایی که برای سخنران لازم است، نوشتن آن بعد از انجام سخنرانی است. فضای معنوی جلسات دینی پر از رحمت و الطاف الهی است که هر لحظه شامل شرکت کنندگان می‌شود که از جمله این عنایات، نکاتی است که در ذهن گوینده آمده و از بایگانی ذهن او خارج شده و ضرورت طرح آن نکته یا داستان یا واقعه تاریخی و یا حدیث که حقیقتاً مرتبط با موضوع مورد بحث هم هست احساس می‌شود و حال آنکه قبل از منبر هر چه فکر کرده این مطالب به ذهن او خطور نکرده است؛ لذا می‌توان گفت: بعضی از احادیث و یا قضایای تاریخی و یا حتی سبک ورود به بحث و یا ضرب‌المثل‌های مطرح شده در بین سخنرانی از عنایات و الطاف الهیه است که به برکت مجلس اهل‌بیت: شامل حال گوینده و شنونده شده است، پس این لطف خاص را باید غنیمت شمرد و با نوشتن از فراموشی مجدد آن جلوگیری نمود.

بعضی از اساتید، ضمن تأکید این نکته، بیان داشتند یک موضوع را در سه محفل و در سه زمان متفاوت مطرح، هر دفعه نکات جدید و دقیقی بیان شد و در واقع احساس گردید این مطالب هدیه خداوند به

ص: ۱۲۷

مخاطبـان بود که بر زبان ما جاری کرد، پس قـدر مجلس اهل‌بیت (علیهم السـلام) و شـرکت کننـدگان عزیز در محفل دینی را باید دانست که اینان باعث رشد علمی و عنایات خاص پروردگار به سخنران می‌شوند.

فواید نوشتن و یادداشت کردن سخنان:

۱- مطالب گفته شده فراموش نمی‌گردد.

۲- اگر اشکال و یا نقصی در مطالب و بیان آن بوده، مورد توجه و دقت بیشتر قرار می‌گیرد.

۳- تعیین مقدار پراکنده‌گویی.

۴- محاسبه نفس و ارزیابی عمل.

روایات

۱- پیامبر اکرم (ص) فرمود:
الْمُؤْمِنُ إِذَا مَاتَ وَ تَرَکَ وَرَقَةً وَاحِدَةً عَلَیْهَا عِلْمٌ تَکُونُ تِلْکَ الْوَرَقَةُ یَوْمَ الْقِیَامَةِ سِتْراً فِیمَا بَیْنَهُ وَ بَیْنَ النَّار. (۱)
وقتی مؤمن می‌میرد و از خود کاغـذی که بر آن علمی نوشـته شـده به جا می‌گـذارد، آن کاغذ بین او و آتش ستر و پوشـش خواهد بود.

۲- پیامبر اکرم (ص) فرمود:
قَیِّدُوا الْعِلْمَ بِالْکِتَاب (۲)
علم را به وسیله نوشتن در بند کنید.

۱- بحار الانوار، ۱/ ۱ (ص) ۸

۲- کنز العمال، (ص) ۳۳۲

ص: ۱۲۸

۳- امام کاظم (ع) فرمود:

لَیسَ مِنَّا مَنْ لَمْ یُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِی کُلِّ یَوْمٍ فَإِنْ عَمِلَ حَسَناً اسْتَزَادَ اللَّهَ وَ إِنْ عَمِلَ سَیِّئاً اسْتَغْفَرَ اللَّهَ مِنْهُ وَ تَابَ إِلَیْهِ. (۱)

از ما نیست کسی که هر روز به حساب خود رسیدگی نکند، پس اگر کار خوبی کرده از خدا تشکر و طلب توفیق بیشتر نماید و اگر عمل زشتی انجام داده استغفار و توبه کند.

۴- امام علی (ع) فرمود:

لَوِ اعتَبَرْتَ بِما صَنَعتَ مِنْ ماضِی عُمْرِکَ لَحَفِظْتَ ما بَقِیَ (۲)

اگر به آنچه در گذشته کرده‌ای عبرت بگیری ما بقی عمر را مراقبت بیشتر خواهی کرد.

۵- امام علی (ع) فرمود:

مَنْ اعْجَبَه قَولُهُ فَقَدْ غَرَبَ عَقْلُه (۳)

کسی که از گفتار خودش خوشش آید عقلش از او دور شده است.

۶- امام صادق (ع) فرمود:

الْقَلْبُ یَتَّکِلُ عَلَی الْکِتَابَةِ (۴)

دل به نوشته اطمینان و آرامش پیدا می‌کند.

۷- امام صادق (ع) فرمود:

احْتَفِظُوا بِکُتُبِکُمْ فَإِنَّکُمْ سَوْفَ تَحْتَاجُونَ إِلَیْهَا (۵)

نوشته جات خود را محفوظ دارید که در آینده به آن نیاز پیدا می‌کنید.

۱- بحار الانوار، ۷۰/ ۷۲

۲- غرر الحکم، ۲/ ۶۰۴

۳- میزان الحکمه، ۸/ ۴۵۲

۴- اصول کافی، ۱/ ۶۶

۵- همان

ص: ۱۲۹

۱۶. پرهیز از ورود به مباحث حزبی

اشاره

در این باره به بیانات رهبر فرزانه انقلاب، حضرت آیه‌الله خامنه‌ای اشاره می‌کنیم که فرمودند:

از دو طرف نباید لطمه بخوریم: نه ما باید مسائل سیاسی را به کلی از حیطه حرف و گفت و تلاش و مجاهدت تبلیغی خودمان خارج کنیم، آن چنان که دشمنان روی آن ده‌ها سال سرمایه‌گذاری کردند، ولی نهضت اسلامی آمد و این سرمایه‌گذاری را آتش زد و از بین برد و گفتار و اندیشه سیاسی را وارد متن فعالیت‌های دینی کرد، و نه از این طرف باید بیفتیم که تصور کنیم همه منبر، همه تبلیغ، همه مخاطبه با مردم و با مؤمنین، یعنی این که بنشینیم مسائل آمریکا و اسرائیل و مسائل سیاسی را تحلیل کنیم، نخیر، یک کار واجب‌تر اگر نباشد، واجب دیگری وجود دارد و آن دل مخاطب شماست. دل و جان و فکر او را بایستی تعمیر و آباد و سیراب کنیم. (۱)

و در بیانی دیگر به روحانیون توصیه کردند: اعتقاد من این است که، در اختلافات سیاسی موجود خطی، باید کمتر دخالت کرد و به یک

۱- بیانات در جمع مبلغان ۵/ ۱۱/ ۸۴

ص: ۱۳۰

معنا اصلًا نباید دخالت کرد؛ (روحانیون) کوشش کنند هرچه بیشتر خود را از درگیری‌ها دور نگه دارند. یعنی آن جنبه پدری و عمومی را برای همه مردم داشتن؛ هر دو قشر متعارض با یکدیگر را فرزندان خود دانستن. این‌ها را بایستی رعایت کرد تا روحانیت همواره بالاتر از اختلافات بماند. (۱)

مراقب باشید که، دسته‌بندی‌ها و جناح‌بندی‌های سیاسی در حوزه نفوذ و رشد نکند. جهت سیاسی طلّاب همان جهت سیاسی نظام و انقلاب است. همان جهت انقلاب را باید ان شاءالله در تبلیغات و در برخورد با مردم- قولًا و عملًا- پی بگیرید. (۲)

مبلّغ حق باشیم نه حزب خاص

وقتی منبرها تحت تأثیر تعریف و تمجید از افراد و گروه‌های خاص که دارای افکار و سلیقه‌های مشخص هستند قرار گیرد و مبلغ به دنبال تأیید یک فکر و یا سلیقه سیاسی باشد، دیگر نمی‌تواند مبلغ خوبی برای دین باشد، اگرچه شاید آن حزب و یا فکر سیاسی و اجتماعی فکر خوب و از جهاتی مورد پسند دین باشد، ولی باید توجه داشت که مبلغ، کار انبیا را در پیش گرفته است و مدار حرکت انبیا بیان حق و حقیقت است. مبلغ باید همیشه حق مدار باشد نه حزب مدار.

۱- بیانات در دیدار علماء و روحانیون کرمان ۲۰/ ۸/ ۷۰

۲- بیانات در جمع علماء و روحانیون قم ۱/ ۱۲/ ۷۰

ص: ۱۳۱

۱۷. استقلال در انتخاب موضوع

اشاره

(وَ إِنْ کـادُوا لَیَفْتِنُونَکَ عَنِ الَّذِی أَوْحَیْنـا إِلَیْکَ لِتَفْتَرِیَ عَلَیْنا غَیْرَهُ وَ إِذاً لَاتَّخَذُوکَ خَلِیلًا* وَ لَوْ لا أَنْ ثَبَّتْناکَ لَقَـدْ کِدْتَ تَرْکَنُ إِلَیْهِمْ شَیْئاً قَلِیلًا) (۱)

و چیزی نمانـده بـود که تـو را از آنچه به سوی تو وحی کرده‌ایم گمراه کننـد تـا غیر از آن را بر مـا ببنـدی و در آن صورت تو را به دوستی خود بگیرند. و اگر تو را استوار نمی‌داشتیم، قطعاً نزدیک بود کمی به سوی آنان متمایل شوی.

از جمله اموری که مبلغین بـا آن برخورد دارنـد و نیازمنـد دقت فراوان است انتخـاب موضوع قابل اسـتفاده برای سـخنان در مجالس دینی است که بایـد تمـامی عوامـل مختلف به طور کامـل مـد نظر قرار گیرد. رعایت تناسب بین سـخنان و علم و آگاهی مسـتمعین، تـوجه بـه نیازهـای واقعی مخاطبـان، شـناخت و آگـاهی از فضـای حـاکم بر جلسه و بعضـی دیگر از عنـاوینی که برای انتخـاب یک موضوع خوب، لازم است، در گذشته به آنها اشاره شد. البته نکته مهم این است که بعد از بهره گیری از

۱- اسراء، ۷۳- ۷۴

ص: ۱۳۲

همه عوامل، انتخاب موضوع به عهده شخص مبلغ است و استقلال او در این باره باید حفظ شود.

مبلّغ، ابزار دیگران

مبلغ در انتخاب مطالب، نباید از دیگران جهت‌گیری داشته باشد، تا وسیله و ابزاری برای رسیدن دیگران به اهداف خود نشود. گاهی افرادی موضوع سخنرانی را مشخص می‌کنند وبه مبلغ جهت می‌دهند که گر چه در مواردی بدون غرض و هدف خاصی است و فقط جنبه مشاوره‌ای دارد، ولی گاهی هدف آنان رساندن مطالب خود به دیگران از زبان روحانی و مبلغ است. در چنین مواردی ذکاوت و هوشیاری روحانی است که به کمک او آمده و از وسیله و ابزار شدن او جلوگیری می‌کند.

سخن طبق وظیفه نه میل دیگران

گاهی مبلغ از دیگران جهت‌گیری ندارد ولی نه آنچه را که مردم نیاز دارند و تذکرش ضروری است، بلکه موضوعی که خوشایند مخاطب است، انتخاب می‌کند. نوع بحث، موضوع انتخابی، طرز بیان و لحن را آن چنان انتخاب می‌کند که مستمع را جذب و او را از خود راضی نگه دارد. از آیه شریفه‌ای که به آن اشاره شد فهمیده می‌شود، بعضی‌ها به قصد دگرگون کردن نظرات سخنران، خود را به او نزدیک می‌کنند و با سخنانی وسوسه‌انگیز به او القا می‌کنند که اگر چنین و چنان بگوید ما او را دوست خواهیم داشت و او را به انتخاب موضوعات مورد پسند آنان وادار می‌کنند و البته در آن زمان برای این مستمع خاص آن

ص: ۱۳۳

مبلغ بهترین و عالمترین است.

مثلًا: در محفلی که مستمعین آن فقط سخن از امام زمان (ع) را می‌پسندند و یا مبلّغ می‌داند برای جذب و حفظ آنان باید از نظام جمهوری اسلامی و یا از بعضی مسئولین صراحتاً انتقاد کند و یا از بعضی علمای دین که رویه فکری خاص خود را دارند انتقادهای تند کند و البته در این موقع احسنت گویان به او فراوان و موجبات خوشآیند آنان فراهم است ولیکن همین شخص حاضر نیست که فسق آشکار را در همین افراد صراحتاً تذکر دهد و در جهت اصلاح آنان برآید؛ چرا که این چنین تذکری آنان را آزرده خواهد کرد و دیگر از او تمجید نخواهند نمود. اگر چه این مبلغ محترم برای این کوتاهی خود توجیهاتی هم دارد که اگر چنین است حفظ حرمت علمای دین و اصل نظام اسلامی که بر مبنای محبت و مودت به اهل بیت پیامبر (ص) پایه‌ریزی شده است دلایل فراوان و مهمی را دارد. پس اگر فردی توجیهاتی را می‌بیند باید این دلایل روشن را هم ببیند.

روایات:

۱- پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

الْحَقُّ ثَقِيلٌ مُرٌّ وَ الْبَاطِلُ خَفِيفٌ حُلْوٌ وَ رُبَّ شَهْوَةٍ سَاعَةٍ تُورِثُ حُزْناً طَوِيلا (۱)

حق سنگین و تلخ است و باطل سبک و شیرین، و چه بسا خواهش کم و محدود که حزنی طولانی را به بار می‌آورد.

۱- بحار الانوار، ۷۷/ ۸۲

ص: ۱۳۴

۲- امام صادق (ع) فرمودند:

الْعِزُّ أَنْ تَذِلَّ لِلْحَقِّ إِذَا لَزِمَکَ (۱)

عزت و سربلندی این است که در برابر حق ذلیل و تسلیم باشی اگر بر تو لازم و واجب شد.

۳- امام صادق (ع) فرمودند:

أَتْقَی النَّاسِ مَنْ قَالَ الْحَقَّ فِیمَا لَهُ وَ عَلَیْه (۲)

باتقوا ترین مردم کسی است که در آنچه به نفع او یا به ضرر اوست فقط حق را بگوید.

۴- امام صادق (ع) فرمودند:

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ یُبْغِضُ مِنْ خَلْقِهِ الْمُتَلَوِّنَ فَلَا تَزُولُوا عَنِ الْحَقِّ وَ أَهْلِه (۳)

بدانید که خداوند در بین خلقش از انسان‌های متلوّن (متناسب با هرجا رنگ عوض می‌کنند) بدش می‌آید، پس هیچگاه از حق و طرفدار حق فاصله نگیرید.

۱- بحارالانوار، ۷۸/ ۲۲ (ص)

۲- همان، ۷۰/ ۲۸۸

۳- همان، ۷۲/ ۱۲۶

ص: ۱۳۵

بخش دوم: روش سخنرانی

یادآوری

ص: ۱۳۶

ص: ۱۳۷

بعد از تذکرات عمومی که در بخش اول مطرح شد به نکات دیگری که نیاز یک مبلغ دین است تا به آن توجه داشته باشد می‌پردازیم.

از آنجا که هدف و نوع برگزاری کلاس درس و کنفرانس‌های تحقیقاتی و یا خطابه‌های حماسی، سیاسی با منبر و سخن گفتن به سبک سنتی متفاوت است برحسب نیاز روحانیون عزیز روش‌های کلاس‌داری و یا کنفرانس‌ها و بحث‌های تخصصی را کنار گذاشته و فقط به موضوع خود می‌پردازیم.

در یک سخنرانی سه قسمت اساسی مورد نیاز است و کمال سخن به کمال این سه قسمت است:

قسمت اول: بیان احکام و فروعات فقهیه

قسمت دوم: بیان اخلاق و معارف دینی

قسمت سوم: ذکر توسل به اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) (در بخش سوم به آن پرداخته می شود)

البته می‌توان یک مجلس اختصاصاً احکام گفته شود و یا اخلاق

ص: ۱۳۸

باشد، که ضمن داشتن فواید، مستلزم توجه به شرایط کلاسداری است. آنچه در این‌جا مطرح می‌شود متناسب با منبرهای اختصاصی و یا مشترک می‌باشد و لذا ما بحث را در سه قسمت قرار می‌دهیم، تا کمال آن را رعایت کرده باشیم.

ص: ۱۳۹

فصل اوّل: بیان احکام و فروعات فقهیه

۱. اهمیت بیان احکام

ص: ۱۴۰

ص: ۱۴۱

مهم‌ترین بخش دین، بیان احکام شرعی است. پیامبر اکرم (ص) یکی از کارهای خود را بیان احکام و پاسخ‌گویی به مسائل شرعی روزمره مردم قرار داد و از گفتن و یا پاسخ دادن به مسائل شرعی ابایی نداشت. وظیفه او این است که دین را آن‌چنان که هست برای مردم بازگو کند. قسمت اعظمی از دین، احکام مورد ابتلای مردم است. ائمه اطهار (علیهم السلام) بخش مهمی از زندگی خود را در جهت بیان احکام دین و مسائل شرعی سپری کرده‌اند. مسأله گفتن نه تنها وظیفه، بلکه افتخار بزرگی است. چه بسیار انسان‌هایی که به علت ندانستن یک مسأله، نمازها و عبادت‌های باطل دارند و چه بسیار کسانی که با یادگیری یک مسأله دینی عمری را به پاکی و طهارت می‌گذرانند. جمیع روایاتی که در فضیلت علم و طالب علم دین آمده است اولین و بارزترین مصداقش کسانی هستند که در جهت یادگیری احکام شرعی خود می‌کوشند.

کار بزرگ علمای دین و مراجع تقلید، بعد از عمری تحقیق، بیان احکام شرعی ومشخص کردن وظیفه مردم در امر عبادات و معاملات است و چه مهمی از این بالاتر!

حقیقتاً باید گفت چه قدر ساده‌اندیشند کسانی که گفتن مسأله را کسر شأن خود می‌دانند و بیان مسأله شرعی و مذاکره آن را کوچک می‌شمارند.

ص: ۱۴۲

۲. نکات مهم در بیان مسأله شرعی

الف: حفظ جایگاه علما در نزد عامه مردم

علما وارثان انبیا و حصن دین به شمار می‌روند. تضعیف این جایگاه در نزد مردم در حقیقت تضعیف تشیع و دین به حساب می‌آید. آنچه تـا به امروز تشـیع را در موضـعی محکم قرار داده است و در دنیـای پر تنش و اقیـانوس متلاطم حوادث، در زمان غیبت کبرای حضـرت امـام زمـان (ع) حفـظ کرده است، اسـتقامت و پایـداری علمـای دین و اطـاعت مردم از آنـان است و اگر آن جایگاه عظیم مردمی و احترام خاص مردم به علما نبود شاید آن‌ها در بسـیاری از امور توان مقابله با دشـمنان اسلام و تشیع را نداشتند؛ پس بر مبلغ لازم است در بیان مسائل فقهی از کلماتی اسـتفاده کنـد که شأن عالمان دینی حفظ شـده و موجب اهانت به آن‌ها نشود. بی‌احترامی نسـبت به علما و مراجع تقلید، در حقیقت اهانت به حوزه‌های علمیه شـیعه و شخص مبلّغ است چرا که این به مانند نشستن بر شاخه و بریدن آن است.

نکته: بعضـی از روحانیون چون با فتوایی و نظر عالمی از مجتهـدان دین مخالفند یا آنرا بازگو نمی‌کنند و یا با کنایه‌های خاصـی در قالب زبان یا اشاره و حرکات، ناخرسندی خود را از آن نشان می‌دهند و گاهی

ص: ۱۴۳

مشاهده شده برضد فتوای مجتهدی با شدت به مخالفت می‌پردازند و چون اینگونه افراد معمولًا در حد اجتهاد نیستند و قدرت استنباط احکام را ندارند، مخالفت آنها جز تحقیر خود در نزد مردم و تضعیف جایگاه علمی ایشان اثر دیگری ندارد. علاوه بر این‌که از حدود وظیفه مبلّغ که فقط رساندن فتوا به مردم است خارج شده‌اند.

ب: تفکر در چگونگی طرح مسأله

افرادی در مجالس و محافل شرکت می‌کنند که شاید قبل از آن هرگز شرکت نکرده باشند و یا کمتر در محافل دینی حضور یافته باشند و بعد از آن هم شاید یا فرصت شرکت نداشته و یا کمتر شرکت کنند، به همین جهت مبلغ احکام دین قبل از ورود به بحث باید بداند چه مسأله‌ای را می‌خواهد بگوید؟ و این مسأله چه پیش نیازهایی دارد؟ از چه مقدماتی استفاده کند تا این مسأله بهتر و کامل‌تر در ذهن مخاطب قرار گیرد؟

بیان هر مسأله نیاز به مقدمه‌ای برای ورود به بحث و بعد از آن ذی‌المقدمه و در آخر نتیجه‌گیری است و چون هر مسأله‌ای می‌تواند فروعات و شاخه‌های مختلفی داشته باشد، باید نسبت به آن موارد نیز اشاره‌ای بشود تا مخاطبین فروع گوناگون را با یکدیگر اشتباه نکنند.

شروع ذکر مسأله می‌تواند با طرح یک سؤال فقهی و تبیین آن باشد و یا این‌که با ذکر یک مثال از مسائل روزمره و پاسخ آن صورت پذیرد.

ج: تکیه بر مسائل متفق علیه و پرهیز از بیان اختلافات

در هر جلسه‌ای که مبلغ مشغول سخن گفتن است افراد زیادی وجود دارند که مقلد مجتهدین مختلف هستند. ممکن است در یک

ص: ۱۴۴

جلسه ۵۰ نفره، بعضـی از آن‌ها از مجتهـدی خاص تقلیـد کنند و شاید برای بیان یک مسأله لازم باشد فتوای ۵ مجتهد و یا بیشتر در ذهن باشد.

با توجه به این‌که یادگیری و حضور ذهن داشـتن نسبت به همه مسائل و اختلافات آن مشکل است، یا ممکن نیست و ضمن این که بیـان همه اختلافـات و نظرات فقهی در یـک جلسه مـوجب تشـویش خـاطر مردم و مسـتمعین گشـته و چه بسـا به خـاطر عـدم توجیه صحیـح، نسبت به علما و نظرات فقهی آنها بدبین شوند؛ لذا بر مبلغ است که حتی الامکان مسائل متفق علیه را مورد تذکر قرار داده و از اختلافات فقهی و ذکر آنها پرهیز نمایـد و در حال ناچاری نظر اکثر را مطرح کرده و فتوای یک مجتهد که با دیگران فرق دارد را تـذکر دهد. تا به این وسـیله قدرت یادگیری و علاقه‌مندی مخاطبین را به مسائل فقهی تقویت نموده و لذت احکام دینی را به کام آنها بنشاند.

نکته: بیـان اختلافـات، مختص محـافلی است که مختص به احکـام است و به شـکل کلاـس درس اداره می‌شود که در آینـده به آن خواهیم پرداخت.

د: به روز بودن مطالعات

علم در حال پیشـرفت است و هر روز بر دامنه علوم افزوده می‌شود، مخصوصاً که در مسائل فقهی فروعات جدیـد و یا تحقیقات تازه در اختیار مجتهدین قرار می‌گیرد و امکان تغییر فتوا بسـیار زیاد است. اگر چه رساله‌های عملیه تا زمانی که خلاف آن ثابت نگشـته، معتبر است ولی بر مبلغ دین است که مطالعات خودش را به روز کرده و هر روز به فروعات

ص: ۱۴۵

تازه و نظرات جدید فقها از هر طریقی که ممکن است دسترسی پیدا کند.

چند توصیه:

۱- به حافظه خود و معلومات قبل اعتماد نکرده و حتماً به رساله‌های عملیه مراجعه کند.

۲- رساله‌های عملیه جدید را مورد مطالعه قرار داده و حتی الامکان از رساله‌های عربی فقها استفاده کند.

۳- اگر امکان دسترسی به کامپیوتر و اینترنت دارد از سایت‌های مخصوص علما و مراجع استفاده کند.

۴- از مقایسه احکام با یکدیگر و پاسخگویی بر مبنای حدس واحتمال جداً پرهیز نماید.

۵- برای ذکر مسائل فقهی حتی‌الامکان از روی کتاب خوانده تا اعتماد و اطمینان عمومی حاصل گردد.

ه-: رعایت تناسب مسأله با مخاطبین

برای مفید بودن جلسات و بهره‌مندی بهتر و بیشتر از آن و همچنین ماندگاری بیشتر در حافظه مخاطبان، باید تناسب بین آنها و مسأله مورد نظر رعایت شود؛ چرا که در پرتو رعایت تناسب، مسأله‌ای مطرح می‌شود که روزانه آن گروه از مخاطبان با آن سر و کار داشته و مبتلای به آن هستند. البته بعضی مسائل شرعی مربوط به همه مکلفین و مورد استفاده آنهاست مثلًا احکام نماز و شکیات و همچنین احکام روزه در ماه مبارك رمضان، ولیکن در همان مورد هم می‌توان به گوشه‌هایی از

ص: ۱۴۶

احکـام که ارتبـاط بیشتری بـا جمع حاضـر در جلسه دارد اشـاره کرد. پس غیر از این مسائـل همگـانی، در جلسـات خاص و مسـتمع خاص، باید مسائل شرعی منطبق با آن افراد، از لحاظ جنسیت و سن و تحصیلات و شغل آنها مورد تذکر قرار گیرد.

چند مثال:

۱: در جمع زنـان مسائـل مربوط به پوشـش در نمـاز و غیر نمـاز، حقوق شوهر و فرزنـدان، سـخن گفتن بانامحرمان و قرار گرفتن در مکان خلوت با آنها، نذر زنان بدون اذن شوهر و یا زنان شاغل دارای درآمد و حساب مالی و خمس آن‌ها می‌تواند مطرح شود.

۲: در جمع جوانـان و نوجوانـان: احکـام نمـاز، طهـارت از حیث صـحت وضو و غسـل و اسـباب آن‌ها و همچنین از لحاظ اجتماعی، سخن گفتن بـا نـامحرم و حـدود آن، شـرایط خواسـتگاری و لوازم آن. در محیـط خانواده، اطاعت از والـدین از نظر شـرعی، حقوق متقابل بین آنها و والدین و بین آنان و برادران و خواهرانشان.

۳: در جمع تجـار: احکـام معاملات، شـرایط متعاقـدین و بیع و شـراء، معـامله با خردسالان، احکام ربا و موارد آن و همچنین خمس اموال و طریق محاسبه آن، خرید و فروش چک و یا پول و بقیه مسائل مرتبط با بازار.

۴: در جمع کارمندان: احکام کسب حلال و چگونگی وظایف اجیر در انجام کارها، حقوق بازنشستگی و محاسبه آن، پرداخت حق بیمه و کسب درآمد از طریق بهره‌وری‌های آخر سال، بیان حقوق بیت المال و مردم و راه رعایت آن در ادارات.

ص: ۱۴۷

۳. روش‌های بیان مسائل فقهی

اول: روش‌های بیان مسأله در مجالس ویژه بیان احکام

از ابتدا تا انتها، مسائل شرعی مورد بحث و تبادل نظر قرار می‌گیرد و این نیز به سه روش ممکن است:

الف: بیان مسائل شرعی به طور موضوعی و ترتیبی

از ابتدای رساله شروع کرده و مباحث را دسته‌بندی نموده و برای مخاطبین بیان کند، مثلًا بحث اجتهاد و تقلید را در چند بخش تقسیم نماید: اصل ضرورت تقلید، تشخیص مرجع تقلید، تشخیص اعلم، راه بدست آوردن مسائل مجتهد و همچنین فوت مجتهد، تقلید از میت و شرائط آن.

و یا مثلًا بحث نجاسات و مطهرات را به همین کیفیت مطرح نماید.

ب: بیان مسأله شرعی به روش بیان تفاوت‌ها (مقایسه‌ای)

مثلًا: در یک جلسه تفاوت بین وضو و غسل را تماماً بیان کند که به این وسیله این دو واجب را نیز آموزش داده است. و یا مثلًا تفاوت بین نمازهای واجب و مستحب را که در رساله‌های عملیه پراکنده و در مواقع و جاهای مختلف بیان شده است جمع‌آوری کرده و در یک یا چند

ص: ۱۴۸

جلسه بیان کند.

و یا تفاوت روزه ماه رمضان با روزه‌های دیگر، اعم از قضای رمضان و روزه‌های واجب دیگر مثل نـذر و یا تفاوت روزه‌های واجب با مستحب.

ج: بیان مسائل شرعی به روش انتخاب عناوین خاص

مثلًا یـک عنوان و یـا موضوع خـاص را در نظر بگیرد و در رابطه بـا آن عنوان در کـل رسـاله و در تمـام بخش‌هـای آن هر مسأله‌ای موجود است بیان کند.

چند مثال:

۱- بچه‌هـای غیر ممیز: تولـد آن‌هـا، غسـل آن‌هـا، تطهیر بول آن‌هـا و فرق بین دختر و پسـر، حتی فوت آن‌ها، غسل و یا کفن و دفن آن‌ها، نگاه به عورت آن‌ها و ....

۲- بچه‌های ممیز: آب کشیدن اشیا توسط بچه ممیز، اتصال صفوف جماعت با بچه‌های ممیز، اقامه جماعت به امامت ممیز، خسارت رسانـدن او به اموال دیگران، کسب درآمـد آن‌هـا و خمس آن، نگـاه آن‌هـا به نامحرم و پوشـش نامحرم از آن‌ها و یا نگاه مردان به دختر بچه‌های ممیز، خرید و فروش اشیا توسّط بچه‌های ممیز و شرایط آن، مُحرِم کردن آن‌ها در حج و عمره و احکام آن و ....

۳- پوشـش: پوشـش در نماز برای مردان و زنان، پوشش در غیر نماز برای مردان و زنان. پوشش و حدود آن بین زوجین و دیگران، لباس نازک و جوراب نازک، لباس‌های شهرت و پوشیدن آن، لباس‌های

ص: ۱۴۹

اختصاصی مردان و زنان و پوشیدن آن برای جنس مخالف، پوشش در حال احرام در حج و عمره برای مردان و زنان، پوشیدن طلا برای مردان و احکام آن و فرق آن با پلاتین، پوشیدن زیور آلات در حال نماز، پوشش میت و مقدار آن و تعداد لازم از کفن و دیگر احکامی که در فصل‌های مختلف رساله عملیه در رابطه با پوشش و لباس آمده است.

نکته ۱: همان‌گونه که روشن شد روش عنوانی به علت تنوع در بحث و گستردگی مطالب می‌تواند جذابیت ویژه‌ای داشته باشد.

نکته ۲: باید توجه داشت که برای ایجاد جذابیت در این کلاس‌ها می‌توان از روش‌های مقایسه‌ای و یا پرسش و پاسخ و یا روش‌های عملی و همچنین استفاده از تخته و نوشتن تقسیمات بر روی آن استفاده نمود.

عناوین دیگر که می‌تواند مورد بحث باشد مثل عنوان خون (دم)، مو (شعر)، شستشو (غسل) و ... که هر کدام در فصل‌های مختلف رساله‌های عملیه احکام خاصی را دارند.

جهت اطلاع بیشتر، به کتاب‌هایی که در این زمینه نوشته شده است، مراجعه شود. (۱)

دوم: روش‌های بیان مسأله در مجالس تلفیقی

مجالسی که مختص بیان احکام نیست بلکه تلفیقی از احکام و اخلاقیات می‌باشد.

در این‌گونه جلسات به خاطر محدودیت زمانی که مبلغ دارد، نمی‌تواند در بیان احکام به بحث گسترده و عمیق بپردازد، و لی ترک

۱- مانند کتاب درآمدی بر آموزش احکام، محمد وحیدی، بخش ۳

ص: ۱۵۰

احکام نیز صحیح نمی‌باشد و به جهت اهمیت، باید همیشه مورد تذکر باشد؛ لذا مبلغ به تذکر مختصری در این باره اکتفا کرده و بعد از آن به بحث اخلاقی خود می‌پردازد.

این شیوه سخنرانی، از شیوه‌های دیگر آن (احکام گفتن خاص و یا بیان اخلاقیات صرف) ارجحیت دارد. آمیخته بودن تمام مسائل دینی و عجین شدن فقه با اخلاق و توسل به اهل بیت (علیهم السلام) جذابیت ویژه داشته و رتبه‌ای از کمال و ارزش را به آن بخشیده است.

اما همین شیوه از بیان احکام شرعی نیز دارای شکل‌های مختلفی است که هر کدام در زمان و محل خاصی می‌تواند به کار گرفته شود:

۱- بیان مسأله فقهی بدون ارتباط با مباحث اخلاقی

این خود به دو شیوه ممکن است:

الف: بیان مسأله شرعی به صورت پیوسته

بیان مسأله بدون ارتباط با مباحث اخلاقی، ولی مرتبط با مباحث فقهی و مسائل شرعی که در جلسات قبل مطرح شده و یا در جلسات بعد مطرح خواهد شد. مثلًا احکام وضو را طی چند جلسه به عنوان مسائل فقهی در ابتدای جلسه مطرح می‌کند ولی ارتباط با مباحث اخلاقی ندارد. و یا مثلًا شکیات نماز را در طی ۱۰ جلسه مفصل با ذکر مثال‌ها تبیین کند.

تذکر: این روش از طرح مسائل فقهی برای جلساتی مناسب است که در یک مکان و مستمع خاص برگزار می‌شود مانند مجالسی که به عنوان دهه‌ای در ماه محرم و یا ماه رمضان در یک هیئت و یا منزل که اکثر مستمعین در این جلسات مشترک هستند.

ص: ۱۵۱

ب: بیان مسأله شرعی به صورت غیر پیوسته (مجزّا)

بیـان مسـأله فقهی بی ارتبـاط با مباحث اخلاقی و همچنین بی ارتباط با مسائل فقهی مطرح شـده در جلسات قبل، یعنی در هر جلسـه یک مسأله از باب‌های مختلف بیان شود.

البته لازم به ذکر است که روش اول در جلسات دهه‌ای و پیوسته مناسب‌تر است؛ زیرا هم مبحثی از مباحث فقهی به طور کامل بیان شده و هم انگیزه مستمع را برای شرکت در جلسات بعد بالا می‌برد و روش دوم اکثراً در محافلی به کار برده می‌شود که به صورت تک جلسه‌ای و در یک زمان برگزار می‌شود.

بهترین کلام

باید توجه داشت که در مسأله گفتن «رعایت اختصار» شـرط اساسـی است و با گفتن مسائل مختلف و گوناگون نباید زمینه تشویش در ذهن مخاطب را ایجاد نمود؛ چرا که ظرفیت‌های مخاطبین مختلف است و مبلغ باید مسائل را متناسب با ظرفیت مخاطب بیان کند و مسـلماً اگر یـک مسـأله به طور کامـل و روشن مطرح شود بهتر از آن است که مسائل مختلف و فروعات گوناگون در یک جلسـه بیان گردد و نتیجه مثبتی هم بر آن مترتب نباشد.

امـا نکته قابـل توجه این است که بایـد خلاـصه گویی بـاعث نقص در بیـان مسـأله نباشـد و مضـر به یـادگیری مخاطب نشود. گاهی خلاصه‌گویی و عدم توجه به جوانب یک مسأله و عدم یادآوری فروعات مهم در اطراف آن، باعث عدم یادگیری صـحیح شده و یا باز شدن راه فرار برای آنان که

ص: ۱۵۲

می‌خواهند از احکام و دستورات دینی به هر شکلی شانه خالی کنند می‌گردد. مخصوصاً در احکام خمس (هدیه، ارث و ...) باید احکام را دقیق مطرح کرد. مطلق گویی و عدم تبیین مسأله مشکل ساز است، مثلًا می‌گوید: خانه مسکونی خمس ندارد، ولی نمی‌گوید: کسی که تا حال اصلًا محاسبه مالش را نکرده چه کند؟

می‌گوید: هدیه مشمول خمس نیست، ولی نمی‌گوید: فتوای برخی علما آن است که هدیه اگر از مؤونه سال زیاد بیاید یا بماند و استفاده نشود خمس دارد.

می‌گوید: ارث، خمس ندارد، ولی نمی‌گوید: اگر آن را سرمایه کسب قرار داد، ما زاد و سود آن مشمول خمس است یا نه؟

۲- بیان مسأله فقهی مرتبط با مباحث اخلاقی

این بخش، از روش‌های خوب و ظریف است که بسیاری از اهل فن و بزرگان اهل سخن و تبلیغ، از آن استفاده می‌کنند و نیازمند دقّت و لطافت و همچنین هنر ارتباط دادن مباحث است. علم و آگاهی از مباحث فقهی و فروعات دقیق آن و کیفیت ارتباط با مباحث اخلاقی و همچنین هنر مطرح کردن مباحث از نگاه‌های مختلف و زوایای گوناگون آن از لوازم استفاده از این روش است.

چون هدف ما از این نوشتار، جهت‌دهی به طلاب جوان و عزیزانی است که به تازگی وارد عرصه تبلیغ گشته‌اند و می‌خواهند به وظیفه خود، یعنی تبلیغ دین عمل کنند لذا به چند مورد به عنوان مثال اشاره می‌کنیم:

ص: ۱۵۳

مثال:

۱: مبلغ درباره مسّ و دست زدن بدون وضو به اسم خدا و پیامبر (ص) و ائمه معصومین (علیهم السلام) و حکم آن سخن می گوید و بعد به بحث احترام به رسول اکرم (ص) و جایگاه او در قرآن و نزد پروردگار می‌پردازد.

۲: مسأله غصبی نبودن آب وضو و مکان آن، یا مکان نمازگزار را مطرح می کند و متصل به آن بحث رعایت حقوق دیگران و احترام اموال مردم در اسلام را وارد می‌شود.

۳: مسأله حرمت حضور در مجالس معصیت و گناه را به عنوان مسأله فقهی ذکر می کند و به عنوان مثال، مجالس غیبت و یا موسیقی را بیان کرده و بحث اخلاقی خود درباره مذمت غیبت و آثار سوء آن را مطرح می کند.

۴: مسأله خلوت کردن مرد و زن در مکانی که دیگری قدرت ورود ندارد را مطرح کرده و ضمن اشاره به ادارات و مؤسسات و شرکت‌ها که گاهی چنین مواردی در آن هست، به بحث اخلاقی آثار سوء عدم رعایت حریم و حدود بین مرد و زن می‌پردازد.

۵: مسأله حجاب و حدود آن در نماز و غیر نماز را بیان می کند و در ادامه به نگاه ارزشی اسلام به زن و رعایت شخصیت حقیقی زن در اسلام پرداخته و حرمت شکنی نسبت به زن در قالب سخنان فریبنده را تذکر می‌دهد.

ص: ۱۵۴

۶: تأثیر امر و نهی پدر و مادر و رضایت و عدم رضایت ایشان در مسائل فقهی را یادآور شده و متصل به آن عظمت والدین و وجوب احترام به آن‌ها و رعایت حقوق متقابل را ذکر می‌کند.

۳: بیان مسأله فقهی در بین مباحث اخلاقی

روش دیگری که برای بیان مسائل شرعی می‌توان مورد استفاده قرار داد، این که مبلغ بعد از شروع به بحث اخلاقی، به بعضی از مسائل شرعی و فتاوای فقها، به مناسبت اشاره کند.

مثال:

۱: بحثی پیرامون ارزش زن در جامعه و یا احترام والدین آغاز کند و در بین آن به احکام فقهی موجود در این باره بپردازد.

۲: توضیح یک قاعده از قواعد دین را بیان کند و در بین به مباحث فقهی مرتبط با آن بپردازد.

۳: بحثی اعتقادی را در حکمت پروردگار در عالم شروع کند و در لابه‌لای بحث به حکمت بعضی از احکام دینی و مباحث فقهی پرداخته و به بعضی از فتاوای فقها به مناسبت بحث اشاره کند.

ص: ۱۵۵

فصل دوم: بیان معارف دینی و اخلاقیات

اشاره

ص: ۱۵۶

ص: ۱۵۷

معارف دین دارای بخش‌های مختلف و متنوعی است که هر کدام نیازمند اجرای روش و سبک خاصی است. اعتقادات، شامل مباحث توحید، نبوت، معاد و غیره سبک بیان خودش را داشته و اخلاقیات که شامل اخلاق فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی می‌باشد، باید به صورتی خاص و ویژه مطرح شود، همان‌گونه که تفسیر و تاریخ اسلام نیز نوعی خاص از بیان را می‌طلبد.

سخنرانی‌های سیاسی و یا خطابه‌های حماسی در موقعیت‌های خاص و در بین جمعیت‌های خاص نیز از جمله مواردی است که در کیفیت سخن و سخنوری باید به آن پرداخت، ولی چون در این نوشته، هدف، راهکار نشان دادن به طلاب جوان است از بیان این قسمت‌ها صرف نظر شده و فقط به ۴ موضوع می‌پردازیم:

۱- اعتقادات

۲- اخلاقیات

۳- تفسیر

۴- تاریخ اسلام.

ص: ۱۵۸

۱. شیوه بیان معارف دینی (در چهار مورد یاد شده)

بعـد از این که مبلغ، احکام را در حـد ۵ تا ۱۰ دقیقه بیـان کرد و بـا ذکر صـلوات آن را خاتمه داد، شـروع به بیان مباحث اخلاقی و معارف دینی می‌نماید. طبعاً شـروع باید با قرائت آیه‌ای از آیات قرآن در زمینه همان موضوع و مبحث باشد. البته می‌تواند آیه قرآن یا حـدیث شـریف را در ابتدای سـخن، بعد از خطبه اولیه قرائت کند و بعد از بیان احکام، آن را توضـیح دهد و نیز ممکن است اول احکام را متذکر شود و بعد از آن آیه و یا حدیث شریف را خوانده و بحث اخلاقی یا معرفتی خود را آغاز نماید.

نکته: قرآن کتـاب جـامع و فراگیر است و معتقـد هستیم که در تمام زمینه‌ها دسـتوراتی ولو به نحو کلی و جامع از قرآن وجود دارد، پس هیچگـاه نبایـد سـخنرانی خود را از آیـات قرآن خالی گـذاشت، بلکه بهتر است طلیعه سـخن با ذکر آیه یا آیاتی از قرآن کریم باشد.

در این فصل نیز هماننـد فصل قبل، مبلغ بایـد علاوه بر نکات عمومی که در بخش اول از این نوشـتار اشاره شـد به نکات دقیق دیگر نیز توجه داشته باشد که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

ص: ۱۵۹

۲. اعتقادات

اشاره

باید توجه داشت، کسی که می‌خواهد وارد بحث عقاید شود (با توجه به اهمیت فراوان آن) باید از مایه‌های علمی فراوان برخوردار و از اساتید خوب بهره برده باشد و یک دوره کامل اعتقادات را در نزد اساتید بزرگ گذرانده باشد و با این پیش زمینه قوی، در میدان هدایت و بیان اعتقادات قرار گیرد.

بیان اعتقادات از دو منظر مورد توجه است

اول: تکیه بر استدلال

بیان استدلالات نقلی و عقلی برای اثبات یک حق، مثلًا یگانگی پروردگار و یا عدم رؤیت خداوند و یا وجوب لطف بر او و ... باید در محافل خاصّ و در جمع مشخصی مورد بحث قرار گیرد و حالت کلاس و تدریس داشته باشد و همه حضار با اراده و نیت یادگیری آمده باشند. محافلی که از جمعیت‌های متفاوت با دانایی و علم مختلف و سنین گوناگون و انگیزه‌های غیر علمی تشکیل شده است جای مناسبی برای القای چنین بحث‌های علمی و استدلالی نیست.

ص: ۱۶۰

دوم: توجه دادن به تهذیب نفس

بیان اعتقادات از منظر تزکیه نفس و بیـداری دل، جهت زدودن غبار عقل و بیداری وجدان‌های خفته در زیر خروارها خاك هواها و نفسانیات، بسیار مورد توجه است و آثار خوبی را هم به بار می‌آورد.

الف: توحید

برای توجه دادن به تزکیه نفس و خودسازی، در ضمن مباحث توحیدی به چند مثال توجه کنید:

۱: بحث سمیع و بصیر بودن پروردگار را مورد توجه قرار می‌دهد و بعد از بیان این‌که هیچ چیز برای خدا مانع نیست و او در همه جا حاضر و ناظر است، به بحث‌های موعظه‌ای و نصیحتی پرداخته و انسان‌ها را متوجه خداوند می‌کند.

۲: بحث قـدرت لا‌یزال الهی را بیـان کرده و ضـمن بیـان اسـتدلالاتی کاملًا روشن، به ضـعف و کوچکی آدمی در برابر ذات بـاری می‌پردازد و او را متذکر شده و از گستاخی و مخالفت با خدا پرهیز می‌دهد.

۳: بحث رازقیت پروردگـار را اشاره می‌کنـد و بعـد از بیان چنـد آیه و روایت در این زمینه به دوری از حرص و گریز از جمع مال و دنیا طلبی پرداخته و به گناهان موجود که به انگیزه جمع مال بیشتر و یا ترس فقر در آینده انجام می‌شود، اشاره می‌کند.

۴: بحث از پیوسـتگی و وابسـتگی اشـیا را در عالم مطرح کنـد و اسـرار و عجایبی از خلقت را مورد توجه قرار دهد و از این طریق به حکمت پروردگار و علم بی نهایت او پرداخته و از حقانیت و حکمت

ص: ۱۶۱

واجبات و محرمات را توضیح داده و لزوم اطاعت همراه با تعبدی خالصانه، حتی در صورت عدم درک حکمت، احکام الهی را به مخاطبین گوشزد نماید.

ب: نبوت

برای توجه دادن به تزکیه نفس و خودسازی، در ضمن مباحث نبوّت، به عنوان نمونه به ۳ مثال اشاره می‌شود:

۱: ضرورت ارسال رسل را بیان کند و هدف از آن را توضیح داده و بعد از بیان هدف که هدایت مردم به سوی سعادت است مخاطبین را به اطاعت محض از رسول و حجج الهی دعوت نماید، که این به ثمر نشستن هدف انبیا و شکر نعمت پیامبران الهی است.

۲: عظمت نبی مکرم اسلام در قرآن را مورد بحث قرار دهد و به عنوان یکی از صفات آن بزرگوار در قرآن جمله (شاهِداً وَ مُبَشِّراً وَ نَذِیراً) (۱)

پرداخته و شاهد بودن آن بزرگوار را بر اعمال امت همراه با مثال‌هایی از تاریخ پیامبر (ص) و ائمه (علیهم السلام) مورد تأکید قرار دهد و به این وسیله مردم را به پاکی و دوری از گناه تشویق کند.

۳: صفت (مُبَشِّراً وَ نَذِیراً) را از پیامبر اکرم (ص) مورد بحث قرار دهد و در تاریخ پیامبر (ص) به نمونه‌هایی اشاره کند و پس از آن به وظیفه والدین، معلمان و مربیان برای تربیت فرزندان و شاگردان خود پرداخته و لزوم قرار گرفتن بین خوف و رجا را متذکر شود و تأثیرات مثبت این روحیه را در زندگی مورد توجه قرار دهد.

۱- احزاب، ۴۵، فتح، ۸

ص: ۱۶۲

ج: معاد

مباحثی پیرامون معاد که تأثیر شگرفی در زمینه خودسازی دارد باید بسیار مورد استفاده مبلغین قرار گیرد:

۱: بحث لزوم وجود معاد را بیان کند و ضرورت بهشت و جهنم، پاداش و عقاب مطرح شود و به صفاتی از مؤمنین که موجب رفتن به بهشت شود و همچنین خصلت‌هایی که باعث جهنمی شدن آدمی می‌گردد، اشاره می‌کند.

۲: بحث لزوم معاد برای پاداش و جزا را مطرح کرده و عدم ظرفیت دنیا و نعمت‌های آن برای پاداش بعضی حسنات و آثار ماندگار آن‌ها و یا عدم ظرفیت بلاهای دنیا برای عقاب بعضی از گناهان مثل کشتار جمعی انسان‌های بی گناه را بیان نماید و به این وسیله به مخاطبین درباره استقامت و پایداری آن‌ها بر مصیبت‌ها و بلاها و همچنین امید بر مطالبه حقوق مظلومین از ظالمین در قیامت، پای‌فشاری می‌کند، تا مصائب برای مظلومان قابل تحمل‌تر و زندگی امیدوار کننده‌تر باشد.

مزیت این روش

این قسم از بیان مباحث اعتقادی به خاطر جنبه تزکیه‌ای و موعظه‌ای که در آن بیشتر ملموس است، نیاز به اصطلاحات و استدلال‌های عمیق و عقلی ندارد، بلکه با چند آیه قرآن و استدلال به آن به خوبی می‌توان وارد بحث مورد نظر شد.

ص: ۱۶۳

کیفیت لحن مبلغ

لحن گوینـده در این مباحث نبایـد حماسـی، بلند و قوی از نظر صوت باشد، بلکه این مباحث، لحنی نرم، آرام و لطیف را می‌طلبد تا همچون قطرات آب که به تدریج در سنگ اثر می‌گذارد، قلب سخت آدمی را به تدریج نرم و او را تحت تأثیر قرار دهد.

استفاده از داستان‌های عبرت آموز

ذکر تاریخ و یا داسـتان‌هایی که مربوط به عالم آخرت است و اسـتفاده از کتاب‌هایی مثل داسـتان‌های عبرت‌انگیز علامه تهرانی و یا داستان‌های شگفت شهید دستغیب و منازل‌الآخره محدث قمّی می‌تواند در تأثیرگذاری بهتر و بیشتر، مبلغ را یاری کند.

ص: ۱۶۴

۳. اخلاقیات

اگر مبلغ می‌خواهد مباحث اخلاقی (فردی و اجتماعی) را مطرح کند، ضـمن اسـتفاده بسیار از قرآن و حدیث، باید به نکات دیگری در نوع روش بیان مطالب دقت نماید.

الف: بیان آثار اعمال

مباحث اخلاقی را از منظر آثار آن مورد بررسـی قرار دهـد. انسان‌ها وقتی آثار خوب چیزی را بفهمنـد به آن رغبت پیـدا می‌کننـد و وقتی آثار سوء چیزی را درک کنند از آن منزجر می‌شوند، لذا آثار اعمال حسنه فردی و یا اجتماعی، یکی از بهترین روش‌ها جهت بیان مباحث اخلاقی است.

۱: آثـار اخلاـق خوب در دنیـا، در آخرت، در نزد خداونـد، در نزد پیـامبر (ص)، در زنـدگی اجتمـاعی، در بهبود روابط اجتماعی و برای نسل‌های بعد و ...

۲: آثار غیبت در فرد، اجتماع، قبر، برزخ، قیامت و در جهنم.

و به همین کیفیت، تمامی اعمال خوب و بد، دارای آثار وضعی و تکلیفی است که می‌تواند مورد بحث مبلغ قرار گیرد.

ص: ۱۶۵

ب: بیداری وجدان و انصاف

اخلاقیات را با بهره‌گیری از بیدار کردن انصاف مخاطب بیان کند. بعضی از مخاطبین نسبت به قرآن و یا حدیث احساس تعبد محض می‌کنند و برایشان خوش آیند نیست. گرچه قرآن و حدیث هم مطالب منطبق با عقل و فطرت را بیان کرده‌اند ولی برای ایشان مثال‌ها و بیان وقایعی که در زندگی رخ داده است و وجدان فرد را بیدار می‌کند و موجب تقویت اخلاق از طریق انصاف دادن (یعنی خود را به جای دیگری گذاشتن) می‌شود، مفیدتر و راه گشاتر است.

ج: مقایسه اعمال

بیان اخلاقیات خانوادگی با توجه به ذکر نمونه‌ها و تجربیات و مقایسه نوع خوب با بد آن، مثلًا نوع سخن گفتن با همسر در زمان‌های مختلف و حوادث گوناگون را گفته و بین نوع خوب و بد مقایسه کند.

استفاده از نظر دانشمندان

در این مباحث استفاده از نظرات دانشمندان و یا شعر شاعران جهت تثبیت در فکر و اندیشه مخاطب مفید است. البته نظر دانشمندان نه برای تأیید سخنان قرآن و عترت، بلکه به این عنوان که دین اسلام و دستورات آن در ۱۴۰۰ سال قبل، کاملترین دستورات بوده که امروزه دانشمندان به عنوان بهترین نظرات جامعه شناسانه بیان می‌کنند.

ص: ۱۶۶

کیفیت لحن مبلّغ

در بیـان اخلاقیـات نه صوت قوی و بلنـد لازم است که آن متناسب بحث‌های خطابه‌ای و حماسـی است و نه صوتی نرم و لطیف که آن منـاسب مجـالس وعـظ و نصیحت برای بیـدار کردن وجـدان‌های خفته است، بلکه در اینجـا سـخن گفتن به صـورت معمولی و خودمانی است. یعنی مطالب اخلاقی را بازگو می‌کنـد، آثار آن را در فرد و خانه و جامعه بیان کرده و مثال‌هایی ملموس از زنـدگی افراد مطرح می‌کنـد و این بیان همانگونه که قبلًا بیان شـد مقایسه‌ای و ذکر مثال‌های ملموس از زنـدگی است که باید معمولی و مثل گفتمان دو طرفه صورت گیرد.

ص: ۱۶۷

۴. تفسیر

گاهی مبلغین در بیان معارف دینی، تفسیر قرآن را محور قرار می‌دهند، که در این باره نیز چند روش مورد توجه است:

الف: روش تفسیر موضوعی

در این روش، مبلغ یک موضوع را انتخاب می‌کند و در اطراف آن، در آیات قرآن تفحص کرده و مطالب بسیاری را به دست می‌آورد، مثلًا نماز و آثار آن در قرآن، عبادالرحمن و صفات آن‌ها، تقوی، معنای تقوی، صفات متقین، آثار تقوی در دنیا و آخرت، دنیا و ویژگی‌های آن و ... همچنین مباحثی مثل منافقین از دیدگاه قرآن که هر کدام از این موضوعات به نوعی تفسیر موضوعی به حساب آمده و از منظر اخلاقی برای جلسات عمومی مورد توجه می‌باشد.

۱: البته روشن است که تفسیر به معنای حقیقی کلمه، در بسیاری از اموری که کلمه تفسیر بر آن اطلاق می‌شود مد نظر نیست، همانگونه که طبق نظر بعضی از بزرگان، بعضی از کتاب‌های تفسیری، توضیح و تبیین آیات است نه تفسیر آیات.

۲: این روش از سخن، برای جلساتی که در طی چند شب یا چند

ص: ۱۶۸

هفته به طور پیوسته برگزار می‌شود مناسب است، چرا که بحث‌ها همچون حلقه‌های زنجیر به یکدیگر وابسته و مرتبط می‌باشند.

ب: روش تفسیر آیه به آیه

ممکن است مبلغ برای محور قرار دادن قرآن و بحث در اطراف آیات آن، یک سوره را انتخاب کرده و برای مثلًا ۱۰ جلسه سخنرانی، آن سوره و مباحث مطرح شده در آن را مورد بحث قرار دهد. که این صورت هم نوعی پیوستگی است ولی با موضوعات و مباحث مختلف.

مثال: سوره والعصر: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ)- ارزش آن، اهمیت شروع با نام خدا، جایگاه بسمله در قرآن به عنوان یک آیه از هر سوره، حکم فقهی خواندن آن جدای از نیت سوره‌ای خاص، حکم فقهی آن برای سوره‌های دارای سجده واجب، برای جنب و یا حائض و اختلاف فتوا در این زمینه و غیر ذلک از مباحث فقهی و تفسیری در اطراف بسمله که مباحث فقهی را در ابتدای سخن به عنوان مسأله شرعیه و مباحث دیگرش را به عنوان معارف دین در بخش دوم سخن بیان کند.

(وَ الْعَصْرِ)- علت قسم یاد کردن خداوند به مخلوقات و زمان‌ها، تأثیر زمان و مکان در رشد و افزایش ثواب عبادت‌ها، مراد از عصر در آیه شریفه و ....

(إِنَّ الإِنسانَ لَفِی خُسْرٍ) و بقیه آیات به همین کیفیت در جلسات مختلف مورد بحث قرار داده شود.

ص: ۱۶۹

امتیاز این روش

اهمیت و یا زیبایی این روش از این جهت است که در عین پیوستگی و ادامه داشتن مباحث و دنباله دار بودن، مباحث مختلف در موضوعات گوناگون می‌تواند طرح شود که دست مبلغ را برای انتخاب آن و همچنین طرح مباحث جدیدتر و ضروری‌تر باز می‌گذارد.

ج: روش تفسیری تاریخی

بعضی از مبلغین با نگاه تاریخی به قرآن، قصه‌های قرآن را مورد بحث قرار می‌دهند و در طی یک شب و یا چند شب، قصه‌ای از قرآن را مطرح کرده و در بین آن و با ذکر آیات آن، نکات اخلاقی و اجتماعی آن را متذکر می‌شوند. مثلًا داستان پیامبران، و یا شخصیت‌های مهم، مثل اصحاب کهف و اصحاب رس و یا ذوالقرنین و ... را به عنوان محور قرار داده و به مناسبت، تذکراتی بیان کند.

ص: ۱۷۰

۵. تاریخ

بعضـی از مبلغین برای ایجـاد جـذابیت در مبـاحث و جلب توجه بیشتر مخاطبین، در بحث‌های خود از تاریـخ اسـتفاده می‌کننـد. مثلًا: تاریخ اسـلام و پیامبر اکرم (ص) از ابتدا تا انتها، تاریخ جنگ‌های پیامبر اکرم (ص)، سـبب جنگ‌ها، علت پیروزی و یا شکست سپاه اسـلام، نظرات و روش‌های جنگی پیامبر (ص)، نقش منافقین و یهودیان در این جنگ‌ها را هر کـدام به صورتی جذاب با ذکر وقایع تاریخی آن مورد بحث قرار دهند.

نکته: بعضـی از روش‌هـای سـخنرانی در بعضـی جلسـات مناسـبت بیشتری دارد؛ لـذا در ابتـدای کتـاب، شـناخت از جلسه و شـرکت کنندگان را یادآور شدیم تا مبلغ بتواند با توجه به افراد شـرکت کننده و موقعیت‌های زمانی و مکانی و سطح سن و تحصیلات آنان، نوع سخن خود را انتخاب کرده و برای آن آمادگی داشته باشد.

مثلًا روش تـاریخی و یـا تفسـیر تاریخی بیشتر برای جلسات جوانان و نوجوانان و یا کلاس‌های اردویی و یا برای مربیان پرورشـی در کلاس‌های درس مناسب‌تر است.

ص: ۱۷۱

خلاصه روش‌ها:

روش‌ها عبارتند از:

۱- روش استدلالی برای کلاس‌های اعتقادات

۲- روش موعظه‌ای برای اعتقادات با منظر تزکیه و خودسازی

۳- روش معمولی و گفتمانی برای مباحث اخلاق فردی و اجتماعی

۴- روش حماسی و خطابه‌ای برای سخنرانی‌ها و یا بحث‌های سیاسی و انقلابی.

آماده سازی جهت ذکر توسل

وقتی سخنان اخلاقی رو به اتمام است مشکل دیگر مبلغ شروع می‌شود و آن کیفیت ورود به مصیبت خوانی است که گاهی این ذکر مصیبت برای او مصیبتی بزرگ است.

باید توجه داشت که بدون مقدمه نمی‌توان ذکر توسل و مرثیه‌خوانی نمود برای اینکه وارد این قسمت شود چند راه وجود دارد:

اول: تفکیک قسمت اخلاقیات از مصیبت‌خوانی

بعد از اتمام بحث اخلاقی با یک مقدمه کوتاه، مثل سلام دادن به اهل بیت و یا سلام بر امام حسین (ع) و توجه دادن مردم به سوی کربلای معلّا و یا حرم دیگر ائمه (علیهم السلام) و بعد از آن با چند بیت شعر از اشعاری که در آن، زبان‌حال عاشقان اهل بیت (علیهم السلام) است دل‌های جمع را آماده کرده و بعد با اشاره‌ای کوتاه به ذکر مصائب اهل بیت (علیهم السلام)، مجلس را ختم می‌نماید.

ص: ۱۷۲

دوم: وصل مباحث اخلاقی به ذکر مصیبت

مبحث اخلاقی را به کیفیتی انتخاب کند که چندین داستان از زندگی ائمه (علیهم السلام) در آن داشته باشد. بعد از بیان داستان‌ها و بیان آیات و روایات در این زمینه، قضیه و یا کرامتی را از آن امام بزرگواری که قصد ابراز ارادت به آن حضرت را دارد بیان کند، به طوری که آن قضیه از جهتی مرتبط با بحث اخلاقی او باشد و از جهتی دل‌های مردم را به کرامت و بزرگواری ایشان متوجه کند و این کرامت را به واقعه‌ای از وقایع شهادت آن حضرت گره زده و مصیبت را آغاز کند.

مثال: احترام و حقوق متقابل زن و شوهر را مطرح و به قضایایی از بزرگواری و آقایی امام مجتبی و یا امام جواد (علیهم السلام) اشاره می‌کند و بعد مظلومیت ایشان را در داشتن همسری ظالم که قاتل حضرت هم شده است مورد توجه قرار دهد و وارد ذکر مصیبت شود.

برای یافتن نمونه‌های دیگر، به کتاب سیدالشهدا «تألیف شهید دستغیب» که مشتمل بر ۲۰ جلسه سخنرانی ایشان در ایام محرم الحرام است. مراجعه فرمایید.

برای توضیح بیشتر درباره مرثیه‌خوانی و ذکر مصیبت، به بخش سوم همین کتاب مراجعه فرمایید.

ص: ۱۷۳

بخش سوم: مرثیه خوانی

اشاره

ص: ۱۷۴

ص: ۱۷۵

بخش سوم: مرثیه خوانی

این قسمت از بحث، به علل مختلف، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. سخن از مصائب اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) و زجرها و بلاهایی که قلب هر دوستدار آل محمد (ص) را جریحه‌دار کرده و او را سال‌های متمادی و در طول عمرش در عزای جانسوز آن بزرگان دین نشانده است. بیان آن تاریخ مهم و پر فراز و نشیب در کنار حفظ جایگاه و عظمت معنوی آنان کار بسیار دشواری است.

سخن از جایگاه کسانی است که همه عالم به برکت آنها و به خاطر وجودشان برپاست، آنان که واسطه فیض خداوند به بشریتند، ارزاق الهی به یمن آنها تقسیم می‌شود و عبادات به ولایت ایشان پذیرفته گشته و خلاصه، تبلور صفات الهی و مظهر آیات پروردگار می‌باشند.

درک حقیقت مصائب ایشان و تحلیل صحیح آن برای مردم و تبیین گوشه‌های عمیق آن- که سراسر اسرار الهی در آن نهفته است- کار ساده‌ای نیست و رسیدن به این معرفت و درک از درجات کمال انسان می‌باشد. فضیلت گریه بر مصائب اهل بیت ما را به سوی یادآوری و اشک بر آنان می‌کشاند و از طرفی سخن گفتن درباره اهل‌بیت و ناتوانی در ادای حق ایشان، زبان را الکن و خاموش می‌سازد. حال وظیفه مبلغ دینی و ذاکر مصیبت بسیار دشوار خواهد بود. هم جایگاه و عظمت اهل بیت (علیهم السلام) حفظ شود و هم مصائب آنان تذکر داده شده و از فیض

ص: ۱۷۶

گریه بر آنان بهره‌مند گردد و هم آن را آمیخته با زوایدخارج از شأن امام و حجت حق نکند، این حقیقتاً کار دشواری است.

لـذا مبلغ و هر آن که مرثیه خوانی و ذکر مصیبت اهل‌بیت (علیهم السـلام) می‌کنـد، بایـد در این زمینه وسواس داشـته باشـد و دقت بیشتری به خرج دهد. امروزه در بعضی از محافل، این مسئولیت خطیر سبک شمرده شده و هر کس به خود جرأت می‌دهد پا در این میدان گذاشـته و حتی بدون کمترین اطلاعات و آگاهی‌های لازم، زبان به مرثیه سـرایی گشوده و بدون تأمل در عواقب سوء آن در جـامعه و فکر جوانان، فقط در صـدد ابراز ارادت و عزاداری باشـد، غافل از آنکه ایجاد چنین روش و سـنتی در جامعه و ترویـج آن، تأثیر منفی ایجاد می‌کند که جبرانش مشکل خواهد شد.

کسـی که مشـغول ذکر مصـیبت و مرثیه خوانی است، بایـد در تمـام لحظات، متوجه عظمت آن انوار تابان باشـد و بدانـد درباره چه کسانی سخن می‌گوید، نه این که متوجه مردم و گریه آنان بوده و انوار مقدسه را وسیله خواسته‌های خود و دیگران قرار دهد.

ص: ۱۷۷

فصل اوّل: نکات لازم و ضروری

۱. مراجعه به کتاب‌های معتبر

ص: ۱۷۸

ص: ۱۷۹

بیان واقعه تاریخی، نیازمند مطالعه دقیق آن و دقت در زوایای مخفی آن است، مخصوصاً اگر آن واقعه درباره اولیای الهی و بالأخص اگر در مراثی و عزای آن‌ها باشد؛ چرا که هم باید واقعه صحیح بیان شود و هم کیفیت بیان، موجب وهن امام و حجّت حق نگردد. لذا باید به کتاب‌های تاریخی موثق و مورد اطمینان در این باره مراجعه کرد. کتب مقاتلی که از بزرگان علم و تقوی به ما رسیده و مطالعه‌اش بر مبلغ لازم است، عبارتند از:

«اللهوف، «سید بن طاووس»

منتهی الآمال- نفس المهموم- بیت الاحزان- انوار البهیه «محدث قمی»

ارشاد «شیخ مفید» و کتبی از این قبیل.

نکته: روشن است که صرف مراجعه به این کتاب‌ها کافی نیست، بلکه برای بیان مطالب آن باید ظرفیت جلسه و افراد آن را نیز در نظر داشت.

ص: ۱۸۰

۲. نقل صحیح واقعه تاریخی

اشاره

از آفات ذکر مصیبت و مرثیه خوانی در جامعه ما، عدم مطالعه کافی از جانب وعاظ محترم و یا دیگران است که به اتکای شنیدن از فردی و یا عالمی،- گاهی هم همراه اضافات- به خاطر می‌سپارند و آن را می‌خوانند. اکثراً وقتی سؤال می‌شود که این نکته از مرثیه و یا مصیبت را از کجا بیان داشتید؟ می‌گویند: فلان عالم و یا فلان مداح چنین خوانده است. متأسفانه باید گفت، حق اهل بیت (علیهم السلام) در این قضایا ادا نشده است.

در مواردی که مطلبی را شنیده‌ایم وقتی به مدرک آن مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم گوینده ناقص بیان کرده و بعضی از مطالب را هم به سلیقه خودش به آن قضیه افزوده است، لذا سفارش مؤکد می‌شود، در خواندن مراثی و مصیبت هرگز به دیگران تکیه نگردد و در صورت نقل آن، مأخذ و یا فردی را که از او شنیده‌ایم نام برده تا شنوندگان بدانند، ما نیز با اتکای به دیگری این قضیه را بیان کردیم.

یک خاطره، یک عبرت:

مداحی در یک مجلس عزاداری چنین می‌گفت: «پیامبر (ص) جنازه مردی یهودی را دیدند، برای تشییع او رفتند، بر او نماز خواندند، در قبر

ص: ۱۸۱

او خوابیدند و برایش دعا کردند.

وقتی حضرت علی (ع) پرسید: یا رسول الله! چرا چنین کردید؟

فرمود: یا علی این یهودی تو را دوست داشت!!»

شنیدن این قضیه و اقامه نماز بر بدن یهودی بر من بسیار گران آمد. از او پرسیدم: مدرك این حدیث کجاست؟

گفت: از آقای ... شنیده‌ام،

به آن عالم شهر مراجعه کردم و حدیث را گفتم

فرمود: این حدیث موجود است ولی فقط دعا کردن رسول خدا (ص) در آن آمده است نه چیز دیگر. در اینجا فهمیدم که چند مطلب دیگر که با دین سازگاری ندارد از جانب مداحان اضافه گردیده و سینه به سینه منتقل شده است.

ص: ۱۸۲

۳. تأثیر پذیری از ذکر مصیبت

مبلغ دینی که با زبان خود معارف دینی را به مردم می‌رساند و مرثیه و مصیبت بر اهل بیت (علیهم السلام) را می‌خواند و دیگران را غرق در ماتم و انـدوه و اشک و ناله می‌کند و باعث نزول رحمت و برکت بر آن محفل و مجلس می‌گردد، باید خود را نیز یکی از مستمعین فرض کنـد و قبل از این که برای دیگران بخوانـد برای خودش بخوانـد و گریه کند، بسوزد و بسوزاند، همچون شـمع آب شود و نور دهـد، ولی مع الاسف بایـد بگوییم که بعضـی از مرثیه‌خوان‌ها از روحانی و غیر روحانی، فقط در حـد یک ضـبط صوت خـود را تنزل داده‌انــد، بـاعث بهره‌منـدی و درک فیض دیگران می‌شونـد ولی خـود محروم‌تر از همـه، مجلس را ترک می‌کننـد. نه سوخته‌انـد و نه دوست داشـته‌اند که بسوزنـد و نه احسـاس نیـاز به این سوختن در آن‌هـا ایجـاد شـده است. به همین جهت است که بعضـی زیبا می‌خواننـد، خوب صـدا را می‌لرزاننـد و حتی خوب به گریه می‌آورند ولی به دل نمی‌نشـینند و در دل‌ها جایی ندارند و زود از خاطره‌ها محو می‌شوند.

پس بر مبلغ دین و مرثیه خوان است که اول برای خودش بخواند بعد برای دیگران، خودش با کسب معرفت بیشتر نسبت به اهل بیت (علیهم السلام)

ص: ۱۸۳

و درک عظمت ایشـان، بر آن خانـدان پـاک بسوزد و اشـک بریزد و بعـد از آن دیگران همراه او می‌سوزنـد و نـاله می‌کننـد و متأثر می‌شوند، سخن از دل بگوید تا بر دل نشیند و دیگر نیازی به گریاندن اجباری با ابزار و کلمات اضافی و یا ... نیست.

ص: ۱۸۴

۴. حفظ شأن و جایگاه اهل بیت (علیهم السلام)

اشاره

همان گونه که قبلًا گـذشت عظمت حُجَج طاهرین الهی اقتضا می‌کند همیشه در حفظ شأن و جایگاه آنان کوشا بوده و از هر سـخن یا رفتاری که آنان را تضـعیف کند پرهیز شود. همان‌گونه که خداوند متعال در قرآن، در سوره حجرات، مجازات بی‌ادبی در گفتار نسبت به پیامبر اکرم (ص) را حبط همه اعمال خوب می‌داند، پس نوع سخن و چینش کلمات و انتخاب واژه‌ها در مورد پیامبر (ص) و اهل بیت او باید همراه با دقت و وسواس بیشتری باشد. در این باره بحث مفصلی است که در «شیوه سخن در کلام خالق سخن» به آن پرداخته ایم لکن در اینجا به مناسبت این نوشتار به چند نکته اشاره می‌کنیم.

انتخاب کلمات در شأن اهل بیت

پرهیز از بکـار بردن کلمـاتی که حـاکی از ضـعف و یـا تحقیر نسـبت به اهل‌بیت (علیهم السـلام) باشـد، مثلًا کلماتی مثل بیچاره‌ام یا درمانده‌ام و یا همه درها به رویم بسته شد- ولو در قالب شعر و یا زبان حال باشد- صحیح نیست؛ چرا که این واژه‌ها و مفاهیم آن‌ها در مورد آنان که همه امورشان برخواسته از حکمت و تعقل است معنا ندارد.

ص: ۱۸۵

مقام معظم رهبری، حضرت آیه‌الله خامنه‌ای (مدّ ظله العالی) می‌فرمایند:

«بعضی از حرف‌ها، بعضی از شعرها، بعضی از اظهارات واقعاً گمراه کننده است. چیزهایی است که یا دروغ است، حوادث غیر واقعی و غلط که در هیچ نوشته‌ای، در هیچ کتابی یا کتاب معتبری نیست؛ یک نفری دلش خواسته یک چیزی را درآورده، بقیه هم خواندند، نباید خوانده بشود. لهوف ابن طاووس و کتاب‌های دیگری که هست به این‌ها مراجعه بشود، چیزهایی که گمراه کننده است خوانده نشود. بعضی از حرف‌ها هم هست که برای افرادی که با معارف دینی درست آشنا نباشند واقعاً گمراه کننده است. چرا باید جوری حرف زده بشود از حادثه عاشورا که تصور این که حسین بن علی یک قیام مظلومانه کرده، از ذهن‌ها برود. تصور کنند که امام حسین یک آدم مضطر مستأصلی بود که آمدند به زور کشیدند و در زیر عجز و لابه و اظهار ذلت خودش و اصحابش و زن و بچه اش سر او را از قفا بریدند. خب، چرا چنین حرفی زده بشود که این واقعی نیست؟» (۱)

پرهیز از ذکر مصائب سنگین

ذکر مصائب سخت که آسمان و زمین در آن گریان شده‌اند و فرشتگان آسمان همیشه بر آن مصائب مصیبت زده‌اند و خواندن آن در مجالس و محافلی که مناسب نیست و در زمان‌هایی غیر از ایام عاشورا و

۱- اشک باید راز دار باشد، ص ۷۸

ص: ۱۸۶

ی

ا شهادت آن بزرگواران، مخصوصاً در محافلی که افراد شرکت کننده هرگز از لحاظ جسمی و روحی آمادگی شنیدن و یا عزاداری را ندارند جز کسر شأن و تحقیر ائمه اطهار ثمر دیگری ندارد.

در مجلسی که مردم برای صرف غذا آمده‌اند و هدفشان میهمانی است و میهمانان جز تماشای مرثیه خوان کار دیگری نمی‌کنند، خواندن مصائب سخت عاشورا، مخصوصاً ظهر عاشورا چه توجیهی می‌تواند داشته باشد؟!!

این قضیه یا برخاسته از کج سلیقه‌گی آن مبلغ است و یا از کم معرفتی او نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) سرچشمه گرفته و یا از مبتدی بودن او و مقلد بودنش در این زمینه پرده برمی‌دارد و هر سه این موارد برای مبلغ دینی نقص به شمار می‌رود. مناسب است در چنین مجالس و محافلی، مبلغ بدون اطاله کلام در این قسمت، با یک سلام و درود بر اهل بیت (علیهم السلام) و یا ذکر یک کرامت از ایشان محفل را ختم نماید.

نقل صحیح کلمات ائمه (علیهم السلام)

کلماتی از اهل بیت (علیهم السلام) نقل شده است که معنا و مفهوم آن را نمی‌فهمیم و یا قدرت توضیح و تبیین صحیح برای مخاطب را نداریم. گاهی به کیفیتی نقل می‌شود که مخاطب، از آن، بی‌ادبی امام را می‌فهمد و برای او سؤال برانگیز است، مثلًا در قضیه حر بن یزید ریاحی بسیار شنیده می‌شود که ذاکرین و مداحان چنین می‌گویند: حر جلو حضرت را گرفت: حضرت فرمود: «ثکلتْکَ امُّک؛ مادرت به عزایت بنشیند.» حرّ در جواب گفت: هر کس اسم مادرم را می‌برد اسم مادرش را می‌بردم اما

ص: ۱۸۷

چه کنم که مادر تو فاطمه است. و بعد مرثیه خوان ادامه می‌دهد همین احترام حر به حضرت زهرا او را نجات داد، از این گفت و شنودها چنین وانمود می‌شود که حر مؤدب بود و امام سخنی بی‌ادبانه گفته‌اند و حال آن‌که این نفرین امام (ع) سخنی زشت و بی‌ادبی نیست بلکه شکل گفتن مداحان چنین نشان داده است.

پس باید در نوع گفتن و بیان وقایع دقت کافی را داشت.

ص: ۱۸۸

۵. استفاده از اشعار

شعر در ادبیات مردم ایران زمین، جایگاه خوب و روشنی دارد. بسیاری از مطالب عمیق در قالب شعر، در دل‌ها و جان‌ها رسوخ کرده و ماندگار شده است. مبلغ در ضمن ذکر مصیبت، مناسب است که از ادبیات جانسوز در مصائب اهل بیت (علیهم السلام) استفاده کند ولیکن باید به اموری توجه داشته باشد:

الف: حتی الامکان اشعار از زبان شاعر بوده و زبان حال عاشق اهل بیت (علیهم السلام) باشد تا هم در محفل، تحولی ایجاد شود و هم احترام خاصی نسبت به حریم اهل بیت (علیهم السلام) گذاشته شده باشد.

ب: در خواندن اشعاری که از زبان امام (ع) سروده شده دقت زیادی شود که از قول امام (ع) سخن خلاف و یا مغایر با مقام امامت و جایگاه عظیم او گفته نشده باشد؛ چرا که ما حق نداریم حتی در قالب زبان حال، از قول امام (ع) چیزی بگوییم که در خور شأن و مقام او نیست. گاهی در بعضی از این اشعار به حجت حق نسبت ناحق داده می‌شود، او را مشوّق دروغ گویی و یا مخالف حکمت‌های الهی و مقدرات او معرفی می کند.

ص: ۱۸۹

ج: در خوانـدن اشـعار و مرثیه خوانی و ذکر مصـیبت، حـدّ اعتـدال را رعایت نمایـد و از افراط و تفریط بپرهیزد. گریه کردن مردم و حال داشـتن آنها و یا بیکار بودن شـخص مبلغ و خوش آینـد او از گریه چنـد نفر، نمی‌توانـد دلیلی قانع کننده بر اطاله ذکر مصـیبت شود.

ص: ۱۹۰

ص: ۱۹۱

فصل دوم: سخنی با مداحان عزیز

۱. مدّاحی با مرثیه خوانی تفاوت دارد!

ص: ۱۹۲

ص: ۱۹۳

با توجه به مطالب گذشته، اهمیت ذکر مصائب بر همگان روشن شد. هر کاری را لوازمی است. معرفت کافی و کامل نسبت به مقام شامخ حجج الهی (علیهم السلام)، تسلط ویژه و خاص بر تاریخ اهل‌بیت (علیهم السلام) و شناخت کتب مقاتل و ارباب مقاتل و قدرت تشخیص صحیح از سقیم و تطهیر و جداسازی آلودگی‌های این بخش از حقایق عمیق و ژرف آن، از لوازم لاینفک یک ذاکر مصیبت و مرثیه‌خوان می‌باشد.

در گذشته‌ای نه چندان دور، این مسئولیت خطیر فقط بر عهده علمای دین و مراجع بزرگ بود و آنان نیز حق مطلب را به حق ادا می‌کردند. مقتل‌خوانی کار شیخ عباس قمی و شیخ عباس تربتی و شیخ جعفر شوشتری و دیگر علمای دین به شمار می‌رفت. نه تنها ایشان دارای آن لوازم بودند بلکه اهل دل و معرفت بودند، اگر چه ساده و بی آلایش می‌خواندند ولی در پای سخنان آنان مردم مثل ابر بهاری می‌گریستند. به اندازه می‌گفتند، بجا می‌خواندند و درست و صحیح یاد مصائب اهل بیت (علیهم السلام) می‌کردند. در محافل آنان اشک بود و ناله، نه همهمه و فریاد. آنجا سوختن بود و آب شدن و غش کردن نه ناله‌ها و گریه‌های ساختگی و مجلس گردانی. آنجا عشق بود و عاشق بود و معشوق حقیقی

ص: ۱۹۴

که بر آن می گریستند نه مرید و مرید پروری و آهنگ‌های کذایی. آنجا باطن‌های پاک و مطیع خدا و اهل بیت (علیهم السلام) بود نه ظاهرهای زیبا و اطو کشیده و با اتیکت. آنجا دینی عمیق باور شده بود نه ایمانی بادکنکی و توخالی، پر حجم ولی بی محتوا.

دوستان و برادرانی که در وادی مداحی قدم گذاشته‌اید، بدانید مداحی با مرثیه خوانی متفاوت است. مرثیه و مصیبت‌خوانی علم می‌خواهد، تحقیق لازم دارد و مسئولیت‌آور است. آن را به اهلش واگذارید و مداحی اهل بیت (علیهم السلام) که یکی از شریف‌ترین اعمال است را در خود بیشتر پرورش دهید.

ص: ۱۹۵

۲. مدح در قالب اشعار

اشـعار پر محتوا را حفظ کنیـد و بخوانیـد. مـداحی، امروز مظلوم واقع شـده؛ زیرا از حقیقت خود منحرف گشـته است. مداح که باید حافظه او گنجینه اشعار گران‌سنگ در مدح و توصیف اهل‌بیت (علیهم السلام) باشد، با اشعار پر محتوا و با مضامین عالی، بزرگترین معارف دینی را در دل مخاطبین جای دهد، پیام نورانی قرآن و عترت را در ضـمن پندیات ارزشـمند، با صوت دل‌نشـین بازگو کند، وظیفه خود را فراموش کرده است و به کاری که هرگز تخصص آن را نداشته و ندارد دست زده است.

باید بر این قشـر و بر مداحی اهل بیت که فضیلتی عظیم به شمار می‌رود گریست، کسانی خود را در این سلک قرار داده‌اند که حتی ۱۰۰ بیت مدح را نمی‌دانند و انواع شـعر و شاعری را نمی‌شناسـند و جز چند بیت اشـعار که زمینه ذکر مصـیبت را فراهم می‌کند چیز دیگری حفظ نیستند. اینان لقب مداح گرفته ومرثیه خوانی می‌کنند.

کسانی که اسـتاد ندیده‌اند و در جلسات مداحی اساتید فن و شعرای بزرگ زانو نزده‌اند، اشعار را اشتباه خوانده و در جمله‌بندی‌ها و گویش جملات استفهامی و اعجابی و ... ضعیفند و مخاطب را هم در فهم

ص: ۱۹۶

مطالب به خطا می‌اندازنـد، چگونه می‌خواهنـد معارف اهل بیت را شـناخته و تاریـخ زنـدگی ایشان و ذکر مصائب آن انوار تابان را صحیح و درست برای مردم بازگو کنند؟! شنیدم مداحی را که «با مژه گَرد حریمت رُفْتَم» را «با مژه گِرد حریمت رَفْتم» می‌خواند!

ص: ۱۹۷

۳. پندیات

از اشـعار پندیات که تأثیر ژرف و عمیق در دل‌ها می‌گذارد بیشتر اسـتفاده کنید و قلب‌های تشنه مؤمنین را به این چشمه‌های جوشان حکمت سیراب نماییـد. عـدم اسـتفاده مـداحان از اشـعار طویل و قصـیده‌های شـعرای بزرگ در زمینه پندیات و یا مدح و توصیف اولیای الهی، باعث انزوا و فراموشی این گنجینه‌های گرانقدر شده است.

مقام معظم رهبری، حضرت آیه‌الله خامنه‌ای فرمودند:

«وقتی با زبان شـعر با مردم حرف بزنیـد، هر چه شـعر پیچیـده هم باشـد، وقتی مداح با هنر مداحی خود توانست این را کلمه کلمه به مردم القا و مخاطبه کند، در دل مردم اثر می‌گذارد. ما غزلیات زیادی داریم. شما به دیوان صائب نگاه کنید. من یک وقت چند بیت از این اشـعار را تصادفی انتخاب کردم و به بعضی از برادرهای مداح گفتم روی این‌ها کار کنید. دیوان صائب غزل‌های بسیار خوب و مفیـدی دارد که در دل‌ها اثر می‌گـذارد. دیگران هم از اینگونه اشـعار دارند. بعضـی از شـعرا- که امروز هم به حمدالله در شـعرها آمده بود- درباره عبادت و خضوع و جهاد و تضـرع و انفاق و جهاد ائمه (علیهم السلام) بیانات خیلی خوب و زیبایی داشتند. شعر را از لحاظ هنری، سطح خوب انتخاب کنید؛ چون اثر گذار است.» (۱)

۱- اشک باید راز دار باشد، ص ۸۲

ص: ۱۹۸

۴. سخن در حد معلومات

پاداش در گرو خدمت صحیح است. هر کس به اهل بیت و خاندان پیامبر (ص) به هر اندازه خدمت کند، در نزد پروردگار مأجور است ولی بایـد دانست که خدمت بهتر در زمانی است که هر کس در محدوده علم و آگاهی خودش قدم بردارد و معلوم نیست این چنین حرکت‌ها و مداحی‌هایی حتی نام خدمت هم به خود بگیرد و چه بسا که تأثیرات منفی آن بیشتر از خدمات باشد.

مقام معظم رهبری به مداحان فرمودند:

«اما این تعزیه‌داری شرایطی دارد. اگر آن شرایط را عمل کردیـد، تعزیه‌داری کردید؛ اگر آن شرایط را عمل نکردید، گاهی تعزیه داری نکردید و ثواب نکردید، گاهی خطا هم کردید. حواستان جمع باشد که آنچه انجام می‌دهید درست انجام بگیرد.» (۱)

۱- اشک باید راز دار باشد، ص ۷۷

ص: ۱۹۹

۵. دنیا پاداش خادمان اهل بیت (علیهم السلام) نیست

اشاره

برای مداحی خود قیمت نگذارید، بعضـی از این افراد چون هیچ شغل دیگری ندارند و مرثیه خوانی و ذکر مصائب اهل بیت (علیهم السـلام) را شـغل خود قرار داده و از این طریق امرار معـاش می‌کننـد برای خوانـدن خود قیمت تعیین می‌کننـد. برای آنان ارزش‌های مـادی بیشـتر جلوه دارد گرچـه خودشـان به هیـچ معنویـتی دست نیابنـد. این‌گـونه افراد، خـود و عمـل عبـادی خـود را بسـیار ارزان می‌فروشند؛ چرا که دنیا نمی‌تواند پاداش شأن خادمان اهل بیت (علیهم السلام) باشد.

داستانی از حضرت موسی (ع)

حضـرت موسی (ع) قبل از نبوت، از فرعونیان گریخت، خود را به مدین شهر شعیب (ع) رساند، در نزدیکی‌های شهر، چاه آبی بود، در کنـار شـبانان دو دختر را مشاهـده کرد که به چـاه نزدیـک نمی‌شونـد، فهمیـد که آنان برای آب دادن به گوسـفندان خود نیاز به کمک دارند، به آنها کمک کرد و گوسـفندان سیراب شدند و دختران به همراه گوسفندان بازگشتند. یکی از دختران برگشت و به موسی گفت: پدرم تو را می‌طلبد تا پاداشت دهد.

ص: ۲۰۰

موسی (ع) به همراه او به خانه آن‌ها رفت، وقتی موسی به خانه شعیب وارد شد وقت شام بود. شعیب به جوان تازه وارد گفت: ای جوان بنشین و شام بخور.

موسی در جواب گفت: اعوذ بالله.

شعیب (ع) گفت: مگر گرسنه نیستی؟

گفت: آری گرسنه‌ام، ولی می‌ترسم که این شام در مقابل آب دادن گوسفندان باشد و ما خاندانی هستیم که هیچ عملی را برای آخرت با کره زمین انباشته از طلا نمی‌فروشیم.

شعیب گفت: ای جوان به خدا قسم این نیست مگر مرام من و پدرانم و آن این که میهمان را می‌نوازیم و اطعام می‌کنیم، در این هنگام حضرت موسی (ع) مشغول خوردن شد. (۱)

باز هم متذکر می‌شویم که اگر چه هر خدمتی بی اجر نیست و در بین این عزیزان انسان‌های پاک و مخلص بسیارند ولی باید بین مرثیه خوانی و مقتل شناسی و مداحی تفکیک قایل شد. مداحان در قالب اشعار زیبا و جذاب، مدح اهل بیت (علیهم السلام) کنند و علما و محققین دینی واهل علم و روحانیت معزز، مقتل خوانی و ذکر مصیبت نمایند.

نکته: لازم به یادآوری است که کوتاهی بعضی از اهل علم و وا گذاری ذکر مصیبت در آخر جلسات به مداحان، مزید بر علت شده و دست عده‌ای را برای مقتل خوانی و فرهنگ سازی- ولو به نحو ناصحیح- باز گذاشته است، تا جایی که امروز تاریخ مصیبت بار اهل‌بیت (علیهم السلام) به دست عده‌ای کم اطلاع بر مصیبتش افزوده گشته است.

۱- میزان الحکمه ۳/ ۶۰

ص: ۲۰۱

۶. لزوم اقدام شاعران و ذاکران فرهیخته و پیش‌کسوت

شاعران و مداحان بزرگ که در معرفت نسبت به مقام شامخ حجج طاهرین الهی پله‌های کمال را طی کرده‌اند و تا امروز نیز در این راستا بوده‌اند، باید اقدام کنند و جلوداری مداحی کشور را به دست گرفته و این وضع نا به سامان را سامان بخشیده و از حیثیت مداحی اهل بیت (علیهم السلام) و شرافت آن دفاع کنند.

ص: ۲۰۲

۷. قابل توجه صاحبان هیئات و جلسات مذهبی

و در آخر، سخنی با صاحبان هیئات و جلسات مذهبی، آنان که در راه مکتب اهل بیت (علیهم السلام) از زندگی و مال و وقت و عمر خود مایه می‌گذارند و با عشق فراوان، مجلس بر پا کرده و عَلَم اهل بیت (علیهم السلام) را برافراشته و زمینه را برای احیای امر آنان مهیا می‌کنند، باید مراقب باشند که شعور دینی، فدای شور، معرفت درونی و فرهنگ سازی نسل جوان، فدای جذب بیشتر مخاطب و مستمع و شلوغی جلسات نشود. از مداحان پاک و کامل استفاده کنید و به کسانی که به هر قیمتی می‌خواهند مجلس را به شور و حال درآورند و حتی با دروغگویی و ساختن سخنان گزاف می‌خواهند حرف جدیدی بزنند،، تذکر داده تا این حریم آلوده نگشته و پاک تداوم یابد.

ص: ۲۰۳

منابع و مآخذ

منابع و مآخذ

۱- قرآن کریم

۲- اصول کافی، کلینی رازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، ترجمه سید جواد مصطفوی، انتشارات قائم

۳- بحار الانوار، الجامعه لدرر اخبار الائمه الأطهار (علیهم السلام)، مجلسی، محمد باقر، دارالکتب الاسلامیه، چاپ مکرر.

۴- تبلیغ بر پایه قران و حدیث، محمدی ری‌شهری، محمد، همکاری سیدحمید حسینی، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۲ ه-. ش

۵- تحف العقول عن آل الرسول (ص)، حرّانی، ابو محمد حسن بن علی، موسسه نشر اسلامی، دوم ۱۳۶۳ ه-. ش

۶- تحلیلی از زندگی امام حسن عسکری (ع)، شریف‌القرشی، باقر، ترجمه محمد رضا عطایی، کنگره جهانی حضرت رضا (ع)، ۱۳۷۱

۷- التفسیرالمعین للواعظین و المتعظین، هویدی، محمد، چاپ اول، ۱۴۱۹ ه-. ق

۸- تفسیر القرآن الکریم، شبر، سید عبدالله، مؤسسه دارالحهجره، چاپ پنجم، ۱۴۲۱ ه-. ق

۹- تنبیه الخواطر و نزهه النواظر، الحمدان، ورّام بن ابی فراس، مکتبه فقیه، قم، چاپ اول.

۱۰- الحکم الزاهره عن النبی و عترته الطاهره، صابری یزدی علی رضا، موسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۱ ه-. ش

ص: ۲۰۴

۱۱- خصال، شیخ صدوق، موسسه نشر اسلامی، اول ۱۳۰۲
۱۲- ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، مدنی شیرازی، سیدعلی خان، موسسه نشر اسلامی، قم.
۱۲- سخن و سخنوری، فلسفی محمد تقی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۹
۱۳- صحیفه سجادیه، امام زین العابدین (ع)، مترجم حسین انصاریان، پیام آزادی، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
۱۴- غرر الحکم و درر الکم، عبدالواحدین، تمیمی آمدی، دفتر تبلیغات اسلامی قم، چاپ اول، ۱۳۶۶.
۱۵- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، طبرسی، فضل بن الحسن، چاپ اول، ۱۴۰۶ ه-. ق
۱۶- میزان الحکمه، محمدی ری‌شهری، محمد، مکتب الأعلام الاسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۰ ه-. ش
۱۷- نهج البلاغه، گردآوری، سید رضی، ترجمه مرحوم محمد دشتی، انتشارات آستان قدس رضوی، به نشر، چاپ دوم، ۱۳۸۱
۱۸- مجموعه الاخبار، جلالی شاهرودی، حسین، چاپ انتشارات جعفری، ۱۳۹۴ ه-. ق
۱ (ص)- حدیث ولایت، مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸ ه-. ش
۲۰- اشک باید راز دار باشد، توصیه‌های رهبر معظم انقلاب به مداحان و مبلغان حسینی، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵ ه-. ش.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».





برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹